



استان زنجان

بخش اول: مبانی نظری و متدولوژی



سیز سامانہ

مہندسین مشاور

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱. بخش اول: کلیات برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی	۲
۱-۱. مقدمه	۲
۱-۲ - بیان مسئله و ضرورت انجام طرح از دیدگاه نظری	۶
۱-۲-۱ - توسعه روستایی، ماهیت، مسایل و رویکردها	۶
۱-۲-۲ - رویکردهای توسعه روستایی	۱۳
۱-۳ - بیان مسئله و ضرورت در مقیاس استانی، شهرستانی و محلی	۱۸
۱-۳-۱ - بیان مسئله و ضرورت در مقیاس استانی	۱۸
۱-۳-۲ - ضرورت در مقیاس شهرستانی و محلی	۲۳
۱-۴ - مبنا و چارچوب تحلیلی (رویکرد نظری به تحلیل توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی با ملاحظات استانی)	۲۴
۱-۵ - روش‌شناسی تدوین برنامه بر مبنای الگوهای نظری	۳۶
۱-۵-۱ - روش‌شناسی تحقیق بر مبنای مهندسی الگوهای نظری	۳۶
۱-۵-۲ - جایگاه توانمندسازی در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغالزایی پایدار مناطق روستایی	۳۹
۱-۵-۳ - جایگاه ظرفیت‌سازی (توسعه ظرفیتی) در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغالزایی پایدار مناطق روستایی	۴۲
۱-۵-۴ - جایگاه مشارکت محلی در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغالزایی پایدار مناطق روستایی	۴۶
۱-۶ - تبیین فرآیند انجام کار	۵۷
۲ - روش‌ها و فنون بررسی	۶۱
۲-۱ - روش‌های جمع‌آوری داده‌ها	۶۱
۲-۱-۱ - بررسی‌های عمومی	۶۱
۲-۱-۲ - بررسی‌های تخصصی	۶۲

فهرست جداول

عنوان

صفحه

جدول شماره (۱): تعداد جمعیت و خانوار در مناطق روستایی و شهری کشور (۱۳۹۵-۱۳۳۵).....	۱۵
جدول شماره (۲): روند اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی با توجه به ادبیات موجود.....	۳۵
جدول شماره (۱): تحلیل کیفی SWOT.....	۵۶
جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۳
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۴
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۵
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۶
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۷
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۷
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۶۹
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۰
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۱
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۲
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۳
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۵
ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود.....	۷۶
جدول شماره (۲): برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستای هدف.....	۷۷

فهرست نمودارها

عنوان

صفحه

- نمودار شماره (۱): درصد جمعیت و خانوار در مناطق روستایی و شهری کشور (۱۳۹۵-۱۳۳۵) ۱۶
- نمودار شماره (۲): فرآیند چهاروجهی اقتصاد مقاومتی ۳۰ نمودار شماره (۱): اصول مورد تأکید در طراحی روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روستایی ۳۷
- نمودار شماره (۲): الگوی نظری حاکم بر روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پایدار مناطق روستایی ۳۸
- نمودار شماره (۳): رابطه بین مراحل یک برنامه توسعه روستایی ۵۷
- نمودار شماره (۴): روند برنامه‌ریزی ساده ۵۸
- نمودار شماره (۵): مراحل برنامه‌ریزی توسعه ۶۰

فهرست تصاویر

عنوان

صفحه

- تصویر شماره (۱): سناریوی حاکم بر توسعه اقتصادی مناطق روستایی با رویکرد اشتغال‌زایی ۳۸
- تصویر شماره (۲): توانمندسازی شیوه‌ای مناسب برای غلبه بر موانع توسعه اقتصادی مناطق روستایی ۴۰
- تصویر شماره (۳): اثرات توانمندسازی روستایی با رویکرد اقتصادی ۴۱
- تصویر شماره (۴): قلمروهای یازده‌گانه توسعه اقتصادی به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی ۴۵
- تصویر شماره (۵): جایگاه مشارکت‌های محلی در برنامه‌های توسعه پایدار ۴۶
- تصویر شماره (۶): فرآیند رشد و آگاهی‌افزایی نسبت به خود و جامعه و شناخت ظرفیت‌ها و استعدادها محلی ۵۲
- تصویر شماره (۷): روشمندی مشارکتی برنامه‌های توسعه پایدار اقتصادی با رویکرد اشتغال‌زایی روستایی ۵۳

بخش اول

کلیات

۱. بخش اول: کلیات برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی

۱-۱. مقدمه

باوجود تلاش‌های بسیاری که برای توانمندسازی روستاها صورت گرفته، این سیاست‌ها در بهبود عملکرد اقتصادی نواحی روستایی تا حد زیادی بی‌اثر بوده‌اند، تا جایی که فاصله میان عملکرد اقتصادی نواحی شهری و روستایی حتی در کشورهای پیشرفته جهان به شدت افزایش یافته است (سید نقوی و بابایی، ۱۳۹۲: ۴۵۲). این واقعیتی است که مناطق روستایی توانایی بالقوه عظیمی برای رشد اقتصادی کشورها دارند. به گزارش «سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد» با توجه به اینکه بخش عمده جمعیت فقیر و گرسنه جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، دستیابی به اهداف توسعه پایدار نقشی پررنگ در شکوفایی استعدادهای بالقوه این مناطق خواهد داشت. دست یافتن به چنین هدفی نیاز به غلبه بر چالش‌هایی همچون سطح پایین بهره‌وری در فعالیتهای کشاورزی، اهداف محدود شدن در بسیاری از مناطق و رشد سریع جمعیت و روند شهری شدن دارد، عواملی که همگی ظرفیت اقتصادی در حال توسعه را برای تأمین غذا و اشتغال شهروندان خود با چالش روبرو ساخته است. بر اساس گزارش «وضعیت غذا و کشاورزی ۲۰۱۷» تحول اقتصاد روستاها اثرات قابل توجهی دارد. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه با توجه به اینکه رشد بخش‌های صنعتی و خدماتی با وقفه مواجه شده است، نمی‌توان انتظار چندانی برای جذب نیروی کار متقاضی داشت. در این رابطه، روستانشینانی که به جای یافتن راهی برای خروج از فقر، خانه‌های خود را برای زندگی در شهرها ترک می‌کنند، به احتمال زیاد به جمعیت فقیر و حاشیه‌نشین شهرها می‌پیوندند. بخشی از روستانشینان نیز به منظور یافتن شغل رو به مهاجرت‌های فصلی یا دائمی می‌آورند. البته ایجاد تحول در اقتصادهای روستایی علاج تمام مشکلاتی که موجب مهاجرت‌های روستا به شهر شده، نیست. درواقع چنین تحولاتی مشاغل در روستاها ایجاد می‌کند که دیگر روستانشینان به دید یک انتخاب به مهاجرت می‌نگرند و نه نیاز. در این رابطه خوزه گرازیانو داسیلوا، مدیرکل «فائو» می‌گوید: «سیاست‌گذاران و برنامه ریزان اغلب نیاز اصلی روستایی‌ها که شبکه اقلیمی شهرها و روستاها است را نادیده می‌گیرند، جایی که روستانشینان بذرهایی خود را تهیه می‌کنند، فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستند و دسترسی به مراقبت‌های درمانی و سایر خدمات دارند. به واسطه این روستاها می‌توان شرایطی فراهم کرد که کشاورزان محصولات خود را در بازارها به فروش برسانند و نقش بالقوه روستاها در رشد اقتصادی شکوفا شود. بر اساس گزارش «فائو» تحولات روستایی از دهه ۱۹۹۰ میلادی شروع شده است. بر اساس این تحولات ۷۵۰ میلیون نفر به جمعیت روستاهای جهان افزوده شده است و درآمد این بخش از جامعه را به بالاتر از فقر متوسط (که روزانه معادل ۳٫۱ دلار برای هر نفر است) رسانده است؛ در سال ۱۹۶۰، حدود ۲۲ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه (۴۶۰ میلیون نفر) در مناطق شهری زندگی می‌کردند، درحالی‌که در سال ۲۰۱۵ جمعیت شهرنشین این کشورها به ۴۹ درصد (۳ میلیارد نفر) رسید؛ جمعیت رو به رشد مناطق روستایی جهان با افزایشی ۱٫۵

میلیاردی از ۱,۶ میلیارد نفر در سال ۱۹۶۰ به ۳,۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۵ رسیده است به بر این مبنا می‌توان استنباط نمود که امروزه مسائل مربوط به روستا، جوامع روستایی و ضرورت ارتقا سطح زندگی روستاییان چنان ارتباط تنگاتنگی با عوامل درونی و خارج از محیط روستا پیدا کرده است که جایی را برای اثبات حقانیت خود مبنی بر ضرورت توجه به مسائل روستاها در ارتباط با دیگر عوامل در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باقی نگذاشته است. در حقیقت توسعه‌نیافتگی روستاها و کیفیت زندگی روستاییان در ابعاد وسیع و گسترده‌ای طی چند دهه اخیر کانون توجه اغلب دانشمندان و صاحب‌نظران توسعه بوده است و در هر دوره‌ای می‌توان شاهد حاکمیت اندیشه‌ای نو و رویکردی بدیع در این عرصه بود که نفوذ آن‌ها در حوزه‌های برنامه‌ریزی، فضاها، روستایی را با دگرگونی‌هایی مثبت یا منفی روبرو کرده است. با این وجود، همان‌گونه که توسعه در مفهوم عام آن عاملی انسانی بوده و بالطبع امری نسبی و وابسته به زمان و مکان‌های مختلف است توسعه روستایی نیز همچنان در کانون توجهات قرار داشته و در اهداف توسعه هزاره سوم یکی از مهم‌ترین ابعاد را به خود اختصاص داده است. در جهان امروز روستاییان از وضعیت نامطلوبی در رابطه با سطح زندگی و رفاه برخوردارند. آن‌ها در کودکی دسترسی کمتری به امکانات آموزشی و بهداشتی دارند و در بزرگسالی نیز ساعت طولانی‌تری را به ازای درآمدهای پایین‌تر کار می‌کنند و از حقوق کمتری برخوردارند، یا اساساً از این حقوق محروم‌اند. تفاوت اساسی در سطح زندگی روستاییان و شهرنشینان امروز کاملاً واضح و آشکار است که دلیل عمده این تفاوت را باید در عدم توجه به توسعه مناطق روستایی جستجو کرد. از آنجائی که توسعه به دنبال ارتقا فرهنگ، تکنولوژی استفاده از منابع طبیعی، پوشش گیاهی و جنگل‌ها، پاک و تمیز نگه‌داشتن محیط‌زیست اعم از محیط طبیعی و انسانی روستایی است، برای تداوم استفاده از منابع تجدید ناپذیر و بهبود شرایط محیط انسانی در ابعاد مختلف آن توجه به توسعه پایدار امری ضروری و مهم می‌باشد. به‌طور کلی در عصر جهانی‌شدن ساکنین جوامع روستایی باید تشخیص دهند که جامعه‌شان در حال تغییر است و اگر تمایل به توسعه اقتصادی دارند باید برای انجام برخی تغییرات اجتماعی و اقتصادی آماده باشند و مدیران جامعه روستایی در این فرآیند باید بدانند که فعالیت‌های محض کشاورزی و فعالیت در قالب‌های سنتی و گذشته جهت موفقیت در توسعه روستایی و در چارچوب تحولات جهانی، از توانایی پایینی برخوردار هستند و باید دانست که جهانی‌شدن و اقتصاد جهانی ساختارهای اقتصادی نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و تأثیرات مثبت و منفی فراوانی هم برای روستاهای کشورهای در حال توسعه و هم برای روستاهای کشورهای توسعه‌یافته به همراه خواهد داشت به‌طوری‌که این فرآیند فرصت‌های جدیدی را پیش روی ساکنین روستایی گشوده و به افزایش رشد نواحی روستایی کمک خواهد نمود ولی از سوی دیگر به‌عنوان تهدیدی برای روستاهایی که محروم از مهارت، سرمایه، دسترسی به منابع و اقتصاد کارآمد هستند عمل خواهد نمود. بدون تردید روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبرو هستند، از این‌رو تضمین و تداوم حیات و بقا روستاها

نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات می‌باشد که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد. برای نیل به این هدف، سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی عرصه‌های روستایی باید به نقش‌هایی روی آورند که متناسب با شرایط متحول محیطی باشد. حدود ۲۳ میلیون نفر از مردم ایران در نواحی روستایی سکونت دارند و حل مسائل این قشر عظیم، که عموماً تولیدکننده و زحمتکش می‌باشند، ضروری بوده و راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی شهرها به حساب می‌آید، زیرا عواقب ناپسند اقتصادی- اجتماعی ناشی از تهی شدن روستاها از نیروی انسانی، کشور را با چالش‌های اساسی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه خواهد کرد. عدم توجه به مسائل و مشکلات روستاها و روستاییان، منجر به انباشت جمعیت در شهرها در اثر پدیده مهاجرت می‌شود، که خود باعث افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و نیاز بیشتر به منابع تولید کشاورزی می‌گردد. پیامد این مسائل، به گسترش فقر و بیکاری، کمبود مواد غذایی در کشور، مسائل خاص روستایی و شهری و نابهنجاری‌های اجتماعی، دگرگونی و بحران در ساخت سیاسی جامعه منتهی خواهد شد (علوی زاده، ۱۳۸۹: ۱). اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چراکه توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاها و روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد. حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاها و روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسائل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می‌یابد. از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه‌ای، شهری و روستایی است. متأسفانه شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاها و روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم‌توجهی شده و حوزه‌های روستایی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار نگرفته‌اند. از این رو تعدیل عدم تعادل‌های اجتماعی- اقتصادی و سرزمینی در جهت بالندگی جوامع روستایی و تسهیل رشد و ارتقای این جوامع، ضرورتی اساسی و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. توسعه یک ناحیه روستایی باید در چارچوب کلی سیاست‌های ملی طراحی گردد. این مسئله نشانگر پیوستگی توسعه روستایی و توسعه ملی است. در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم، مایکل تودارو ابعاد و اهمیت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه ملی می‌گوید: توسعه کشاورزی و توسعه روستایی محور اصلی توسعه ملی است. در نظر تودارو توسعه ملی وابسته به توسعه روستایی است چراکه ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی مثل فقر، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد. «جان رابینسون» و «آنتوان داکوره» نیز همچون تودارو توسعه روستایی را شرط توسعه ملی می‌دانند. نظریه

دیگری که امروزه مطرح است نظریه «میسرا» در باب توسعه روستایی می‌باشد. میسرا بر دو جنبه‌ای بودن توسعه شدیداً می‌تازد و معتقد است توسعه شهری، روستایی، صنعتی و کشاورزی باید با در نظر گرفتن شرایط در اولویت قرار گیرند و تأکید صرف بر هر یک از آن‌ها باعث انحراف مسیر توسعه خواهد شد. میسرا معتقد به الگوی مراکز رشد به‌عنوان مطلوب‌ترین راهبرد توسعه روستایی می‌باشد و با تأکید بر توسعه روستایی متکی بر بنیان قوی صنعتی که هم‌زمان توسط دولت و مردم انجام می‌شود الگوی توسعه خویش را بنیان می‌گذارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد فقر و بیکاری از جمله مشکلات بزرگ و اساسی در روستاهای ماست و این امر باعث تشدید مهاجرت‌های روستایی می‌شود و همچنین با توجه به اینکه جوان و نخبه‌گزين بودن از ویژگی‌های بارز مهاجرت‌های روستایی است؛ بنابراین برای رفع فقر و بیکاری در روستاها، توسعه روستایی یک ضرورت به نظر می‌رسد که در این راه می‌توان با متنوع کردن اقتصاد روستایی و همچنین با استفاده از کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط، فرصت‌های جدید شغلی خصوصاً برای فارغ‌التحصیلان، جوانان و زنان روستایی ایجاد کرد (ایمنی، ۱۳۷۸: ۱).

بدین منظور در سال‌های اخیر تلاش‌های متعددی برای مقابله با چالش فقر در کشورهای در حال توسعه من جمله ایران صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای رفع فقر در این کشورها ایجاد فرصت‌های شغلی است. در این کشورها مسئله نسبت نیروی کار به کل جمعیت و مسئله بیکاری از مهم‌ترین مسائل فراروی برنامه ریزان محسوب می‌شود (S.Shukla and Mishra, ۲۰۱۳: ۱۸) (Rana, ۲۰۱۷: ۳۸).

همان‌طور که گفته شد توسعه اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه، ناظر بر فرآیندی است که طی آن درآمد سرانه حقیقی یک جامعه در یک دوره زمانی بلندمدت افزایش یابد؛ مشروط بر اینکه، تعداد فقرا، افزوده و توزیع درآمد، بدتر نشود. در این میان با بررسی تعاریف و اهداف متعدد توسعه به‌طور اعم و توسعه روستایی به‌طور اخص در کشورهای در حال توسعه این نکته آشکار است که هر یک از این تعاریف به‌نوعی ایجاد اشتغال پایدار، کاهش فقر و افزایش درآمد و به‌طور کلی ارتقا شاخص‌های توسعه اقتصادی نواحی روستایی را نشانه رفته‌اند. چراکه در جهان فعلی نیمی از بشریت؛ یعنی حدود سه میلیارد نفر درآمد روزانه‌شان کمتر از دو دلار بوده و روزانه ۳۲۰۰۰ کودک به دلیل فقر و نداری می‌میرند که اغلب این جمعیت‌های فقیر در نواحی روستایی ساکن‌اند. در ایران نیز پدیده فقر به‌عنوان مهم‌ترین نماگر توسعه اقتصادی به‌خصوص در نواحی روستایی بسیار مسئله حائز اهمیت است. از مهم‌ترین معیارهای توسعه اقتصادی مسئله اشتغال افراد آن جامعه در فعالیت‌های مختلف است. مبحث اشتغال و در مقابل آن بیکاری، از مهم‌ترین مسائلی هستند که برای ایجاد یک جامعه مرفه باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا شرط لازم برای رشد و توسعه هر جامعه‌ای، ایجاد اشتغال است. باوجود اثرات مخرب بیکاری بر روند توسعه جوامع به‌ویژه در ابعاد اجتماعی توسعه از جمله فقر، بزهکاری و مهاجرت، اکثر محققان معتقدند که کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با مشاغل کاذب و بیکاری گسترده‌ای مواجه هستند. مطالعات نشان می‌دهد که مناطق روستایی ایران از لحاظ شاخص‌های توسعه نسبت به مناطق شهری در سطح پایین‌تری قرار گرفته و این مناطق با مهاجر فرستی، پیری جمعیت، پایین بودن سطح درآمد و بهره‌وری، بیکاری، فقر، شکاف درآمدی با مناطق شهری، تخریب منابع طبیعی و

مسائلی از این دست روبرو است. این مناطق اکنون با سهم جمعیتی معادل ۲۵,۹ درصد از کل جمعیت ایران (نتایج کلی سرشماری مرکز آمار ایران؛ ۱۳۹۵)، سال‌های متمادی است که به‌طور متوالی روند کاهشی سهم جمعیت را تجربه می‌کند. در این راستا برنامه‌های متعددی جهت برون‌رفت از تنگناهای توسعه‌ای در طول سال‌های گذشته تجربه شده است که نتایج نشان می‌دهد به‌جز مواردی اندک، در بسیاری از زمینه‌ها ناموفق بوده و نتوانسته است اهداف توسعه روستایی را محقق گردانند. از این‌رو کارشناسان توسعه اقتصادی معتقدند که تقویت بنیان‌های اقتصادی با محوریت فعال‌سازی چرخه تولید در فضاها و روستایی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌تواند مسیر برون‌رفت از بحران توسعه روستایی را هموارتر نماید. در این راستا با بررسی اهمیت و میزان نقش‌آفرینی «دولت، بازار و جامعه مدنی» در جریان توسعه می‌توان به این نکته پی برد که نقش دولت و بازار در بسیاری از موارد ناموفق بوده است. از این‌رو در دهه‌های اخیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اجرا و پایش برای تحقق امر توسعه نوبت به بخش سوم یا جامعه مدنی داده شده است تا نقش مردم و نهادهای محلی در توسعه آزموده شود. لذا، در رهیافت‌های جدید توسعه، دولت تمام برنامه‌ها را اجرا نمی‌کند؛ بلکه توسعه مشارکتی مطرح است؛ یعنی بحث در مورد ایجاد فضا برای مشارکت افرادی است که توسعه برای آن‌ها صورت می‌گیرد. در این جهت و با توجه به پارادایم‌های جدید توسعه؛ تدوین «برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی» برای تقویت اقتصاد محلی و منطقه‌ای و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه ششم توسعه مدنظر قرار گرفته است. چنانچه در جز ۱ بند الف ماده ۲۷ قانون ششم توسعه ذکر شده است این برنامه با تکیه بر مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی و مردم‌نهاد) و نیز با مشارکت نیروهای محلی و به بهره‌گیری از تسهیلات بانکی و حمایت‌های دولتی تدوین می‌گردد و قرار است هر یک از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها در طول برنامه پنج‌ساله ششم سالانه به‌تناسب سهمیه تعیین شده در روستاهای هدف برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی تدوین نمایند.

۲-۱- بیان مسئله و ضرورت انجام طرح از دیدگاه نظری

۲-۱-۱- توسعه روستایی، ماهیت، مسایل و رویکردها

در چارچوب روند تحول مفهوم توسعه به معنای عام آن، مفهوم توسعه روستایی نیز در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول گردیده است. زمینه چنین تغییر و تحولاتی در پارادایم توسعه روستایی به تأسی از پارادایم حاکم بر توسعه از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح شده است. در این الگو جهت غلبه بر چالش‌های پیش روی توسعه روستایی در آستانه هزاره سوم، اندیشه توسعه پایدار، تئوری بنیادی در برنامه ریزی توسعه روستایی قلمداد شده است. به واسطه تحولات شکل گرفته در حوزه‌های مذکور و حاکمیت الگوی توسعه پایدار در دهه‌های اخیر، نوع نگرش به روستا و اقتصاد روستایی نیز تا حدودی دستخوش تحول شده است. در قالب این الگو پایداری معیشت و امنیت اقتصادی در نواحی روستایی اهمیتی بسیار اساسی و ضروری دارد (علویزاده و کرمانی، ۱۳۸۹: ۳۱۱). در همین راستا طی دهه‌های اخیر توجه به متنوع‌سازی اقتصاد روستایی در سالیان اخیر بیشتر گردیده است (جوانی و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۱) و روند گسترده‌ای از تنوع فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی کشور در حال توسعه به وجود آمده است.

مفهوم توسعه روستایی نیز چون مفهوم توسعه تعاریف متنوعی به خود دیده و در طول حیاتش دچار قبض و بسط شده است. «توسعه روستایی مجموعه ای از فعالیت ها و کنش های کنشگران متعدد (افراد، ارگانها و گروهها) است که با همدیگر (در مجموع) منجر به پیشرفت در نواحی روستایی می شوند.» (shepherd, ۱۹۹۸) پیشرفت به گونه های متفاوتی توسط افراد تعریف شده است: به لحاظ تاریخی، «پیشرفت مادی» شامل رشد درآمد، ثروت ها و ممانعت از فقر ملاحظه اصلی در نظریه و تجربه توسعه بوده است. اما امروز معرفهای پیشرفت (فرهنگی، روانی و اخلاقی) جایگاه خود را در کنار شاخصه مادی در یک تصور کل گرایانه تر از توسعه پیدا کرده اند. ایم معنا از توسعه روستایی بر توسعه کشاورزی محیط است و فعالیت هایی چون صنایع محلی روستا، صنایع دستی و زیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، خدمات و تسهیلات و بالاتر از همه منابع انسانی مناطق روستایی را در برمی گیرد. توسعه روستایی به عنوان یک «پدیده» حاصل تعامل بین عوامل گوناگون فیزیکی، تکنیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عوامل نهادی است و به عنوان یک «استراتژی» (راهبرد) برای بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی گروههای خاصی از مردم روستا مطرح است. به عنوان یک رشته و نظم مطالعاتی و بیان چند رشته ای و چند بخشی است که در محل تقاطع علومی چون کشاورزی، اجتماعی، رفتاری، مهندسی و مدیریت قرار دارد (singh, ۱۹۸۶). به منظور داشتن درکی اولیه در تعریف کلی، توسعه روستایی را در غالب عبارات زیر چنین تعریف می کنیم:

توسعه روستایی، فرآیند گسترش و بهره برداری از منابع طبیعی و انسانی، تکنولوژی ها، تسهیلات فراساختاری، نهادها و سازمانها و سیاست های دولت ها و برنامه های تقویت کننده و تسريع کننده رشد اقتصادی مناطق روستایی، برای تهیه شغل و بهبود کیفیت زندگی روستایی از طریق استقلال معیشتی ارتقا توانایی ها، دگرگونی در ساختار اساسی و مشارکت فعال مردمی در همه ابعاد به گونه پایدار می باشد.

همانطور که مشاهده می شود در تعریف فوق سعی شده است تا جامعیت تعاریف توسعه روستایی در یکجا رعایت شود اما از این تعریف نمی توان به آرایش رهیافت ها و گزینه های نظری توسعه روستا پی برد. به منظور تأمین چنین هدفی لازم است به مبادی تئوریک توسعه روستایی توجه شود. می توان سه منشأ یا سه نقطه عزیمت برای توسعه روستایی را به قرار زیر تشخیص داد، که همین سه نقطه مبادی شکل گیری سه رهیافت اساسی در توسعه روستایی است:

۱- تحول روستا در راستای توسعه اقتصادی و فنی (توسعه روستایی فن سالارانه و بازار محور)

توسعه در دو مرحله، یکی در دوران سنتی و دیگری در دوران بعد از عبور از سنت های استعماری، با تفوق مدل های گذار و بعداً نوسازی، معادل صنعتی شدن و شهرنشینی بود و لذا توسعه روستایی عبارت بود از تحول و تبدیل روستا به مثابه یک جامعه سنتی (اجتماع) به یک جامعه مدرن و شهری و در عوض مکانیزه کردن مالکیت های انحصاری بزرگ زمینهای کشاورزی در مناطق روستایی مستعد. بنابراین توسعه روستایی معادل توسعه فنی کشاورزی قلمداد می شود. این الگو در برخی کشورهای جهان سوم که تحت استعمار مستقیم نبودند ولی دارای حکومت های وابسته به دول غربی بودند نیز دنبال شد هر چند با اصلاحاتی (چون اصلاحات ارضی) ولی تحت تأثیر الگوی غربی توسعه و بدون توجه به تحول در زیر ساختارها با موانع و نواقص فراوانی همراه شد. چنین برداشتی از توسعه روستایی حتی

بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران استعمارستیزی سایه خود را بر برنامه های اصلاحی کشورهای تازه به استقلال رسیده گسترانیده بود.

رهیافت های تکنوکراتیک و بازار محور که از رویکرد مذکور ریشه گرفته اند، با هدف اصلی افزایش باروری کشاورزی در مناطق روستایی از طریق تشویق کشاورزان به اتخاذ تکنولوژی پیشرفته و از طریق تهیه زیرساختار برای مناطق روستایی مطرح شده اند. بخشی از این رویکرد بر رقابت و بازار آزاد متکی و در کل بر ایدئولوژی سرمایه داری وابسته است. منافع تحول فنی و بازده بالاتر تولید عمدتاً عاید مالکین بزرگ می شود. رویکرد مذکور فرض می کند که باروری کشاورزی از طریق سرمایه گذاری بیشتر در زمین توسط مالکان بزرگ افزایش می یابد و منافعش به مالکان بی زمین، اجاره کنندگان و کارگران غیرماهر می رسد. رهیافت مذکور در عمل به نابرابری های بیشتر در توزیع درآمدها، بیکاری (و مهاجرت بی رویه)، تثبیت و تداوم ساختار اجتماعی روستایی انجامیده است (Ahmad, 1997, P. 79).

در این شیوه نگرش به توسعه روستایی، تحول ساختاری و نهادی به خصوص از جنبه های مالکیتی مطرح نیست از اینرو این شیوه امکان می دهد که نهادهای اجتماعی و نظام زمینداری موجود تداوم پیدا کند. از ویژگیهای سیاست توسعه حکومت های تحت استعمار بریتانیا در آفریقا و هند و مناطق دیگر است و انتظار می رود که در این شیوه ترویج یک جانبه فعالیت های کشاورزی از جانب متخصصین به افراد معمولی، دهقانان به کاربرد انواع ابزارها و شیوه های جدید و رشد تولید ترغیب شوند. با این حال در عمل، کاربرد شیوه مذکور در دوره استعمار به معنی کنترل بیشتر مقامات بر جمعیت های دهقانی و عشایری بود و فقط در مناطق معینی تولید تجارتي افزایش یافت (از کیا، ۱۳۶۴ ص ۱۳۸).

یکی از دلایل تداوم رهیافت تکنوکراتیک حتی بعد از استقلال کشورهای مستعمره، نظرات کارشناسان اقتصادی مختلف دنیای غرب بود که معتقد بودند مسائل توسعه کشاورزی اساساً به علت سیستم ترویجی نامناسب، فقدان نیروی کار ماهر و ضعف ایستارهای اقتصادی دهقانان می باشد. با این حال نتایج به دست آمده از دوره های اولیه برنامه های توسعه روستایی بسیار ناامید کننده بود و دلایلی غیر از دلایل برشمرده شده از جانب کارشناسان به طور عمده دخیل بودند. به عنوان مثال افزایش تخصص در میان روستاییان خصوصاً صنعتگران باعث مهاجرت آن ها به شهرها شد و یا اولویت کشت محصولات نقدی در برخی مناطق، به دلیل سرمایه گذاری زیاد و صرف وقت و کار زیاد به زیان محصولات اساسی و غذایی تمام می شد. از این رو خودکفایی مردم در تأمین نیازهای اساسی خود دچار مشکل گردید. ضرورت تشکیل گروه های مرفقی از میان روستاییان که ناقل عقاید و تکنیک های جدید باشند خود عامل پیدایش طبقه و گروه ممتازی شد که حتی بر روی کار تعاونی ها و بازار تأثیر انحصاری و انتفاعی داشتند. با این حال رهیافت تکنوکراتیک در مناطقی که با شیوه های جبرانی کشاورزی خرده مالکی همراه بوده اند موفقیت های اقتصادی در برداشته اند.

البته چنین سیاستی دو نقص عمده دارد: اول اینکه نابرابری اجتماعی- اقتصادی را در مناطق روستایی تشدید کرده و در بعضی موارد شکاف بین زارعان سرمایه دار و دهقانان فقیر یا بی زمین را وسیع تر می کند دوم اینکه پیشرفت

در این شیوه به کندی صورت می گیرد و نتایج خوبی به بار نمی آورد. از جمله رهیافت های مطرح در این گزینه، رهیافت توسعه روستایی براساس نگرش نوسازی، رهیافت توسعه روستایی از طریق رشد، بازار آزاد و صنعتی سازی روستاها هستند.

۲- توسعه روستایی به مثابه فراگردی معطوف به اصلاح (حرکت رفرمیستی)

با سقوط امپراطوری استعمارگر اروپا و اجماع اندیشمندان و مجریان توسعه بر سر عواقب منفی توسعه فن سالارانه، نوسازی و صنعتی سازی و شکست این رویکردها در تأمین اهداف اولیه خود در جهان سوم، مسایلی چون مهاجرت های بی رویه، زاغه نشینی و رشد فساد شهری، رشد فقر و محرومیت، توسعه روستایی مشخصاً به مثابه شاخه ای از توسعه ملی در رفع محرومیت ها و جبران خسارت های به وجود آورده، مطرح شد. چنین طرحی با افزایش نقش دولت های مستقل و سرمایه گذاری های عمومی به زعامت دولت رواج یافتند. رشد جمعیت به خصوص در مناطق روستایی و افزایش سطح نیازهای اولیه نیز مزید بر علت شدند، تا توسعه روستایی به مثابه رهیافتی مستقل در برابر خرابی ها و کجروی های توسعه صرفاً فنی و اقتصادی قرار گیرد. بنابراین رویکرد مذکور در توسعه روستایی اولویت را به توزیع مجدد درآمد در برخی بخشهای ضعیف جامعه روستایی می دهد. به دنبال آن اهمیت کمتری به افزایش بازده تولیدات کشاورزی قایل است.

تلاشها در جهت تطابق برابری بیشتر با رشد سریع از طریق تغییر در نهادهای کشاورزی، انجام شد ابتدا رویکرد اصلاح گرا نسبت به توسعه روستایی، نیاز به اصلاحات ارضی را در مرحله بعدی تشخیص داد. به مرور برنامه های توسعه اجتماعی ایجاد نهادهای جدیدی را که بتوانند برخی کرکردها را ایفا کنند که قبلاً نخبگان روستا انجام می دادند توصیه کرد. چنین نهادهای جدیدی حاکمیت های محلی روستا، تعاونی ها و سازمانهای داوطلبانه روستا و سازمانهای جوان را در بر می گرفت. تلاشها در جهت ایجاد اعتماد به نفس در بین روستاییان از طریق تشویق آنها در به عهده گرفتن توسعه روستایی توسط خودشان به جای انتظار کمک های دولتی صورت گرفتند. نهادهای مسلط اجاره داری زمین در این رویکرد متمایل به مزرعه های خانوادگی و تعاونی های کوچک هستند. منتفعین عمده این رویکرد دهقانان متوسط شاغل در مزارع خانوادگی و کشاورزان مترقی هستند (Ahmad, 1997, P79).

اغلب زارعان پیشرو و ثروتمند که غالباً نیز ریشه شهری دارند، از این نوع استراتژی سود می برند. در این نوع استراتژی توزیع درآمدهای حاصله، از سوی گروههای پردرآمد به سوی گروههای میانه است. گروههای پایین درآمد ممکن است به خاطر امکانات شغلی به وجود آمده از درآمد بیشتری برخوردار شوند، اما احتمال بسیار کمی وجود دارد که در وضع زندگی آنها بهبود کلی به وجود آید و یا نفوذ سیاسی آنان افزایش یابد (ازکیا، ۱۳۶۴، ص ۱۴۲). این نوع توسعه روستایی تعلق خاطر به ایدئولوژی های ملی گرایانه و گاهی نیز مردم گرا و نومردم گرا دارد. سیاست های ارضی از جمله راهبردهای مطرح در این رهیافت، راهبرد توسعه اجتماعات روستایی یا توسعه جماعتی بوده است که در ایالات متحده موفقیت های قابل توجهی کسب کرد. فکر اساسی در پشت این برنامه اشاعه طرح هایی برای تحرک بخشیدن به مردم و به منظور استفاده کامل از نیروی انسانی و منابع طبیعی محلی بوده است. علیرغم موفقیت های چشمگیر به خصوص در زمینه ترویج کشاورزی، سهم عمده ای از منابع به جیب دهقانان ثروتمند

سرازیر شده و اغلب دهقانان فقیر از این موقعیت محروم بوده اند. نیازهای افزارمندان و کارگران روستایی کاملاً نادیده گرفته شده است. جهت گیری های شهری هنوز در آن کاملاً مشهود است. به تواناسازی و تحول ساختاری عمیق، عدالت و استقلال روستاییان کمتر توجه می شود.

با این حال باید توجه داشت که می توان در این رویکرد، دو دسته رهیافت ها را تشخیص داد. برخی رهیافت ها چون انقلاب اول سبز، توزیع مجدد درآمدها و نیازهای اساسی توجه خود را به رفع عواقب منفی صنعتی شدن جلب کرده و تنها درصدد رفع این خسارت ها از طریق اصلاح در نتایج توسعه (مانند توزیع مجدد منافع توسعه) بوده و بنابراین روبنایی ترند و برخی رهیافت ها جنبه های اصلاحی عمیق تری چون اصلاحات ارضی و مشارکت فعال روستاییان را مطرح می کنند. رهیافت هایی چون پایداری، توزیع مجدد منابع، فمینیستی، مشارکتی و استقلال حوزه عمومی را به طور غنی تر در انگاره جدید توسعه روستایی ضمن اقتباس برخی جوانب گزینه سوم (گزینه رادیکال توسعه روستایی) مشاهده می کنیم.

۳- توسعه روستایی در راستای تحقق عدالت اجتماعی

با شکل گیری نگرشهای عدالت خواهانه و توجه به عوامل توسعه نیافتگی که ریشه در نابرابری های اجتماعی-اقتصادی و اقتدار سیاسی حاکم دارند تلاشهایی به منظور تحول زیربنایی در ساختارها و نهادهای حاکم به نفع اکثریت ضعیف و محروم جوامع روستایی (بالاخص در انقلابهای دهقانی چون انقلاب چین) صورت گرفت. توسعه روستایی به منظور قدرت بخشیدن به اشقار محروم و ارتقا کیفیت زندگی آن ها به وسیله تحریک مشارکتهای جمعی و تعاونی های بزرگ تعریف شد. البته نباید همه این رویکردها را از نوع رویکردهای کمونیستی و تنها در کشورهای وابسته به بلوک شرق تصور کرد. رهیافت مذکور شامل کلیه مدل های جمعی و سوسیالیستی حتی در میان کشورهای غیرمتعهد مشاهده می شود. از این رو در دو شکل به ارائه راهبرد اقدام شده است. در یک شکل، دولت به عنوان نماینده مردم زعامت را به عهده می گیرد و در شکل دیگر شیوه های تعاونی و مشارکت جمعی روستاییان فقیر تشویق می شود و دولت نقش حمایت کننده، مساعدت کننده و نظارت کننده را به عهده دارد. ایده اصلی این حرکت این بوده است که به جای روشهای بهبود و افزایش نهادهای کشاورزی مکمل نیروی کار و شیوه هایی که علاج واقع را به وسیله توزیع مجدد به بعد از وقوع (نابرابری و فقر) موکول می کنند، دگرگونی عمده ای در شیوه های تولید و الگوهای مالکیت و کشت صورت بگیرد. به طوری که بتوان از نیروی کار مازاد بهره برداری مفیدتری کرد.

کسانی که بیشتر از این رهیافت منتفع می شوند دهقانان خرده پا، کارگران بی زمین و خوش نشین ها هستند. گزینه مذکور دلالت های ضمنی سیاسی و اجتماعی متعددی داشته است. دولتهای متعددی را بر آن داشته است تا فعالانه در امور مربوطه به توسعه روستایی مداخله کنند. این دولت ها به ارائه تکنیک های مدرن و سیستم های حقوقی و اجتماعی جدید که اجازه توسعه تکنیک های کشاورزی جدید و سرمایه گذاریهای مالی زیاد را می دهد، مبادرت کردند. هدف رهیافت رادیکال توسعه گردگونی سریع اجتماعی و توزیع مجدد قدرت سیاسی است. معضلات و موانع توسعه را محدود به خود روستا نمی کند و از منظری فراتر و ریشه ای تر از مسایل منطقه ای و محلی می

نگرد. اهمیت توزیع مجدد درآمد و ثروت مطرح است و بالاخره بالا بردن تولید هدف بعدی است. سیاست های ارضی، فنی و اشتغال از اهمیت برابری برخوردارند. از جمله اهداف اصلی آن افزایش مشارکت توده مردم، برابری اقتصادی و تولید بیشتر است.

در دو دهه اخیر با تضعیف اقتدار دولت - ملت ها و سپس فروپاشی بلوک شرق، رهیافت رادیکال در همسویی و همگرایی با رهیافت اصلاح طلب بیشتر بنیادی، به سمت مباحث جدید انگاره توسعه روستایی حرکت کرده است و بدین وسیله مدل های جمعی از خود اتکایی بالاتری در سطح محلی برخوردار شده اندت و سوسیالیسم حامی آن معنای وسیعتری از قبل (که محدود به ابعاد سیاسی بود) پیدا کرده است. شیوه های رادیکال آن را در چین شاهد بودیم که تنها توجه خود را به عامل کار جلب کرده و از سایر عوامل تولید چشم پوشیده بود. اصلاحات ارضی رادیکال و طرح های اسکان از جمله برنامه های تجربی این گزینه هستند. رهیافت های جمعی مشارکتی، سوسیالیستی و فمینیستی از جمله رهیافت های رادیکال هستند. در جدول بعدی خلاصه ای از مباحث فوق جهت مقایسه مدل های ارائه شده توسط رهیافت های سه گانه (اصلاح طلب، بازار محور فن سالار و رادیکال) آورده شده اند که از مباحث مقاله لی و چورلی (۱۹۸۳) گرفته شده اند.

لازم به تذکر است سنخ بندی فوق بیشتر جنبه تدوین نمونه های آرمانی را دارد و در عمل نمونه های مختلط بسیارند. با این حال بسیاری از این نمونه ها را می توان نزدیک به یکی از رهیافت های مذکور قلمداد کرده و یا در طول تاریخ آن چرخش هایی را بین رهیافت ها سراغ گرفت.

با توجه به اینکه بسیاری از انگیزه ها و شرایط مطرح کننده رهیافت های فوق در سال های اخیر در اثر تحولات عمیق جهانی و منطقه ای متحول شده اند (مسایلی مانند جهانی شدن فزاینده، به هم خوردن مرزبندی های نسبتاً دقیق بین جهان شمال و جنوب، ضرورت طرح مسایل جدید چون محیط زیست و مسدله پایداری، شکل گیری شیوه های مبادلاتی جدید در نظام جهانی و تقسیم کار بین الملل، خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی و افزایش قدرت چانه زنی، ظهور برهان جامعه مدنی و کاهش قدرت دولت و ملت ها و...) بنابراین یک رهیافت جدید و در نتیجه تعریف جامع از توسعه روستایی باید بتواند ضمن پرهیز از یکسنگرهای مستتر در هر رهیافت، از کلیه جنبه های مثبت آنها و راهبردهای توسعه روستایی مطرح شده در ترکیبی مناسب استفاده نماید و بنابراین مفروضات مهمی وجود دارند که باید به طور صریح و آشکاری مشخص شوند:

۱- معمولاً فرض می شود که توسعه روستایی صرفاً یک سری از برنامه های دولتی هستند که از طریق بخش های دولتی اجرا می شوند. حال آنکه اصطلاح توسعه روستایی به یک فرآیند تغییر از جوامع روستایی اشاره دارد نه فقط جوامعی که مشمول کنش دولت می شوند. این فرآیندهای دگرگونی شامل تغییرات ساختاری حوزه وسیع تر هستند تا اجرای صرفاً دولتی. بنابراین یکی از مباحث اصلی که باید به طور شفاهی مطرح شود نقش دولت و سازمانهای دولتی در توسعه روستایی بنا به شرایط و مکانهای مختلف است.

۲- فرض معمول دیگر این بوده است که توسعه روستایی را می توان از بیرون، از جانب یک قدرت سیاسی تحمیل کرد. دنبال کردن چنین فرضی با این خطر مواجه است که ساکنان روستا ممکن است این نوع توسعه را نپذیرند.

تجارب جوامع متفاوت نشان داده است که توسعه روستایی، باید از تغییرات مورد درخواست و دنبال شده توسط خود افراد روستایی ناشی شود. به منظور ساختن توسعه پویا، خود اتکا و پایدار، توسعه باید از درون جامعه روستایی برخیزد. کمک خارجی تنها جهت تکمیل منابع داخلی در اجرا برنامه ها و طرحهایی که توسط خود مردم اجرا شده، می تواند درک شود. اگر سیاستها و برنامه های توسعه روستایی توسط تکنوکراتها یا کمیسیون های طراحی، نهادهای مالی بین المللی و یا آژانس های اعطاکننده وام که با دانش سطحی در مورد شرایط اجتماعی- اقتصادی روستاها و حساسیت های روستایی کار می کنند، درک و تدوین شوند، این فرآیند نمی تواند پایدار باشد. این طرحها و برنامه ها از زمینه های بیگانه انتقال یافته و بر فرضهای معتبر در همان زمینه ها بنا شده اند. بنابراین نکته قابل تأمل دیگر میزان دخالت نیازهای راستین و خواسته های زمینه اجتماعی است که در آن طرحهای توسعه اجرا می شود و این نیاز به فرآیندهای پویا و مداوم ارزیابی و سنجش، تعامل های حقیقی و مشارکت در کلیه مراحل با روستاییان منطقه مذکور دارد.

۳- مفهوم مشارکت در فرآیند توسعه روستایی ممکن است به فرض اشتباه دیگری منجر شود و آن اینکه، مشارکت می تواند بدون تواناسازی سیاسی تضمین شود. بر طبق نظر هری فریدمن «کافی نیست که به افراد روستایی اجازه داده شودی که خود را با تصمیم گیران به منظور بیان ترجیح هایشان شریک بدانند. به بیان دقیق تر آنها باید اطمینان کافی داشته باشند که می توانند شرایطی را به عنوان امری ضروری جهت رسیدن به وضعیت رفاهی به ارمغان آورند. برای داشتن چنین اطمینانی یک جمعیت روستایی باید از جایگاه معقولی برای تعیین جهت سرنوشت خود برخوردار باشند» (Ahmad, ۱۹۹۷, P۷۶).

عبارت فوق شرایط معنادار مشارکت را معین می کند. اگر مفهوم مشارکت به پیدایشی سطحی از اطمینان، خودمحموری (خود اتکایی)، زندگی و آموزش بهتر منجر نشود می تواند مفهومی گمراه کننده و عقیم باشد. مشارکتی که از طریق تأمین هزینه ها توسط آژانس های چندملیتی مساعدت کننده به دست آید بیشتر نوع وابستگی و تملق را در بین منتفعین خود ایجاد می کند. در صورت نهادینه شدن و کسب قدرت سیاسی و اجرایی بیشتر توسط نهادهای نماینده مردم است که مشارکت پویا و پایدار می شود. از طرف دیگر نکته قابل توجه آن است که مشارکت مردم نباید تنها برای یک هدف واحد (مانند انجام یک پروژه با طرح توسعه خاص) ترغیب شود بلکه باید در کلیه شئون و جنبه های حیاتی فرآیند توسعه و کلاً زندگی اجتماعی مطرح باشد تا جنبه تصنعی پیدا نکند. جامعه ای که مشارکت در آن به مثابه یک ارزش فرهنگی جا نیافتاده است و الگوی اقتدارطلبانه حتی در خانواده نیز جاری است نمی تواند مشارکت حقیقی را به نمایش بگذارد.

۴- مسئله چهارم، مسئله پایداری است. هنوز تلاشهای بسیاری لازم است تا این مفهوم صورت عملی و تجربی به خود بگیرد و در محک تجربه های متعدد در زمینه های گوناگون نظریات مختلفی را پیرامون خود بیوراند در تعریفی کلی و پایه از این مفهوم: «پایداری رابطه ای است بین نظام های اقتصادی انسانی و نظامهای پویایی بوم شناختی که به کندی در حال تغییر هستند.» در این رابطه:

الف) زندگی انسان می تواند به گونه نامحدودی تداوم یابد.

ب) افراد انسانی می توانند رشد کنند.

ج) فرهنگهای انسانی می توانند توسعه یابند اما در آن تأثیرات فعالیت های انسانی در محدوده هایی باقی می ماند به طوری که باعث تخریب تنوع، پیچیدگی و کارکرد نظام حمایتی زندگی بوم شناختی انسان نشوند (Faucheux, ۱۹۹۸, P۴).

۱-۲-۲- رویکردهای توسعه روستایی

رویکردها و تعاریف متفاوتی در مورد توسعه روستایی مطرح شده است. برخی خدمات رسانی به روستاها در چارچوب ضوابط دولت های رفاه، را توسعه روستایی تعریف کرده اند. گروهی توسعه کشاورزی و منابع آب و خاک را معادل توسعه روستایی تلقی می کنند. (در اغلب برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی) قبل و بعد از انقلاب اسلامی ذیل سرفصل های توسعه روستایی، توسعه کشاورزی مطرح شده است.) مثلاً انقلاب سبز و برنامه های افزایش درآمد کشاورزان از محل ارتقا و راندمان و عملکرد زراعی، باغی و دامپروری، از زمره رویکردهای توسعه روستایی تلقی شده است. برخی دیگر اصلاحات ارضی و تقسیم مجدد اراضی و تقسیم اراضی نوآباد (زیر کشت بردن مراتع و اراضی بایر با تأمین آب) را رویکرد اساسی توسعه روستایی می دانند.

در دوره های متأخر رویکردهای صنعتی شدن روستاها و ادغام سکونتگاههای روستایی در قطب های رشد منطقه ای هواداران بسیار داشت.

۱- همه رویکردها، که در نقاط مختلف جهان و در ایران تجربه شدند، یک فصل مشترک دارند که روستاها پدیده هایی جدا از هم و مستقل و خودبسنده تلقی شده اند که عمدتاً به کشاورزی اشتغال دارند و فاقد ظرفیت های فضایی برای نقش آفرینی و کارکرد منطقه ای هستند. در این تلقی مشترک، روستاها فاقد قدرت برای اثرگذاری در فرآیند توسعه منطقه ای محسوب شده و بیشتر تحت تأثیر فرآیندهای بیرونی قرار دارند. در این رویکرد ارزش های سرمایه اجتماعی و انسانی و مناسبات جوامع ساکن سکونتگاههای روستایی، به عنوان عامل و هدف توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته و برنامه ها عمدتاً به منابع محیطی و سرمایه های طبیعی، به عنوان پیشران توسعه معطوف شده اند.

از این رو به طور مثال حفاظت آب و خاک توسعه منابع آب و ارتقا بهره وری کشاورزی در اغلب برنامه ها، توسعه روستایی تلقی شده است. اگر روستایی دچار فقر منابع طبیعی بود از گردونه توسعه خارج شده اند. نتیجه این وضعیت این است که اگر انباشت و پس اندازی هر چند خرد، در روستاها شکل گرفته و یا تجربه و دانش در نسل جدید پدیدار شده به خارج از روستا منتقل شده و فضای روستایی دچار فقر مضاعف ناشی از خروج سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز شده است. در نگاه جدید، هیچ سکونتگاه روستایی، از سکونتگاه ها و ظرفیت های طبیعی و انسان ساخت (شهری و روستایی) در قلمرو سرزمینی که در آن استقرار دارد، جدا و مستقل محسوب نمی شود. در این رویکرد، هر سکونتگاه بخشی از یک ساختار فضایی است که هر یک از اجزا آن دارای ظرفیت های سرمایه های طبیعی و انسانی متفاوت است که باید در ارتباط با بقیه اجزا آن فعال شود.

۲- در ساختار فضایی که یک سکونتگاه در آن استقرار یافته، مجموعه ای از ظرفیت ها و فرصت های ناشی از موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی فرآیندهای اقتصادی خرد بر بستر محیط طبیعی شکل گرفته که به صورت انتزاعی و تجریدی کم وزن (با توجه به نظریه ارزش ها) ولی در ارتباط با هم دارای ارزش های ساختاری- کارکردی وزین و قابل فعال شدن در فرآیند توسعه است.

۳- در این رویکرد ظرفیت های فضایی روستایی نه فقط سرمایه طبیعی، بلکه به جایگاه یک سکونتگاه در شبکه سکونتگاهی و همچنین فعالیت . انرژی و فرصت های شبکه که از مجموعه روابط، جریان و پیوندهای متقابل بین روستایی، روستا- شهری و روستا- منطقه ای، حاصل می آید، ارتباط پیدا می کند.

۴- ظرفیت ها توسعه ای شبکه سکونتگاهی روستایی، از هم افزایی تعامل و برهم کنش ظرفیت های کل ساختار فضایی، یک منظومه روستایی، تعیین می گردد. طبیعتاً در ساختار شبکه سکونتگاهی فعالیت و پوشش حیات اقتصادی- اجتماعی از روابط دوسویه و مکمل پیوندهای بین سکونتگاهها (که هر یک دارای ظرفیت های خاص خود هر چند خرد هستند) پدید می آید. از این رو ساختار فعالیت ها نیز دارای ماهیتی خوشه ای و مکمل هم خواهد. برهم کنش، خوشه فعالیت و ساختار توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی زمینه بهره برداری از هر فرصت کوچک، توان محدوده و ظرفیت محلی در یک سازمان بزرگ محلی را که در زمینه های پیش از تولید، تولید، بازاریابی و پشتیبانی خدماتی و آموزشی فراهم می سازد. تقسیم کار درون خوشه فعالیت ها و انطباق آن با ساختار فضایی منظومه، امکان فعال سازی همه سکونتگاهها، حتی سکونتگاههای کوچ و منزوی را فراهم می سازد. زمینه بهره برداری از هر فرصت کوچک، توان محدود و ظرفیت محلی در یک سازمان بزرگ محلی را فراهم می سازد.

۵- در این رویکرد، با فعال سازی خلاقیت های انسانی محلی حتی امکان تبدیل تهدیدهای محیطی به فرصت های اقتصادی- توسعه ای وجود خواهد داشت.

به طور مثال، تعدادی از روستاهای یک منظومه روستایی جنگلی را که به دلیل ملاءمیت حفاظت از منابع طبیعی، امکان ایجاد تأسیسات صنعتی را نداشته و به همین دلیل عمده‌تاً جنگل نشینان از فقر نسبتاً پایدار در رنج هستند، با ورود به خوشه گردشگری طبیعت گردی در اشتغالزایی روستایی از یک فرصت اقتصادی- توسعه برخوردار می شوند. طبیعتاً برای ورود به یک خوشه فعالیت ایجاد زیرساختهای شبکه های دسترسی- خدمات رفاهی و پشتیبانی هم در اولویت قرار می گیرد و در نظر توسعه کالبدی توجیه پذیر می شود. تقسیم کار درون خوشه فعالیت ها و انطباق آن با ساختار اشتغالزایی روستایی امکان فعالسازی همه ظرفیت های محلی را فراهم می سازد.

این ظرفیت ها خارج از اشتغالزایی روستا می تواند ناکارآمد و غیرقابل بهره برداری باشد. بررسی و شناخت اهمیت روستا می تواند موارد متعددی را در جهت انجام و مطالعه طرح برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی را برای ما به خوبی نمود نماید به طور کلی اگر روستا را به عنوان مکان و یا فضای زمینی و معیشتی لحاظ کنیم، بی شک تولید و تأمین، نیازهای اساسی از جمله خوراک و پوشاک و منابع اولیه در صنایع مرتبط با آن برای خود و جامعه مقابل آن یعنی مناطق شهری نقش اساسی را بر عهده دارد. به عبارت بهتر می توان گفت که روستا یکی از مهمترین پایگاههای تولید مواد حیاتی و رفع نیازهای اساسی هر جامعه به شمار می رود و حدود ۹۰

درصد از تولیدات کشاورزی در قالب فعالیتهای زراعی، باغداری، زنبورداری، دامداری و دامپروری، پرورش طیور و... در مناطق روستایی انجام می پذیرد.

وجود روستا با حفظ جمعیت خود علاوه بر آنکه در امر تولید مواد اساسی نقش دارد در حفظ و پایداری محیط زیست نیز بی تأثیر نمی باشد چرا که روستا بیشترین تعامل و ساز و کار را با محیط زیست دارد و این دو به نوعی لازم و ملزوم یکدیگر می باشند. چنانچه جریان آب در بسیاری از چشمه ها، رودها، نهرها و... به وجود روستا بستگی دارد، فعالیتهای کشت و زرع، پرورش احشام یکی دیگر از ابعاد مهم در حفظ محیط زیست محسوب می شود.

در برابر این اهمیت و جایگاه مهم، مناطق روستایی روزه روز به سوی فقر و فقیر شدن سوق داده می شوند و با گذشت سالها به ویژه در دهه های اخیر روستاها بخش مهمی از جمعیت خود را به نفع مراکز شهری از دست داده اند و این امر با توجه به نقش بی بدیل سکونتگاههای روستایی در تأمین نیازهای اساسی و اولیه کشور، خود حکایت از وابستگی بیشتر به خارج از کشور خواهد شد، امری که استقلال هر کشوری را می تواند مورد تهدید قرار دهد.

علیرغم اهمیت ویژه مناطق روستایی در حفظ محیط زیست، پایداری استقلال هر کشوری این مناطق در حال کوچک شدن و از دست دادن جمعیت خود می باشند به طوری که در هر دوره از سرشماری کشور سهم این مناطق از کل جمعیت کشور در سیر نزولی قرار می گیرد، چنانچه در قبل از انقلاب بیش از ۶۸ درصد از جمعیت کشور در مناطق روستایی به سر می برده اند اما این میزان هم اکنون به یک رابطه معکوس تبدیل شده و نزدیک به $\frac{3}{4}$ از جمعیت کشور در مناطق شهری به سر می برند.

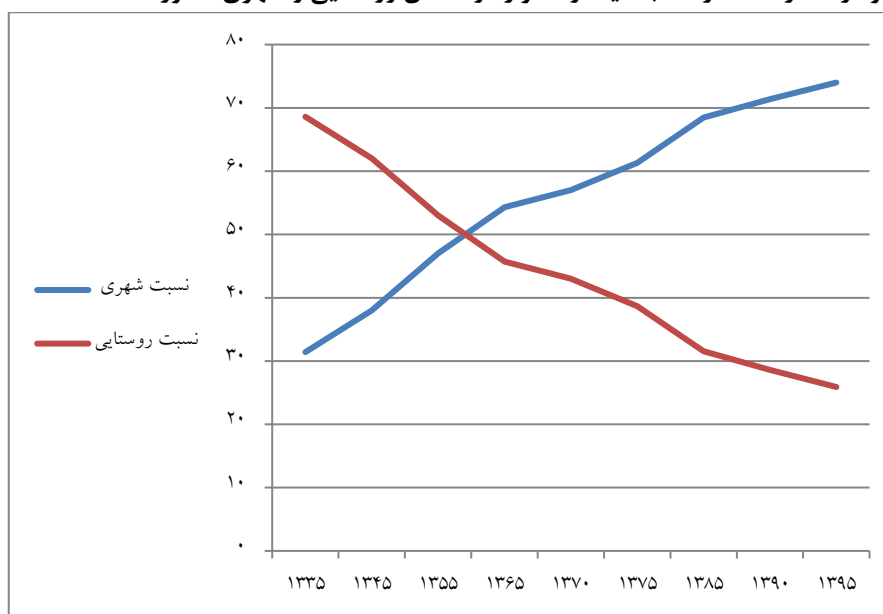
جدول شماره (۱): تعداد جمعیت و خانوار در مناطق روستایی و شهری کشور (۱۳۹۵-۱۳۳۵)

سال	شرح	کشور	شهری	روستایی
۱۳۳۵	جمعیت	۱۸,۹۵۴,۷۰۴	۵,۹۵۳,۵۶۳	۱۳,۰۰۱,۱۴۱
	نسبت	۱۰۰	۳۱,۴۱	۶۸,۶
	خانوار	۳,۹۸۵,۶۸۰	۱,۲۶۱,۳۷۲	۲,۷۲۴,۳۰۸
۱۳۴۵	جمعیت	۲۵,۷۸۸,۷۲۲	۹,۷۹۴,۲۴۶	۱۵,۹۹۴,۴۷۶
	نسبت	۱۰۰	۳۸	۶۲
	خانوار	۵,۱۶۷,۱۹۲	۱,۹۶۲,۰۲۳	۳,۲۰۵,۱۶۹
۱۳۵۵	جمعیت	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۱۵۶,۸۵۴,۶۸۰	۱۷,۸۵۴,۰۶۴
	نسبت	۱۰۰	۴۷	۵۳
	خانوار	۶,۷۱۱,۶۲۸	۳,۲۶۵,۵۲۴	۳,۴۴۶,۱۰۴
۱۳۶۵	جمعیت	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۲۶,۸۴۴,۵۶۱	۲۲,۳۴۹,۳۵۱
	نسبت	۱۰۰	۵۴,۲۹	۴۵,۷۱
	خانوار	۹,۶۷۳,۹۳۱	۵,۵۲۸,۵۴۲	۴,۰۹۹,۸۵۷
۱۳۷۰	جمعیت	۵۵,۸۳۷,۱۶۳	۳۱,۸۳۶,۵۹۸	۲۳,۶۳۶,۵۹۱
	نسبت	۱۰۰	۵۷	۴۳
	خانوار	۱۰,۷۸۷,۲۲۷	۶,۵۲۳,۸۲۴	۴,۲۰۳,۷۲۲

۲۳,۰۲۶,۲۹۳	۳۶,۸۱۷,۷۸۹	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	جمعیت	۱۳۷۵
۳۸,۶۹	۶۱,۳۱	۱۰۰	نسبت	
۴,۴۱۰,۳۷۰	۷,۹۴۸,۹۲۵	۱۲,۳۹۸,۲۳۵	خانوار	
۲۲,۱۳۱,۱۰۱	۴۸,۲۵۹,۹۶۴	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	جمعیت	۱۳۸۵
۳۱,۵۴	۶۸,۴۶	۱۰۰	نسبت	
۵,۰۷۴,۸۶۶	۱۲,۴۰۵,۵۸۴	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	خانوار	
۲۱,۴۴۶,۷۸۳	۵۳,۶۴۶,۶۶۱	۷۵,۱۴۹,۶۶۹	جمعیت	۱۳۹۰
۲۸,۶۱	۷۱,۳۹	۱۰۰	نسبت	
۵,۷۴۴,۶۱۴	۱۵,۴۲۷,۸۴۸	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	خانوار	
۲۰,۷۳۰,۶۲۵	۵۹,۱۴۶,۸۴۷	۷۹,۹۲۶,۲۷۰	جمعیت	۱۳۹۵
۲۶	۷۴	۱۰۰	نسبت	
۶,۰۷۰,۵۴۷	۱۸,۱۲۵,۰۰۰	۲۴,۱۹۶,۰۳۵	خانوار	

ماخذ: مرکز آمار کشور

نمودار شماره (۱): درصد جمعیت و خانوار در مناطق روستایی و شهری کشور (۱۳۳۵-۱۳۹۵)



ماخذ: مطالعات مشاور

در خصوص علت چنین حالتی نظرات و دلایل مختلفی از جمله وجود قوانین و روابط دافعه و جاذبه بین مناطق روستایی و شهری از جمله اساسی ترین دلیل مرتبط با این موضوع ذکر شده است، دافعه هایی نظیر نبود خدمات اجتماعی، بهداشتی، درمانی، آموزشی مناسب در مناطق روستایی سبب گردیده تا جمعیت به سوی جاذبه های

شهری کشانده شده و این امر روبه روز در حال شدت گرفتن می باشد، اما شاید بتوان به عوامل اقتصادی مانند وجود بیکاری، پایین بودن درآمد، سخت بودن فعالیتهای کشاورزی، نبود بازار مناسب محصولات کشاورزی و... سبب برآن شده تا اقتصاد روستا از توان و تکاپو بیافتد و به عنوان اساسی ترین دلیل در از دست دادن جمعیت خود باشد. بنابراین ضرورت توسعه همه جانبه روستا در ابعاد و جهات مختلف و در مقیاس های ملی، محلی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود چرا که تداوم روند فوق سبب ایجاد شرایط نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در ابعاد مختلف به شرح ذیل خواهد بود.

۱. عدم تولید کافی مواد اولیه خوراک، پوشاک و وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد کشور به ورود کالاهای اساسی
۲. گسترش حاشیه نشینی ناشی از مهاجرت گسترده جمعیت روستایی به مناطق شهری و تبعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ناشی از آن
۳. تهدید محیط زیست به سبب نابودی فعالیتهای کشاورزی
۴. گسترش نابرابری های فضایی، جغرافیایی در سطح ملی، منطقه ای و محلی
۵. و بالاخره توسعه ناپایدار و بی دوام

با این وجود و با گذشت چند دهه از روند عقب ماندگی و بروز مسائل و مشکلات اقتصاد جوامع روستایی، اما همچنان در عمل توجه لازم به مفهوم توسعه اقتصادی روستاها نشده است که نمود عینی چنین مسئله ای را می توان در مهاجرت های گسترده روستاییان به سمت شهرها و افزایش تعداد روستاهای خالی از سکنه مشاهده کرد. چالش های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی حاضر که گریبان گیر جامعه روستایی و شهری شده، عمدتاً در اثر عدم شناخت جامع و کافی برنامه ریزان از مسائل توسعه روستایی بوده است. بنابراین لزوم توجه به توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستاها و اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب را در برنامه ریزی فضایی روستاها امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. در نتیجه توجه به توسعه جوامع روستایی به ویژه در بعد اقتصادی از اهمیت شایانی برخوردار می باشد که به طبع آن دستیابی به اهداف زیر در توسعه پایدار جوامع روستایی را سبب خواهد شد:

- توسعه اجتماعی و ریشه کنی فقر
 - توسعه انسانی و افزایش کیفیت زندگی
 - فناوری اطلاعات
 - حساسیت های زیست محیطی و پایداری محیط زیست در روستا
 - مدیریت بحران و الزامات پایداری کالبدی روستا
- بنابراین می توان گفت که کاهش بیکاری و توسعه فعالیت های شغلی یکی از اهداف مهم و کلان در توسعه روستایی به شمار می رود. توسعه و عمران روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه های اصلی توسعه در ایران بوده و به عنوان راهبردی مهم برای تأمین نیازهای اساسی تلقی می شده است. بدین منظور با شیوه های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه روستایی تجربه شده که عمدتاً دستاوردهای مطلوب نداشته و هنوز هم سهم مناطق روستایی از توسعه و پیشرفت بسیار اندک است. توسعه روستایی وقتی از اهمیت خاصی برخوردار می گردد که روند

تحریم اقتصادی کشور طی سالهای اخیر سبب بروز مشکلات اقتصادی فراوانی برای کشور گردیده است به طوری که یکی از اهداف دشمنان با بهره گیری از حربه وابستگی نیازهای اساسی سبب وارد کردن فشار بر توان کشور بوده است تحت چنین شرایطی بحث اقتصاد مقاومتی وارد مبحث مهم کشور شده و عالی ترین مقامات کشور نیز سعی بر آن دارند تا سیاستهای اقتصادی کشور را با آن همراه و همگام سازند و در این میان نقش روستاها در تولید مواد غذایی و استراتژیک و قابلیت و پتانسیل بالقوه خاص آن در توسعه اقتصادی و اشتغال زایی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد چنانچه معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور براساس دستور معاون اول رئیس جمهور و در راستای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) و به منظور به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقا درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط و نیز استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید و اشتغال و بهره وری و ارتقا شاخص های اجتماعی و امنیت غذایی آیین نامه اجرایی نحوه مشارکت مردم در ۵۲۰۰ طرح اقتصادی خاص مناطق روستایی و مناطق کمتر توسعه یافته را ارائه نمود بنابراین می توان گفت که تأمین و تولید محصولات استراتژیک که مانع وابستگی کشور به خارج را می گردد و به عنوان یکی از شاخصه های مهم اقتصاد روستایی می باشد، جایگاه ویژه ای در اقتصاد و مقاومتی در بردارد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مبتنی بر حفظ استقلال و اقتصاد عزت آفرینی است که در راستای آن توسعه اقتصادی روستایی و به دنبال اشتغال آفرینی در آنها نقش بی بدیل را در بر خواهد داشت.

۱-۳- بیان مسئله و ضرورت در مقیاس استانی، شهرستانی و محلی

۱-۳-۱- بیان مسئله و ضرورت در مقیاس استانی

استان زنجان بدلیل قرارگیری در شمال غرب و در حد فاصل چندین استان از جمله از شمال به استان های اردبیل و آذربایجان شرقی، و از غرب با استان کردستان، از جنوب غرب با استان همدان، از جنوب شرق با استان قزوین و از شرق با استان گیلان از موقعیت ویژه فضایی و کالبدی برخوردار می باشد چنین ویژگی ای نشان می دهد که توسعه استان در ابعاد مختلف بویژه اقتصادی از اهمیت قابل توجهی نشان دارا بوده و ضرورت توجه به توسعه استان امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. از سوی دیگر بررسی نظام اقتصادی و اجتماعی و فضایی درون استان حاکی از آن است که استان بواسطه دارا بودن پتانسیل و قابلیت های مختلف از جمله کشاورزی، ارتباطی، معادل گردشگری از پیش لازم برای توسعه برخوردار است براساس سند ملی توسعه استان مهمترین قابلیت ها و تنگناها، مسایل و غیره استان بشرح ذیل ارائه می گردد.

الف) اصلی ترین قابلیت های توسعه

- بهره مندی از موقعیت مکانی و جغرافیایی ممتاز به عنوان گلوگاه متصل کننده غرب و شمالغرب کشور با شمال با توجه به استقرار در کریدور شمال- جنوب و واقع شدن در محدوده شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران
- وجود زیرساختهای صنعتی تجهیز شده در مقیاس ملی و منطقه ای و توان جذب سرریزهای صنعتی تهران

- برخورداری از تنوع اقلیمی و پتانسیل مطلوب (آب و خاک) در کشت و تولید محصولات زراعی - باغی
- برخورداری از پتانسیل بالای آب های سطحی
- وجود ذخایر و منابع قابل توجه سرب و روی و کانی های غیرفلزی
- نزدیکی به عمده ترین کانون های جمعیتی و قطب های صنعتی و وجود بازار مصرف برای محصولات کشاورزی و صنعتی استان
- برخورداری از زمینه های مناسب فرهنگی و جاذبه های گردشگری تاریخی، طبیعی و اکوتوریسم
- بهره مندی از شبکه ارتباطی تجهیز شده در محور ترانزیت
- زمینه گسترش خدمات بازرگانی با تأکید بر ترانزیت، تخلیه و باز توزیع کالا
- وجود مراکز دانشگاهی متعدد و احراز قطب علمی در رشته فیزیک
- وجود زمینه های قانونی برای توسعه ورزش، نگرش مثبت جامعه به فعالیتهای ورزشی، گرایش بخش خصوصی و تشکلهای داوطلب غیردولتی به سرمایه گذاری و خدمات رسانی در توسعه ورزش

ب) عمده ترین تنگناها و محدودیت های توسعه

- محدودیت منابع مالی بخش خصوصی استان جهت سرمایه گذاری و بهره گیری از ظرفیت های استفاده نشده تولیدی
- کوچک مقیاس بودن تولید در بخش کشاورزی و ضعف مکانیزاسیون و کافی نبودن مراکز نگهداری محصولات زراعی و باغی
- شیب زیاد اراضی در بیش از نیمی از قلمرو استان
- کافی نبودن تأسیسات مهار و بهره برداری از منابع آب های سطحی
- ضعف خدمات برتر و خدمات پشتیبان تولید
- ضعف شبکه های ارتباطی درون استانی و بین منطقه ای
- ضعف زیربناها و تأسیسات خدماتی کانون های برخوردار از جاذبه های توریستی
- وابستگی شدید منابع مالی بخش ورزش به درآمدهای عمومی

ج) اصلی ترین مسائل

- عدم انتشار توسعه یافتگی در سطح استان و گسترش خطی آن در امتداد جاده ترانزیت
- توسعه یافتگی اندک بخش صنعت و معدن با وجود قابلیت های طبیعی و اجتماعی و ظرفیت های زیربنایی موجود
- پیوند ضعیف درون بخشی و بین بخشی در فعالیتهای صنعتی و کشاورزی
- تطابق نامناسب بین منابع آب های سطحی و خاک و بیلان منفی آب های زیرزمینی در شرق استان

- خروج سرمایه های انسانی و مالی از استان
- پائین بودن بهره وری تولید در بخش کشاورزی
- کافی نبودن سرمایه گذاری های لازم برای بهره گیری مطلوب از جاذبه های گردشگری استان
- ضعف تعامل موثر اقتصادی مرکز استان با برخی از نواحی استان و استان های همجوار
- پائین بودن شاخص های توسعه انسانی، فرهنگی و هنری و اقتصادی
- فقدان نظام شناسایی استعدادهای ورزشی

د) اهداف بلند مدت

با توجه به قابلیت ها و تنگناها توسعه استان بر پایه توسعه هماهنگ بخش های کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات بازرگانی و گردشگری استوار خواهد بود. بدین ترتیب اهداف بلندمدت توسعه استان عبارتند از:

- توسعه صنعتی و معدنی استان متناسب با ظرفیت ها و قابلیت های استان و ارتقا نقش و جایگاه آن در اقتصاد ملی با حفظ تعادل در محیط زیست
- بهره برداری مطلوب از آب های سطحی با رعایت حقوق ذینفعان حوزه آبریز و تقویت منابع آب های زیرزمینی با اولویت آبخوان های با بیلان منفی
- حفظ و احیا و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی استان
- گسترش اراضی آبی کشاورزی، ارتقا فن آوری و نوین سازی فعالیت های این بخش و توسعه دامداریهای صنعتی و مجتمع های آبی پروری
- ارتقا شاخص های توسعه انسانی متناسب با مقتضیات و قابلیت های استان
- ساماندهی نظام مراکز زیست و فعالیت، نظام خدمات رسانی و تقویت پیوندهای درون استانی
- اعتلای معرفت دینی، ارزشهای فرهنگی و ویژگی های هویتی استان و گسترش تعاملات اقتصادی و فرهنگی با استان های همجوار
- تقویت و تجهیز تأسیسات و امکانات زیربنایی در راستای فعالیت های محوری و اولویت دار در توسعه استان و تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات
- افزایش نقش بخش خصوصی و نظام بانکی در گسترش فعالیت های اقتصادی با توجه به قابلیت های استان
- توسعه فعالیتهای بازرگانی با تأکید بر خدمات بازرگانی نوین با توجه به موقعیت جغرافیایی (مزیت مکانی) استان
- توسعه ظرفیت های گردشگری استان با سطوح عملکرد استانی، ملی و فراملی
- نهادینه سازی بهره وری و افزایش آن در بخشهای اقتصادی و عوامل تولید
- ارتقا نقش ورزش در تأمین سلامت جسمی و روحی و تقویت توانمندیهای افراد و گروههای اجتماعی
- دستیابی به هدف های توسعه هزاره در استان

- توانمندسازی بخش تعاونی برای ایفای فعالیت های گسترده و اداره بنگاههای اقتصادی بزرگ
- توسعه نقش و جایگاه زنان در سطوح تصمیم سازی و تصمیم گیری استان

ه) راهبردهای بلندمدت توسعه

- ایجاد خوشه های صنعتی با تأکید بر صنایع متالوژی، نساجی، ذوب فلزات و صنایع مرتبط با انرژی و قطعه سازی و ماشین آلات و توسعه صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع تبدیلی، تکمیلی، غذایی، فلزی، خودروسازی، برق و الکترونیک.
- ایجاد زمینه مناسب جهت افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی در توسعه استان
- ایجاد و توسعه واحدهای صنعتی فرآوری مواد معدنی
- مهار و بهره برداری از منابع غنی آب های سطحی با رعایت حقوق تام ذینفعان حوزه آبریز و هماهنگی با نیازهای پایین دست و در چارچوب ظرفیت حوضه آبریز و حفاظت و بهره برداری متعادل و مجاز از منابع آب های زیرزمینی
- یکپارچه سازی اراضی و تبدیل اراضی دیم به آبی مکانیزه در چارچوب نظام تخصیص منابع آب در حوضه آبریز و در نظر گرفتن نیازهای پایین دست، توسعه باغداری با تأکید بر زیتون، انگور و سیب، توسعه فعالیت های آبروی و تبدیل دامداری های سنتی به صنعتی
- ایجاد و توسعه امکانات و خدمات نوین بازرگانی به منظور بهره گیری از مزیت های تولیدی و فضایی استان
- ایجاد و توسعه زیرساختهای گردشگری و تجهیز کانون های تفریحی و سیاحتی در عرصه های گردشگری استان
- تقویت مراکز آموزش عالی استان در جهت تمرکززدایی دوره های کارشناسی دانشگاههای تهران و توسعه تحصیلات تکمیلی و مراکز تحقیقاتی و فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ارتقا شاخص های بهداشتی و درمانی، آموزشی، فرهنگی و گذران اوقات فراغت
- تمهید زمینه های لازم جهت دستیابی به نظام متعادل سلسله مراتب شهری و روستایی و ارتقا سطح خدمات برتر در شهر زنجان و تجهیز کانونهای شهری به خدمات پشتیبان تولید
- گسترش شبکه های خطوط انتقال انرژی متناسب با توزیع جمعیت و فعالیت
- توسعه، تقویت و بهسازی شبکه های ارتباطی استان با استان های همجوار به منظور گسترش پیوندهای اقتصادی درون استان و بین منطقه ای و بهره گیری از وضعیت ممتاز استان در تسریع ارتباطات غرب و شمالغرب با مناطق شمالی کشور
- اجرای طرح های زیست محیطی در نقاط و مناطق بحرانی و صیانت از منابع طبیعی استان
- استفاده از انرژی باد برای تولید برق

- ایجاد ساز و کارهای لازم و حمایت از افزایش بهره وری در بخشهای اقتصادی و عوامل تولید
 - گسترش ورزش های پرورشی، همگانی، تفریحی، قهرمانی و حرفه ای در استان
 - ریشه کنی فقر شدید و گرسنگی و بهره مندی همگانی از مواهب توسعه اقتصادی و اجتماعی
 - دستیابی همگانی به آموزش ابتدایی و ترویج و بهبود برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان
 - کاهش مرگ و میر مادران و کودکان
 - مبارزه با بیماری های عمده
 - حمایت موثر از تشکیل و توسعه تعاونی ها و ایجاد و گسترش شهرک ها و مجتمع های تعاونی
 - بسترسازی برای افزایش مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان در روند توسعه استان
 - نهادینه کردن رویکرد مدیریت عرضه و تقاضا سطح آگاهی عمومی در مدیریت بهینه مصرف آب
 - ایجاد زمینه های لازم برای جلب مشارکت مردمی و بخش خصوصی در بهره برداری و مدیریت آب
 - گسترش پوشش بیمه اجتماعی و کاهش تلفات انسانی در اثر حوادث
- براساس نظریه توسعه استان زنجان مصوب جلسه ۸۵/۵/۳ شورای آمایش سرزمین با توجه به ویژگیهای استان ماموریت ها و وظایف اصلی استان بترتیب بر پایه توسعه صنعت معدن و کشاورزی، استفاده حداکثر از قابلیت های بازرگانی و گردشگری استوار خواهد بود. بنابراین اصل ترین راهبردهای توسعه استان بشرح زیر می باشد.
- توسعه بخش صنعت و ایجاد خوشه های صنعتی با تأکید بر صنایع متالوژی، نساجی، ذوب فلزات، قطعه سازی و ماشین آلات، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع نساجی و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی
 - گسترش و بهره برداری از مواد معدنی و توسعه واحدهای صنعتی فرآوری آن با توجه به قابلیت های استان در زمینه مواد معدنی شیمیایی با تأکید بر معادن سرب، روی و مس
 - توسعه کشاورزی با بهره برداری از پتانسیل منابع آب، خاک، اقلیم و ارتقا سطح فناوری و نوین سازی ساختار بخش در استان با اولویت زیربخش باغداری (با تأکید بر محصولات نظیر زیتون و میوه های سردسیری) و زراعت (با تأکید بر نباتات علوفه ای) و توسعه دامپروری صنعتی، زراعت چوب
 - حفاظت و بهره برداری متعادل و اقتصادی از منابع آبهای زیرزمینی، مهار و بهره برداری مناسب از جریان های سطحی (دایمی و فصلی) در چارچوب راهبردهای ملی توزیع منابع آب
 - ایجاد و توسعه امکانات و خدمات نوین بازرگانی با توجه به چشم انداز توسعه صنعتی آن به منظور بهره گیری از مزیت های تولیدی و فضایی
 - توسعه و ارتقا بخش خدمات برتر در زمینه مهندسان مشاور و پیمانکاران، حسابرسان، مشاوران حقوقی، موسسات بازاریابی، مالی (بیمه و بانکداری) و بازارهای سرمایه به منظور پشتیبانی از فرآیند توسعه استان.
 - حفظ و احیا آثار تاریخی، ایجاد و توسعه زیرساختهای گردشگری، تجهیز کانون های تفریحی- سیاحتی در عرصه های گردشگری استان متناسب با سطح عملکرد ملی و فراملی و توسعه کیفی هنرهای سنتی و صنایع دستی

- توسعه زیرساختها و شبکه های حمل و نقل برای تسهیل ارتباطات فراملی، با توجه به قرارگیری در مسیر کریدور اصلی حمل و نقل و گسترش پیوندهای اقتصادی درون استانی و بین استانی
 - گسترش و تجهیز شبکه های توزیع انرژی متناسب با موقعیت فضایی استان در شمالغرب و پراکندگی جمعیت و فعالیت در سطح استان
 - ایجاد و توسعه زیرساختهای ارتباطی و اطلاعاتی و کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات
 - توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح ملی در گروه علوم پایه و تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز با توجه به چشم انداز فعالیتهای تخصصی و نقش استان در تمرکززدایی از تهران در سایر رشته ها
 - توسعه فعالیتهای دانش پایه از طریق ساماندهی مجموعه ای از مراکز علمی، پژوهشی و فن آوری در قالب پارک علمی و فن آوری و مراکز رشد تخصصی و گسترش فعالیتهای پژوهشی در گرایش های اصلی توسعه استان
 - تقویت و تجهیز مراکز بهداشتی و درمانی استان با هدف ارتقا عرضه خدمات درمانی
 - توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیتهای در سطح ملی
 - تقویت و تجهیز مراکز مستعد جمعیت و فعالیت با تأکید بر نواحی شمالی و جنوبی استان به منظور تعادل بخشی به سازمان فضایی استان و تعدیل حرکت های جمعیتی به سوی تهران با رعایت اصول پدافند غیرعامل
 - رعایت ملاحظات محیط زیستی در فرآیند توسعه استان به منظور ارتقا سطح پایداری توسعه با تأکید بر حفاظت از منابع طبیعی و تنوع زیستی از طریق اعمال مدیریت جامع زیست بومی مبتنی بر رویکرد مشارکتی
 - ارتقا شاخص های توسعه انسانی، سرمایه اجتماعی، هویت فرهنگی و احیا میراث معنوی
- با توجه به نقش و مأموریت های تعیین شده و تحقق راهبردهای فوق، استان زنجان در سال ۱۴۰۴ استانی خواهد بود، با عملکرد فعال در عرصه تعاملات ملی، برخوردار از زیرساخت های مناسب برای رشد فعالیتهای صنعتی و معدنی، برخوردار از کشاورزی و صنایع مبتنی بر فناوری های نوین با بهره برداری مناسب و متعادل از منابع آب، ارائه کننده خدمات نوین بازرگانی و خدمات برتر در عرصه استان و آموزش فنی و حرفه ای در سطح ملی، دارای نقش مناسب در گردشگری کشور، با توزیع متعادل و سازماندهی شده جمعیت و فعالیت در کل استان به گونه ای که سهم جمعیت استان از کل کشور اندکی افزایش می یابد.

۱-۳-۲- ضرورت در مقیاس شهرستانی و محلی

شهرستان سلطانیه یکی از شهرستان جدید استان زنجان محسوب می شود که بدلیل قرارگیری در یک موقعیت خاص از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد این شهرستان در مسیر آزادراه زنجان - تهران واقع بوده و بدلیل وجود فعالیت های کشاورزی و گردشگری از جایگاه فضایی خاصی در منطقه برخوردار می باشد گنبد سلطانیه مهمترین عنصر گردشگری نه تنها در سطح شهرستان، بلکه در سطح استان دارای عملکرد خاصی می باشد وجود ۴۴ آبادی در شهرستان سلطانیه با جمعیت قابل توجه نشان از آن دارد که زندگی روستایی در سطح شهرستان حایز

اهمیت بوده آمار سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که از کل جمعیت شهرستان سلطانیه حدود ۳۷/۴ درصد در مناطق روستایی ساکن می باشند و این امر اهمیت و جایگاه اقتصاد روستایی را بیش از پیش نشان می دهد از سوی دیگر بررسی سازمان و ساختار فضایی شهرستان حاکی از آن است که سازمان فضایی شهرستان بیش از همه تحت تاثیر سه عامل مهم اقتصاد کشاورزی ، شبکه ارتباطی و جریانات مربوطه و در نهایت عناصر گردشگری از جمله گنبد سلطانیه قرار گرفته است در نتیجه ضرورت برنامه ریزی های مربوطه به توسعه اقتصادی و اشتغال زایی را در سطح مکان و فضاهای جغرافیایی بویژه آبادی های شهرستان را الزامی می نماید و این امر مستلزم شناخت دقیق تمامی قابلیت ها، تنگناها ، محورهای توسعه اهداف و چشم انداز مطلوب جهت دستیابی به افق مناسب فضایی و اقتصادی خواهد بود.

۴-۱ - مبنا و چارچوب تحلیلی (رویکرد نظری به تحلیل توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی با ملاحظات استانی)

توسعه امری فراگیر است که می توان آن را در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... تعمیم و بسط داد، درواقع می توان گفت که توسعه به معنای گشایش و گستردگی بوده اما آنچه برای توسعه در مفهوم کلاسیک موردتوجه است توسعه به مفهوم کیفی آن موردتوجه بوده که معمولاً در برابر رشد که حاکی از یک بیان کمی را دارد.

به عبارتی بهتر فرآیندی عینی و قابل سنجش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و برخلاف مفهوم رشد، ماهیت پیچیده و چند جانبه ای دارد، به این لحاظ تاکنون در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، بحث های تعاریف بسیاری برای آن مطرح شده است.

درواقع توسعه به معنی تغییر و تطور، از همان آغاز همگام با بشر بوده و به این سبب پدیده جدیدی نیست. تغییراتی که در طول تاریخ از غارنشینی و کوچ نشینی تا یکی نشینی و شهرنشینی در زندگی انسان رخ داده، مبین وجود توسعه است. به عبارتی توسعه یک مفهوم نسبی است، به تبع شرایط زمانی و مکانی و تحولات پدید آمده ناشی از تکنولوژی و... از آن تغییر و برداشت های متعددی صورت می گیرد اما آنچه همگان بر آن صحه می گذارند این است که توسعه فرآیندی است زمانمند که طی آن تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی، رفاهی و... به منظور بهبود وضعیت، ترقی، خوشبختی، ارتقا بهداشت، ارتقا تحصیلات و... برای همه اقشار جامعه ایجاد می گردد. به طور کلی توسعه تعریف جدیدی از تکامل زندگی انسان ها است و نمی تواند مقوله جدیدی به حساب آید.

می توان گفت که توسعه با رشد اقتصادی فرق اساسی را دارد. شاید بتوان رشد را شرط لازم توسعه دانست، ولی توسعه فرآیندی چندبعدی است که علاوه بر ازدیاد کمی درآمد، ثروت و تولید تغییرات کیفی کل نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه داشته، حتی در بسیاری موارد آداب و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی گیرد، بنابراین رشد اقتصادی مقوله توسعه است. برای توسعه از دیدگاه و نظرات مختلفی ذکر شده که اسم آن ها به شرح ذیل آورده می شود.

- توسعه یک فرآیند است.
 - توسعه در نهایت به ارزش‌ها ختم می‌گردد.
 - این ارزش‌ها مربوط به مردمانی است که می‌خواهند فرآیند توسعه را دنبال کنند.
- در حالت کلی می‌توان گفت که توسعه جریانی تک‌بعدی مانند رشد نیست، بلکه جریان چندبعدی است که در آن، مجموعه نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هماهنگ و متناسب با نیازهای اساسی انسان ارتقا یافته و از این‌رو، ظرفیت‌های جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود، به‌طوری‌که کل جامعه را در وضعیت بهتر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته آن قرار می‌دهد.

- توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی از مفاهیمی است که اغلب با مفهوم رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود، درحالی‌که بین این دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» باید تمایز قائل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است درحالی‌که توسعه اقتصادی مفهومی کیفی است. رشد اقتصادی به تعبیر ساده، عبارت است از افزایش تولید در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت (به خاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه را نیز از آن کسر نمود.

مفهوم توسعه اقتصادی هم به تولید بیشتر مربوط می‌شود و هم بر مفهوم به وجود آمدن تحول در چگونگی تولید محصول و معنی عام‌تری داشته و از حد تولید بیشتر فراتر می‌رود و دلالت بر تحول در چگونگی تولید و همچنین تجدیدنظر در تخصیص منابع و نیروی کار در رشته‌های مختلف تولید توجه می‌کند.

چنانچه مطرح گردید توسعه بعد از جنگ دوم جهانی تولد یافت و از آن هنگام به بعد برداشته‌های متفاوتی از توسعه شده است. در این زمینه می‌توان دو تقسیم‌بندی ارائه نمود:

اول - توسعه پدیده صرفاً اقتصادی (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰)

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد اقتصادی را عامل اصلی توسعه محسوب می‌کردند و بالا بردن تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه را هدف توسعه قرار می‌دادند.

در مجموع توسعه که در دهه ۱۹۵۰ رخ داد متفاوت از اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد کینزی بود؛ زیرا تمرکز ویژه آن روی کشورهای درحال‌توسعه بود. از طرف دیگر در این دیدگاه جمعیت، تکنولوژی، شرکت‌ها و مؤسسات حمایت‌کننده، برون‌زا و در اقتصاد نئوکلاسیک درون‌زا به شمار می‌آمدند. درهرحال چنانچه نهایتاً مواضع اقتصاد توسعه دهه ۱۹۵۰ مانند اقتصاد نئوکلاسیک می‌بود باز هم غیرقابل اجرا بوده زیرا برای مثال می‌بایست مشکلات توزیع درآمد، فقر و نیازهای اقتصادی و مشکلات بیکاری را رفع نماید، از طرف دیگر این اقتصاد متفاوت از اقتصاد کینزی بود. اقتصاد توسعه نامتجانس بوده زیرا که بخشی از دیدگاه‌های خود را از ساخت‌گرا و بخشی دیگر را از

نئوکلاسیک و نیز بخشی از کینزین و قسمتی را از پراگماتیسم اخذ کرده بود. به هر حال مواضع هدایت شده اقتصاد توسعه در این دهه به قرار زیر بود:

- توسعه دوگانه: این ایده ایست که در کشورهای فقیر یک بخش توسعه یافته مدرن و تجاری، در کنار بخش سنتی وجود دارد و منجر به اقتصاد دوگانه می شود.

- تجهیز و بسیج منابع داخلی: به طور نمونه کشورهای فقیر ۵ درصد از درآمد ملی را پس انداز و سرمایه گذاری می کنند، در حالی که برای توسعه نیاز به افزایش این نرخ در حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد می باشد.

- تجهیز منابع خارجی: که می تواند از راه های گوناگون از جمله کمک های مالی عمومی، سرمایه گذاری خارجی خصوصی، وام ها و انتقال غیر نقدی مدیریت و دانش تکنولوژی صورت گیرد.

- استراتژی صنعتی شدن

- استراتژی تجارت

- استراتژی کشاورزی

- توسعه منابع انسان

- ارزیابی طرح ها

- برنامه ریزی توسعه و سیاست گذاری

اقتصاد توسعه، شاخه ای تحقیقاتی است که از یک سو، با تغییر فرآیند تخصیص منابع و تحول اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته سروکار دارد و از سوی دیگر توصیه های عملی برای نیل به توسعه اقتصادی را در بر می گیرد که شامل انتخاب استراتژی توسعه سیاست های مرتبط بر آن نیز می شود.

عمده ترین نظریات توسعه در این دوره، بر این باور هستند که علت عقب ماندگی، فقدان درآمد کافی است که به ایجاد دور باطل فقر منجر می شود و با شکستن این دور باطل، جامعه توانایی توسعه را می یابد. این دیدگاه در تجزیه و تحلیل توسعه و توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی، اساس را بر شاخص های کمی اقتصادی همانند تولید ملی، درآمد سرانه، جمعیت، ارزش کالاهای صادراتی قرار داده و معتقد به وجود رابطه اساسی میان میزان تولیدات، فقر و تشکیل سرمایه می باشد.

بدین ترتیب برنامه ریزی اقتصادی در اکثر کشورهای توسعه نیافته بر پایه افزایش نرخ رشد اقتصادی انجام گرفت که حاصل آن افزایش ناهمگونی اقتصادی، افزایش سریع ناهمگونی در بخش های اقتصادی، افزایش شدید فاصله درآمدهای گروه های مختلف اجتماعی، رشد بی سابقه حاشیه نشینان و زاغه نشینان شهری و مهاجرت از روستاها به شهرها می باشد.

دوم- دیدگاه جدید از توسعه اقتصادی (دهه ۱۹۷۰ به بعد)

اثراتی که سیاست‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای کشورهای جهان سوم به ارمغان آورد، سبب شد که در دهه ۱۹۷۰ متفکران به‌ویژه اندیشمندان جهان سوم، نظریات جدیدی را جهت دستیابی به توسعه اقتصادی ارائه نمایند، این دیدگاه جدید از توسعه اقتصادی دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- رشد اقتصادی هدف توسعه نیست، بلکه رشد وسیله‌ای است برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی
- توسعه اقتصادی در درجه اول، ناظر بر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری اجتماعی است.
- تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جوامع جهان سوم، از ضروریات رسیدن به توسعه است.
- لزوم تغییر در نظام ناعادلانه بین‌المللی توسعه اقتصادی در جهان سوم با مشکلات زیادی مواجه است.
- توسعه کشاورزی و توسعه روستایی به مشابه توسعه ملی است.
- توسعه اقتصادی را نمی‌توان از لایه‌لای جامعه تزریق کرد، بلکه توسعه نتیجه مشارکت همه‌جانبه مردم است.
- اصلاحات ارضی را می‌توان پیش‌شرط و عامل اصلی تغییر ساختار اجتماعی دانست.
- ارائه یک مدل خاص توسعه برای تمامی جهان اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه اشتباه است.

استراتژی توسعه روستایی:

کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی و با تمرکز صرف بر بحث اشتغال در روستاها (بدون لحاظ چنین استراتژی‌هایی) توفیق چندانی به دست آورد. بدیهی است اشتغال‌زایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود چنین فضایی عملاً نمی‌توان متوقع موفقیت پایدار بود. استراتژی‌های توسعه روستایی در ۴ قالب کلی قابل ارزیابی می‌باشد:

الف- رویکردهای فیزیکی-کالبدی

۱. استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

ب- رویکردهای اقتصادی

۱. استراتژی انقلاب سبز (Green revolution)

۲. استراتژی صنعتی نمودن روستا

۳. استراتژی اصلاحات ارضی

۴. استراتژی رفع نیازهای اساسی

ج- رویکردهای اجتماعی-فرهنگی

۱. استراتژی توسعه اجتماعی

۲. استراتژی مشارکت مردمی

د- رویکردهای فضایی، منطقی و ناحیه‌ای

۱- استراتژی‌های تحلیل مکانی

۲- استراتژی توسعه روستا- شهری

۳- استراتژی یوفرد

۴- استراتژی نظام سلسله مراتب سکونت‌گاه‌ها و برنامه‌ریزی مرکز روستایی

۵- استراتژی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

۶- استراتژی توسعه زیست- ناحیه

۷- استراتژی توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی.

با عنایت به اینکه در این تحلیل هدف بررسی سیمای اقتصادی روستایی و تبیین استراتژی‌های اقتصادی مؤثر بر توسعه روستایی می‌باشد؛ فلذا از پرداختن به سایر استراتژی‌ها خودداری می‌شود.

رویکردهای اقتصادی به توسعه روستایی:

در این خصوص رویکردهای گوناگونی وجود دارد که عمده‌ترین آن می‌تواند در چهار عنوان زیر موردبررسی قرار گیرند که هر یک از این چهار رویکرد به شرح ذیل تعریف می‌گردند.

۱. استراتژی انقلاب سبز:

این رویکرد دارای دو مفهوم به نسبت متفاوت می‌باشد. اولی به معنای دگرگونی کلی کشاورزی است، به‌طوری‌که درنهایت باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و رفع مشکلات کشاورزی گردد. مفهوم دیگر به معنای بهبود نباتات خاص (به‌ویژه گسترش انواع بذر اصلاح‌شده گندم و برنج) و تولید زیاد آن‌ها گردد. بر اساس بر اساس مطالعات پژوهشگر مشهور هندی (میسرا) انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت روستایی نشده و بعضاً باعث بروز اختلافاتی ما بین نواحی روستایی نیز شده است.

۲. استراتژی اصلاحات ارضی:

اکثر کشورهای جهان برای گذر از یک ساخت ارضی به ساخت دیگر در برنامه‌ریزی‌های خود اصلاحات ارضی را گنجانده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه (نظیر گونار میردال و مایکل تودارو)، اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در برخی موارد نیز به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصصی اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا اضافه نشده است.

۳. استراتژی صنعتی نمودن روستاها:

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرایند توسعه روستایی حائز اهمیت است، اما درعین‌حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای آسیایی، صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین محدود است). بدین‌جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیر زراعی نیز

پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستائیان افزایش نیافته و مهاجرت روستائیان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

۱. ایجاد مشاغل غیر زراعی و درآمدزا با تکیه بر مزیت‌های نسبی منطقه

۲. رواج مراکز روستایی دست پایین

اهداف عمده این استراتژی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ایجاد اشتغال غیر کشاورزی برای روستائیان بیکار یا نیمه بیکار در یک منطقه.

۲- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به نقاط شهری.

۳- تقویت پایه‌های اقتصادی در مرکز روستایی

۴- استفاده کامل از مهارت‌های موجود در یک ناحیه

۵- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی

۶- تهیه نهادهای اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی.

بیشتر این‌گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد شکل می‌گیرند. که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع روستایی تشکیل دهد این صنایع می‌تواند از ابزارهای پیشرفته‌تر استفاده و به دلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغال‌زایی بیشتر، کمک مؤثری در بهبود وضعیت روستائیان انجام دهند.

۴. استراتژی رفع نیازهای اساسی:

این استراتژی در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا بر اساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل) برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌باشد. محورهای اصلی این استراتژی عبارت‌اند از:

۱. تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از رشد به سمت نیازهای اساسی که از طریق اشتغال و توزیع مجدد درآمد و ثروت صورت می‌گیرد.

۲. تغییر وضعیت از اهداف ذهنی و آرمانی به سمت اهداف عینی و واقع‌گرایانه.

۳. کاهش بیکاری.

بنابراین رفع نیازهای اساسی فقیران، در کانون مرکزی این استراتژی قرار می‌گیرد و اهداف رشد محور جای خود را به اهداف مصرفی می‌دهد که در نقاط روستایی با صرف سرمایه کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام می‌باشد.

- استراتژی‌های موردنظر طرح:

در یک تعریف کلی می‌توان گفت که منظور از استراتژی همان بیان قصد و نیت است درواقع استراتژی اهداف بلندمدت را تعریف می‌کند. به‌طورکلی، استراتژی مجموعه خط‌مشی‌های کلی است که راه رسیدن به هدف‌های غایی (آرزو، آمال و خواسته‌های دور) را مشخص می‌سازد. معمولاً برنامه‌ریزی درازمدت را که منجر به دیدن دورنمای جامعه یا بخش می‌گردد، برنامه‌ریزی استراتژیک گویند. هر برنامه عمران باید در قالب یک برنامه استراتژیک تهیه و تدوین گردد.

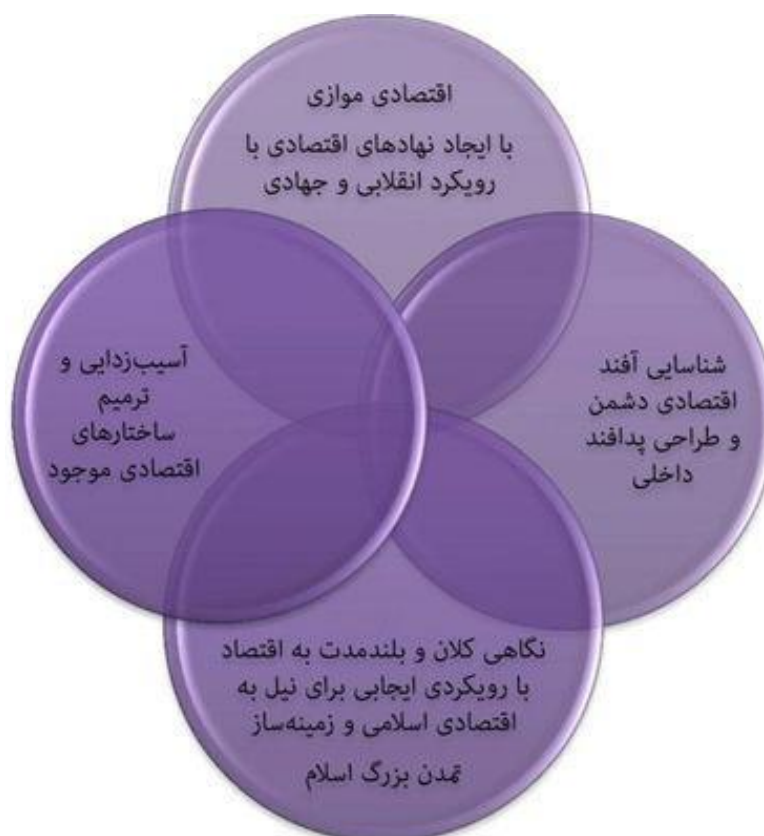
به‌طور کلی، به کلیه راه‌ها، روش‌ها و خط‌مشی‌هایی که انجام آن‌ها هدف‌های غایی را تحقق می‌بخشد استراتژی می‌گویند. بر این اساس جهت دستیابی به اهداف موردنظر در طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی استراتژی‌های زیر به‌عنوان پایه اساسی خواهند بود:

۱- اقتصاد مقاومتی:

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به‌هیچ‌عنوان تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است؛ بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم «اقتصاد مقاومتی» است.

اگر تمام دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره‌ی اقتصاد مقاومتی نخواهید یافت. در تمام متون و کتاب‌های اقتصاد، هیچ پیشینه‌ای نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی نخواهید دید و از آنجاکه این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه‌بندی‌های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد. نتیجه اینکه اقتصاددانان انقلاب اسلامی نمی‌توانند از نظریه‌های متداول برای حل مشکل و مسئله‌ی خود بهره بگیرد. لذاست که جنبش نرم‌افزاری و الگوی اسلامی- ایرانی اداره‌ی جامعه، شکل بدیعی به خود می‌گیرد که الهام‌بخش جمیع ملت‌های آزاده خواهد بود.

نمودار شماره (۲): فرآیند چهاروجهی اقتصاد مقاومتی



چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی

مطلبی که در این نوشته درآمدی بر آن خواهیم داشت، مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی است. ابتدا لازم است که یک تبیین و تعریف علمی از اقتصاد مقاومتی ارائه دهیم. اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهار گونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آن‌ها را در کشور به‌عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.

اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به‌مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی باروحيه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود. امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چراکه انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه‌بسا ماهیتاً از عهدی نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما هم‌زمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گذاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند.

به‌عنوان مثال می‌توانیم از حضور هم‌زمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان بخشی به عرصه‌ی پولی-مالی کشور در دولایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد؛ اما بازهم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره نشدنی و غیرمعقول به‌حساب آورد.

اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسئله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به‌طوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای یک‌صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفند شناسی» و «پدافند شناسی» ما در برابر آن هجمه است؛ یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند؛ بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست‌یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ برخلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.

البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به‌نوعی باهم رابطه‌ی «عموم و خصوص من وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.

۲- کارآفرینی:

کارآفرینی موجود یکی از استراتژی‌های اساسی در جهت توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی خواهد بود. بی‌تردید جایگزین نمودن اقتصاد کارآفرینی به‌جای مدل‌های قدیمی‌تر اقتصادی یکی از مهم‌ترین راهبردها در جهت تحقق اهداف توسعه‌یافتگی روستایی خواهد بود. در این مدل اصل در به خدمت گرفتن همه توانمندی‌های انسانی جامعه در جهت ارتقای سطح بهره‌وری می‌باشد. امروزه کارآفرینی به‌عنوان یک استراتژی و راهبرد در توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی به جایگزین بی‌بدیل تبدیل گشته است که از طریق آن همه عوامل و منابع و امکانات یک جامعه به‌صورت خودجوش و از راه قرار گرفتن در یک‌روند تکاملی در جهت نیل به آرمان‌های بلند اجتماعی بسیج گردیده تا منشأ بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی اجتماعی گردند. لذا چنانچه به فواید بی‌شماری که بر این پدیده مرتب است توجه نموده و آن را در همه ابعاد احیا بخشیم بی‌شک به اهداف و مختصات یک الگوی کارآمد توسعه‌ای دست خواهیم یافت.

موضوعی که در خصوص اهمیت کارآفرینی و ارتباط مستقیم آن با اعتلای ملی یک ملت باید جدی تلقی گردد آن چیزی است که علیرغم همه اهمیتش در جامعه ایران مع الاسف مورد غفلت واقع گردیده و توجه درخوری بر آن نشده است و آن چیزی جز اهمیت دادن به نقش «کارآفرینی روستایی و کارآفرینان» ساکن در محیط‌های روستایی نمی‌باشد. اگر ما روستاها را محورهای استراتژیک کشاورزی و تولیدات و فرآورده‌های غذایی جامعه بدانیم که نیاز به آن رو به افزایش گذاشته است به نقش بی‌نظیر آن در پیشرفت و رشد و شکوفایی پی خواهیم برد و درک خواهیم کرد که نادیده گرفتن سهم روستا و روستانشینان هزینه‌ها و تبعات ناگواری را در پی خواهد نهاد و همانند آن چیزی که امروزه تحت عنوان معضلات اجتماعی- اقتصادی بر دوش جامعه سنگینی نمود و باعث بی‌نظمی‌ها و اضطراب‌های اجتماعی در اشکال مختلف ازجمله مهاجرت بی‌رویه به شهرها، شکل‌گیری آبادی‌های خالی از سکنه، رشد و گسترش لجام‌گسیختگی حاشیه‌نشینی، فزونی فقر و شدت یافتن فاصله طبقاتی و... شده است. به‌طورکلی در استراتژی مبتنی بر کارآفرینی اهداف زیر مهم‌ترین مواردی است که طرح در جهت دستیابی به آن‌ها خواهد بود.

۱- کشف زمینه‌های توسعه اقتصادی نامرئی و نامحسوس روستایی

۲- توسعه روستایی در قالب ابعاد مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعت، خدمات

۳- افزایش درآمدهای مکمل در روستاها

۴- تأکید بر فعالیت‌های مبتنی بر منابع موجود روستایی

۵- تأکید بر بازارهای محلی، ملی و فراملی

۶- تأکید بر فعالیت‌های مرتبط با گردشگری

۷- ارتقای سطح مهارت‌ها و توانمندی‌های روستانشینان

۸- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید

۹- ایجاد هماهنگی و ارتباط مؤثر میان نهادهای مختلف روستایی

۱۰- ارائه اطلاعات و دانش لازم برای توسعه صنایع روستایی

۱۱- توسعه صنایع تبدیلی

۱۲- توسعه اشتغال روستایی برای گردهمایی باسواد، متخصص و تحصیل کرده روستایی

۱۳- توجه به نقش زنان در کارآفرینی اقتصاد روستایی

۱۴- تأکید بر جذب و توسعه فناوری‌های جدید در ابعاد بخش‌های مختلف اقتصادی

۱۵- آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد

۱۶- حفظ و توسعه کسب‌وکارهای موجود

۱۷- حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای مدرنیزه شدن.

۳- صنعتی نمودن روستاها:

فقیرترین جوامع دنیا را اغلب افراد بدون زمین کشاورزی یا با اندک تشکیل می‌دهند که عمدتاً در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. نظر به اینکه درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی در این جوامع ممکن است اشتغالی در حد معیشت ایجاد نماید، بی‌تردید تنوع‌بخشی از فعالیت‌های غیر کشاورزی را می‌توان عاملی تأثیرگذار در کاهش فقر روستایی این جوامع دانست. صنعتی شدن روستا به‌طور گسترده به‌عنوان اهرمی پویا برای توسعه شناخته شده است. ایجاد اشتغال، توزیع درآمد، متنوع نمودن اقتصاد روستایی و کاهش فضایی نابرابری در توسعه اجتماعی- اقتصادی به‌طور سنتی از اهداف اولیه صنعتی شدن روستایی محسوب می‌شود.

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرایند توسعه روستایی حائز اهمیت است، اما درعین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای آسیایی، صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین محدود است). بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیر زراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستائیان افزایش نیافته و مهاجرت روستائیان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

۱- ایجاد مشاغل غیر زراعی و درآمدزا با تکیه بر مزیت‌های نسبی منطقه

۲- رواج مراکز روستایی دست پایین

اهداف عمده این استراتژی به شرح ذیل می باشد:

۱- ایجاد اشتغال غیر کشاورزی برای روستائیان بیکار یا نیمه بیکار در یک منطقه.

۲- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به نقاط شهری.

۳- تقویت پایه‌های اقتصادی در مرکز روستایی

۴- استفاده کامل از مهارت‌های موجود در یک ناحیه

۵- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی

۶- تهیه نهادهای اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی.

بیشتر این گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد شکل می گیرند. که می تواند بخش عمدهای از آن را صنایع روستایی تشکیل دهد این صنایع می تواند از ابزارهای پیشرفته تر استفاده و به دلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغال زایی بیشتر، کمک مؤثری در بهبود وضعیت روستائیان انجام دهند.

با بررسی های به عمل آمده به نظر می رسد که در یک روند تکاملی از آغاز دهه هفتاد تاکنون راهبرد صنعتی شدن روستایی به عنوان قسمتی از راهبرد توسعه همه جانبه روستایی، موجب تحقق مهم ترین هدف های توسعه در مناطق روستایی شده و ضمن ایجاد اشتغال و افزایش درآمد گروه های کم درآمد روستایی سبب کاهش فقر در مناطق روستایی شده است. بررسی روند تکاملی این فرآیند از دیدگاه متون توسعه روستایی که در جدول ذیل ترسیم شده است، تأثیر این ساختار را نشان می دهد.

جدول شماره (۲): روند اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی با توجه به ادبیات موجود

ردیف	اثرات صنعتی شدن روستایی	محقق	کشور مورد بررسی	سال تحقیق
۱	ایجاد اشتغال پویا- افزایش درآمد	جان. ام. پترسون	آمریکا	۱۷۹۴
۲	کاهش مهاجرت های روستایی	ال. وای. گودرای	آمریکا	۱۹۷۷
۳	ایجاد اشتغال برای بیکاران فصلی- تمرکززدایی- ایجاد درآمد- افزایش رفاه (مسکن، بهداشت، پس انداز)	دوایت پرکینز	چین	۱۹۷۸
۴	ایجاد اشتغال پویا- افزایش درآمد	دیوید راجرز	آمریکا	۱۹۷۸
۵	کاهش نابرابری های اجتماعی	اچ. میشل	مکزیک	۱۹۷۹
۶	کاهش نابرابری های منطقه ای- توسعه مهارت های جدید تولیدی- اجتماعی شدن فعالیت های تولیدی	بی. ولدسمیت	اتیوپی	۱۹۷۹
۷	افزایش سرمایه گذاری های روستایی- ایجاد اشتغال	سی. پی. دبلیو. ونگ	چین	۱۹۸۰
۸	افزایش متوسط درآمدها	آ. اس. پهالا	چین	۱۹۸۲
۹	گسترش صادرات روستایی	اس. ک. رائو	فیلیپین- کره جنوبی	۱۹۸۵
۱۰	تخصص گرایی- توازن منطقه ای- افزایش درآمدهای محلی- افزایش ضریب اشتغال	جی. تی. شی	تایوان	۱۹۸۵
۱۱	افزایش درآمد- استفاده از منابع محلی- تحکیم الگوی تمرکزگرایی	جی. آبراهام	هند	۱۹۹۴
۱۲	همگن نمودن و ثبات درآمدی و شغلی	کارل لیدهولم	تایلند	۱۹۹۴
۱۳	افزایش درآمد- تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام	اسلام ریزوانول	چین	۱۹۹۴
۱۴	کاهش فقر- افزایش آگاهی ها- رونق آموزش-	آلکا پاربخ	هند	۱۹۹۶

سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی			
۱۵	رواج کشاورزی - افزایش درآمد - کاهش مهاجرت‌های روستایی	اسکاپ	چین ۱۹۹۶

بدین ترتیب پنج اثر عمده صنعتی شدن روستا با توجه به متون موجود عبارت‌اند از: (۱) ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد، (۲) کاهش مهاجرت‌های روستایی، (۳) کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، (۴) افزایش رفاه روستایی، (۵) گسترش صادرات روستایی.

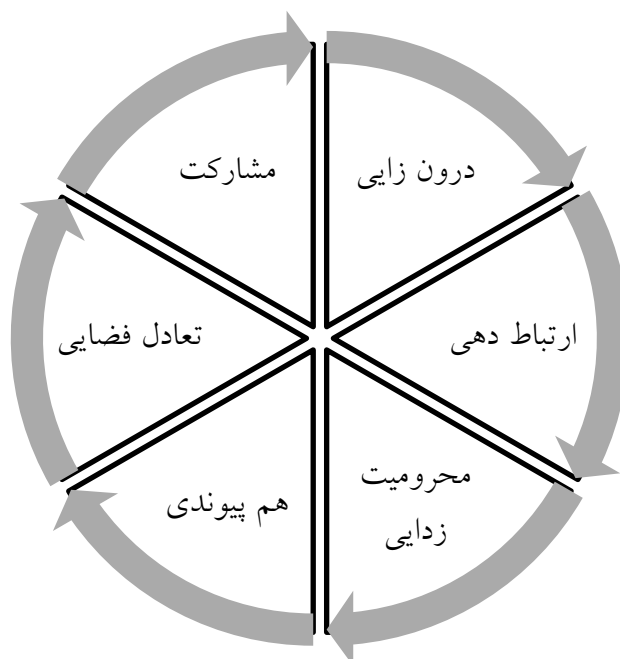
همچنین به نظر می‌رسد صنعتی شدن روستایی و اثرات تبعی آن در رفاه مناطق روستایی از چهار دیدگاه قابل طرح و بررسی است: (۱) دیدگاه تغییر جهت تخصیص منابع که در تحقیقات ام. وی. هوگ، اچ. مشیل و بی. ولدسمیت مشاهده می‌شود، (۲) دیدگاه افزایش تقاضای محلی از طریق ایجاد ارتباط بین بخش کشاورزی با صنایع روستایی که در نظرات جان سیگوردسون و تحقیقات سی. پی. دبلیو ونگ مطرح است، (۳) دیدگاه بهره‌برداری از منابع محلی که در مطالعات اسکاپ و جی. تی. شی قابل مشاهده است، (۴) دیدگاه صنعتی شدن روستا با رویکرد صادرات گرا که در تحقیقات اس. ک. رو مطرح است.

۵-۱ - روش‌شناسی تدوین برنامه بر مبنای الگوهای نظری

۵-۱-۱ - روش‌شناسی تحقیق بر مبنای مهندسی الگوهای نظری

معمولاً دو رویکرد عام در توسعه و پرداختن به مسائل و نیازهای جامعه روستایی قابل توجه است: اول، رویکرد ارائه مستقیم خدمات و ساختار سازی، که دولت‌محور و عرضه مدار است و دوم، رویکرد اجتماع‌محور که در اصل تقاضامدار می‌باشد. آنچه اغلب توسط دولت‌ها و سازمان‌های متولی در دهه‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته و هنوز هم به کار گرفته می‌شود، رویکرد اول است. این رویکرد معمولاً بر پایه تشخیص نیازها توسط متولیان امر در فرآیندی از بالا به پایین شکل گرفته و برنامه‌ریزی توسط آن‌ها بدون توجه به لزوم حضور و مشارکت واقعی جوامع محلی صورت می‌گیرد. رویکرد اجتماع‌محور، بیش از همه بر نقش بخش داوطلبانه و مردمی در توسعه محلی و شکل‌گیری سازمان‌های اجتماع‌محور تأکید دارد. در این رویکرد، اجتماعات محلی پیش‌قدم شده، به صورت خودجوش سازمان‌یافته تا به علایق و اهداف مشترک از جمله حل مسائل اقتصادی و به‌ویژه اشتغال روستایی، دستیابی به رفاه اجتماعی و خروج از وضعیت موجود جامعه محلی خود دست یابند (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۹۳: ۲۸). در این نگرش به مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی که از اصول درون‌زایی نشأت می‌گیرد بایستی مناطق روستایی در محوریت استراتژی‌های توسعه‌ای قرار گیرند. بر این اساس همان‌طور که نمودار ذیل نشان می‌دهد نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی با محوریت اشتغال‌زایی در مناطق روستایی نیز باید بر پایه اصول راهبردی زیر بنا نهاده شده تا نظامی متکی بر رویکرد اجتماع‌محور در سطح مناطق روستایی تجلی یابد.

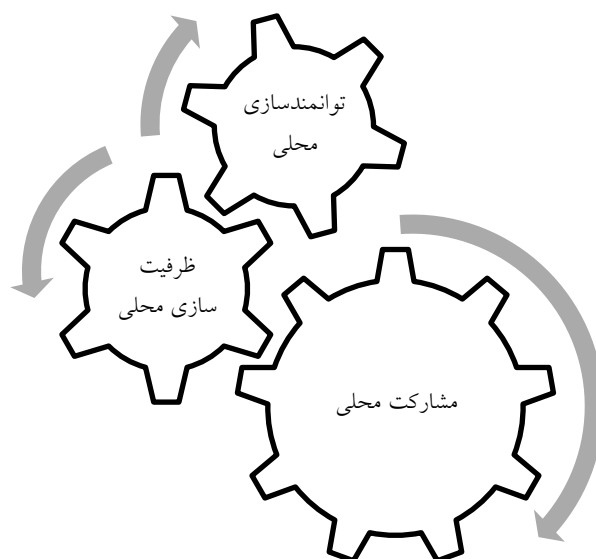
نمودار شماره (۱): اصول مورد تأکید در طراحی روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روستایی



- ✓ اصل درون‌زایی: در این اصل، تأکید بر مدیریت بهره‌وری بهینه از منابع درون منطقه‌ای و شرایط بومی - محلی مناطق روستایی است. در چارچوب این اصل هرگونه کمک بیرونی (برون‌زایی) باید اقدامی تکمیلی تلقی گردد که هدف آن بارورسازی منابع و استعدادهای بومی و مزیت‌های مناطق روستایی خواهد بود.
 - ✓ اصل ارتباط دهی: مدیریت روستایی در این اصل توجه به برنامه‌های توسعه‌ای را بر نقش تعاملی و سازنده فضاهای ارتباط‌دهنده داخلی و خارجی روستایی معطوف می‌نماید، در این قالب توسعه اقتصادی مناطق روستایی به فرآیند توسعه استانی و توسعه فضاهای هم‌جوار ارتباط داده می‌شود.
 - ✓ اصل محرومیت‌زدایی: با توجه به این‌که فقر و محرومیت، از عوامل زمینه‌ساز توسعه‌نیافتگی تلقی می‌شود توجه جدی به رفع محرومیت روستایی به منظور توسعه اقتصادی روستاها در ابعاد مختلف آن ضرورت جدی مدیریت روستایی استان تلقی می‌شود.
 - ✓ اصل هم‌پیوندی: در این اصل مدیریت روستایی در قالب مدیریت یکپارچه استانی بر تشدید گرایش‌های و پیوندهای فزاینده مناطق روستایی با مناطق شهری به‌منظور توسعه اقتصادی روستاها تأکید می‌نماید.
 - ✓ اصل تعادل فضایی: که گویای ضرورت توجه بر تعادل در ابعاد توسعه و در فضای عملکردی و مناطق برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی به‌ویژه بر اساس مستندات طرح آمایش سرزمین استان در راستای تحقق توسعه اقتصادی روستاها دارد.
 - ✓ اصل مشارکت: که بر درگیر کردن الگوهای بومی مدیریت روستایی در فرآیند توسعه و بهره‌برداری از امکانات و ظرفیت‌های موجود در مناطق روستایی استان در جهت تحقق اهداف توسعه اقتصادی روستاها تأکید دارد.
- این اصول در کلیت خود تأکید بر ضرورت توجه مجدد و فراگیر به مناطق روستایی استان و توانمندسازی ظرفیت‌سازی فرآیندهای توسعه‌ای از طریق سازوکارهای محلی و منطقه‌ای با رویکرد مشارکتی و اجتماع‌محور دارد.

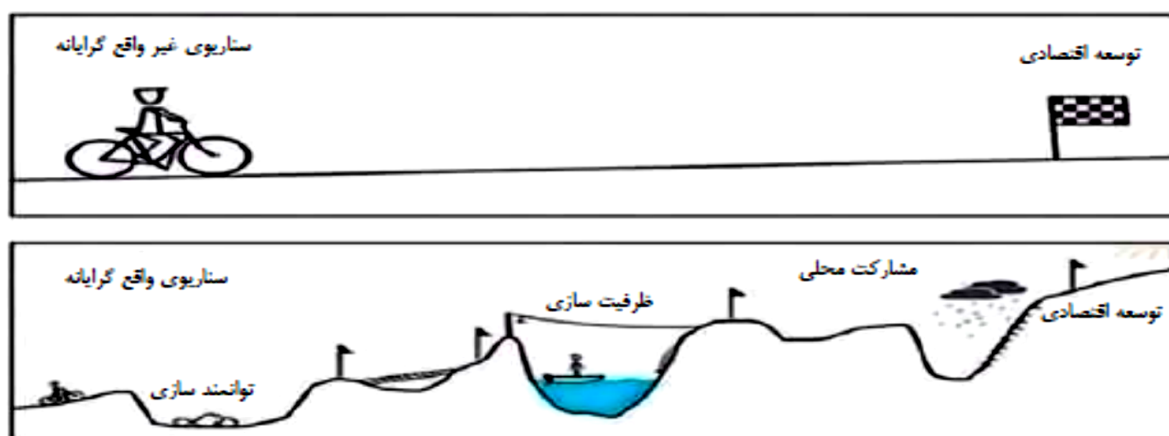
بر این اساس همان‌طور که نمودار ذیل نشان می‌دهد مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد روستایی با محوریت اشتغال‌زایی پایدار و با تأکید بر اصول مشروحه فوق به طرح روش‌شناسی ویژه‌ای پرداخته که در آن سه عنصر توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت محلی و منطقه‌ای با عنوان رویکرد مشارکتی از ارکان آن محسوب می‌شوند.

نمودار شماره (۲): الگوی نظری حاکم بر روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پایدار مناطق روستایی



بر این مبنا تحقق فرآیند توسعه اقتصادی مناطق روستایی همان‌طور که تصویر ذیل نشان می‌دهد با دو سناریو هماهنگ است. سناریوی نخست بر شرایط غیرواقع گرایانه متمرکز بوده و توسعه اقتصادی را پدیده‌ای سهل و با تزریق سرمایه عملی می‌داند. درحالی‌که در سناریوی دوم ضمن تبیین حقایق وضع موجود مسیر توسعه اقتصادی مناطق روستایی را ناهموار فرض نموده و آن را نیازمند اتخاذ رویکردی روشمند تلقی می‌نماید. بر این مبنا لازم است جوامع روستایی با تجهیز اصول مرتبط با توانمندسازی، ظرفیت‌سازی مبتنی بر مشارکت‌های محلی مسیر پرمخاطره توسعه اقتصادی را طی نماید.

تصویر شماره (۱): سناریوی حاکم بر توسعه اقتصادی مناطق روستایی با رویکرد اشتغال‌زایی



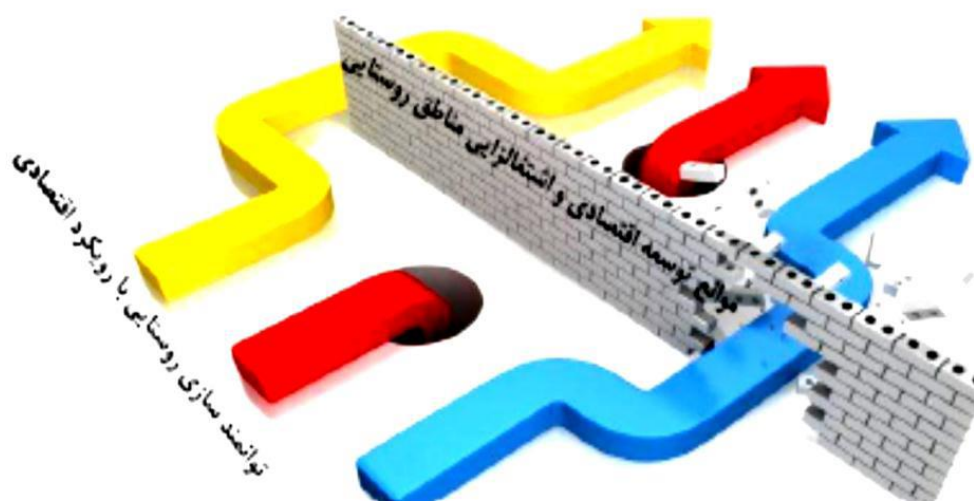
۱-۵-۲- جایگاه توانمندسازی در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پایدار مناطق

روستایی

مفهوم، توانمندسازی، فرآیند ارتقای ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای انتخاب و به‌منظور تغییر و دگرگونی انتخابشان است. توانمندسازی بنا دارد انسانی را که به دلایلی از جمله محرومیت و ناتوانی فردی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امکان دستیابی به بهروزی را ندارد در شرایطی قرار دهد که با فعلیت یافتن توان‌های خود به این غایت دست یابد (جام محمدی، ۱۳۹۴: ۵). کلید اصلی در فرآیند مذکور اقدامات و کنش‌هایی می‌باشد که سازنده خصوصیات و دارایی فردی و گروهی، سازمانی و محیطی می‌باشد و کارایی مطلوب با عدالت و بی‌طرفی سازمانی و نهادی، نظارت و کنترل سرمایه و دارایی را برعهده گرفته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. افراد، گروه‌ها و سازمان‌های توانمند، آزادی عمل بیشتری در انتخاب خود دارند و این عمل بستر را آماده می‌کند تا در زندگی خود، گروه و سازمان، معقول‌ترین تصمیمات را در جهت نیل به فرجام مطلوب گرفته و کیفیت زندگی خود، گروه، سازمان را از هر بعدی ارتقای ببخشند. با این توصیف، تعبیر متفاوتی در طول زمان به لحاظ فرهنگی و برحسب شیوه زندگی می‌شود. فعالیت‌هایی که در جستجوی توانمندسازی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و محیط می‌باشد به خاطر این است که فرصت‌های توسعه ارتقای یافته و افزایش برآیندها و خروجی‌های توسعه، محقق شده و کیفیت زندگی افراد بهبود یابد. گفتنی است که چارچوب توانمندسازی بر روی ظرفیت‌های گروهی و فردی متمرکز می‌شود تا شناخت و بصیرت کافی برای نیل به خودمختاری و استقلال داشته باشند. افزون بر این، تحولات جدید دانش فنی به مقوله توانمندسازی نیز تسری پیدا کرده است تا جایی که گفته می‌شود جهت منتفع ساختن مردم از فرصت‌های جدید بایستی آن‌ها را به عصر دیجیتال توانمند ساخت. از این‌رو در شرایط امروزی واژه توانمندسازی نقش معناداری را در گفتمان‌های حول‌وحوش شبکه‌های الکترونیک به‌عنوان رسانه و وسایل ارتباطی برای نهادینه کردن مشارکت جهت ایجاد حوزه و قلمرو عمومی و همگانی نو و ایجاد نهضت و حرکت‌های اجتماعی جدید بازی می‌کند به‌طوری‌که ادعا می‌شود توانمندسازی به‌وسیله تکنولوژی‌های جدید به بهبود کیفیت زندگی منجر شده و رفاه بشر را بیمه می‌کند؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که توانمندسازی واژه جدیدی است و از آن به‌عنوان یکی از راه‌های حل مشکلات محیط کاری یاد می‌شود. هر سازمان در رویارویی با چالش‌ها و بهبود مستمر کارها، نیازمند حمایت، درگیری و تعهد کارکنانش است. توانمندسازی مجموعه‌ای از تکنیک‌ها نیست بلکه یک روش ایجاد درونی از روابط بین فرد و دیگران است. یک محیط کاری توانمند جایی است که گروه‌ها باهم کار می‌کنند و در انجام کار، همکاری نشان می‌دهند. توانمندسازی بر این احتمال می‌افزاید که انسان‌ها تمام نیرو و قابلیت خود را در آنچه انجام می‌دهند به کارگیرند. درواقع مشارکت از افراد می‌خواهد که مسئولیت انتخاب، تأثیرگذاری هدفمند، فعال بودن و عضو به هم وابسته یک جهان متنوع را پذیرا باشند. هنگامی که آنان چنین بکنند این احتمال که افراد بیشتری همان کارها را بکنند که از انجامش لذت می‌برند افزایش می‌یابد (اسلامیه، ۱۳۸۰: ۳۱۸). بر این مبنا می‌توان از توانمندسازی همانند هر واژه دیگر توسعه‌ای، تعاریف متعددی ارائه نمود. توانمندسازی فرآیند عمل (اقدام) اجتماعی می‌باشد که مشارکت مردم، سازمان‌ها و جوامع را در

دستیابی به مدیریت بهره‌مندی از زندگی را در جامعه خود، در سطح محلی و در سطوح اجتماعات بزرگ‌تر ارتقای می‌دهد. با این نگاه، توانمندسازی روستایی به معنای قدرتمند شدن یا به عبارتی، به قدرت دست یافتن جهت تسلط بر دیگران نیست بلکه بیشتر قدرتی می‌باشد که با دیگران جهت تغییر مؤثر و اثربخش، تشریک مساعی می‌کند. توانمندسازی روستایی به‌عنوان فرآیند گروهی چند سطحی، جهت هدایت و رهبری تغییرات اجتماعی، محیطی و فردی تحقق می‌یابد. همچنین، توانمندسازی عموماً نتایج فعالیت‌های توان‌بخشی است یا به عبارتی، قدرتمند کردن فعالیت‌ها مانند قدرت دستیابی به عزت نفس والاتر و یا کنترل مازاد بر درآمد شخصی می‌باشد. بدین ترتیب همان‌طور که تصویر ذیل نشان می‌دهد توانمندسازی روستایی با رویکرد اقتصادی به‌مثابه فرآیند چندوجهی، جذب منابع سرمایه‌ای برای دستیابی به نیروهای جمعی و بهبود مهارت‌ها و ظرفیت‌های برنامه‌ریزی و تحلیل بازتاب توانایی‌های مردم روستایی برای شناسایی روش‌های غلبه بر موانع به‌ویژه چالش‌های اقتصادی و فقر مناطق روستایی قلمداد می‌گردد (اصغری لقمجانی، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

تصویر شماره (۲): توانمندسازی شیوه‌ای مناسب برای غلبه بر موانع توسعه اقتصادی مناطق روستایی



در این تعریف چند واژه کلیدی مطرح شده است که عبارت‌اند از فرآیندی بودن، چندوجهی عمل کردن و جذب سرمایه داشتن. نتیجه ترکیب این سه واژه برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی با رویکرد اشتغال‌زایی هم‌افزایی،

قدرتمند شدن، بهبود مهارت‌ها، افزایش ظرفیت‌های برنامه‌ریزی و تحلیل بازتاب توانایی‌های مردم محلی است که قادرند موانع توسعه اقتصادی روستا را برطرف نمایند. بر این مبنا توانمندسازی یعنی فرآیند گسترش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود برای مشارکت در گفتگو، مذاکره و تحت نفوذ و کنترل درآوردن نهادها و سازمان‌هایی که در زندگی اقتصادی جوامع روستایی تأثیر دارند. نتیجه آن که توانمندسازی یعنی فرآیند افزایش قدرت چانه‌زنی مردم با مؤسسات و سازمان‌های دولتی که عملکردشان به‌ویژه بر زندگی اقتصادی آن‌ها تأثیر دارد (وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، ۱۳۹۴: ۲۶). لذا توانمندسازی با رویکرد توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی که در روش‌شناسی حاضر تحقیق بدان توجه می‌گردد یک پدیده چندوجهی، یک راهبرد، یک پدیده چند رشته‌ای و یک نوع مدیریت و برنامه‌ریزی برای توسعه فرصت‌های شغلی در سطح مناطق روستایی است. فلسفه توانمندسازی برای توسعه اقتصادی از طریق توسعه فرصت‌های شغلی بر این اساس استوار است که انسان‌ها، ظرفیت و قابلیت انتخاب شغل و فعالیت برای خود و بر اساس توانمندی‌های محلی داشته باشند؛ به عبارت دیگر، توانمندسازی به عنوان یک فرآیند آموزشی تعریف می‌شود که افراد جهت ارتقای توسعه و دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها، وجه نظرها، میزان خودآگاهی که به‌طور مؤثر در تصمیمات مبتنی بر توسعه و رفاه اقتصادی خودشان کارساز می‌باشد، به حیطه عمل درمی‌آورند. نکته مهم در این امر نهفته است که با توانمندسازی روستاییان و تفویض اختیار تصمیم‌گیری برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی به آن‌ها توانمندسازی سبب می‌شود تا مردم مطابق با خواسته‌های خود عمل کنند. بر اساس این رویکرد، رفتار، ارزش و ایمان روستاییان در تسهیل توانمندسازی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ یعنی در صورت اعتقاد و ایمان روستاییان به توانمندسازی و به توانمندی خودشان، فعالیت‌های کاری خود را با مهارت هر چه تمام‌تر انجام داده و مفهوم خود اثربخشی را در بعد توانمندی و توانایی متجلی می‌سازند. در کل همان‌طور که شکل ذیل نشان می‌دهد، توانمندسازی، سطوح عملکرد، رضایت شغلی، تعهد کاری و اثربخشی را به همراه دارد و این امر انکارناپذیر است که ابعاد توانمندسازی سطوح عملکردی را ارتقای بخشیده و توسعه اقتصادی مناطق روستایی را به ارمغان می‌آورد.

تصویر شماره (۳): اثرات توانمندسازی روستایی با رویکرد اقتصادی



اشخاص روستایی وقتی احساس رضایت شغلی داشته باشند تلاش و کوشش بیشتری توأم با وجدان کاری از خود به خرج می‌دهند؛ به عبارت دیگر، وقتی فرد روستایی در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد کارش را با رضایت هر چه بیشتر و با اعتماد به نفس بیشتر انجام می‌دهد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که توانمندسازی به عنوان نورافکن پر قدرت در تمام ابعاد زندگی خصوصی و اجتماعی روستاییان مطرح هست. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان توسعه، توانمندسازی فقرای روستایی، نقش کلیدی را در رفع فقر و محرومیت و افزایش رفاه بازی می‌کند زیرا فقر امکان آن را پیدا می‌کنند که در مسائل اقتصادی آگاهی بیشتری پیدا کرده و این امر در تداوم و تسهیل، رسیدن به خواسته‌های خود که همان ایجاد شغل پایدار، افزایش ثروت و دارایی هست نقش مؤثر و سازنده‌ای ایفا می‌کنند. توانمندسازی قادر است در جامعه به کاهش فقر و بیکاری کمک کند و فقر را در راستای نیل به زندگی بهتر و افزایش رفاه و خودکفایی مساعدت نماید. بسیاری توانمندسازی اقتصادی را یک برنامه راهبردی جهت توسعه ملی توصیه می‌کنند. بر این اساس می‌توان اذعان نمود که در حال حاضر مفهوم توانمندسازی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه تبدیل شده است؛ به طوری که توانمندسازی را نشانی از شیوه تغییر از توسعه سنتی به توسعه جدید می‌دانند که نقش مردم را فقط به دریافت‌کننده انفعالی وابسته به کمک‌های بیرونی محدود نمی‌کند. راهبرد توانمندسازی، کمک به مردم روستایی را برای داشتن یک نقش فعال در توسعه اقتصادی روستا را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را برای فعال شدن در زمینه شناخت قابلیت‌های خود برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های محلی خود مورد توجه قرار می‌دهد. افزون بر این، توانمندسازی بر اساس تعامل گروه‌ها (مردم)، سازمان‌ها (دولت‌ها و بازار) و... به وجود می‌آید و از طریق گفتمان دستیابی است. از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی مردم روستایی از حقوق اولیه آنان محسوب می‌شود و هر فرد روستایی باید امکان آن را داشته باشد که از تمامی توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند؛ بنابراین، افراد باید بیاموزند که با خودباوری و اعتماد به نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۰۸). بر این اساس شاید یکی از مهم‌ترین کارکردهای توانمندسازی روستایی توسعه بازارهای حامی فقر است. فقر و آسیب‌پذیری بدون رشد فراگیر که موتور محرکه آن فعالیت بخش خصوصی است، کاهش نخواهد یافت. با این وجود، اگر مردم فقیر از مشارکت مؤثر و کارآمد در فعالیت‌های تولیدی حذف شوند، در این صورت رشد اقتصادی نمی‌تواند استمرار داشته باشد (وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۱-۵-۳- جایگاه ظرفیت‌سازی (توسعه ظرفیتی) در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی

پایدار مناطق روستایی

ظرفیت‌سازی به عنوان یکی از عناصر ضروری برای تحقق هدف اصلی توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی در دنیای امروز شناخته شده است. این بحث به‌ویژه بر گسترش همکاری به منظور شامل نمودن گروه‌های جامعه مدنی به عنوان شرکای تمام‌عیار تأکید دارد. ظرفیت‌سازی معمولاً با ایجاد مشارکت به خصوص میان بخش‌های دولتی و خصوصی همراه است (تالشی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). ظرفیت‌سازی یا توسعه ظرفیتی مکمل ایده‌های دیگر است که تفکر

توسعه را در طول دهه گذشته تحت سیطره داشته‌اند و هنوز هم نقش بازی می‌کنند. این مفاهیم شامل نهادسازی، تقویت و توسعه نهادی، مدیریت توسعه، توسعه منابع انسانی و نهادگرایی جدید است، این‌ها و مفاهیم دیگر مربوط به کار توسعه، توسعه‌سازمانی، توسعه جامعه، توسعه روستایی یکپارچه و توسعه پایدار و در مفهوم وسیع‌تر در «توسعه ظرفیتی» رده‌بندی شده‌اند به‌طوری‌که رویکردهای متفرق قبلی را به راهبرد منسجم با چشم‌انداز درازمدت و نگرش تغییر اجتماعی مرتبط می‌کند. از این‌رو بیشتر مردم به این ایده به‌عنوان یک نیرو و قدرت یکپارچه‌کننده و هماهنگ‌کننده می‌نگرند که تعداد زیادی از ذینفعان را دور هم گرد می‌آورد. در ادبیات توسعه، توسعه ظرفیتی همراه با توانمندسازی افراد و سازمان‌های پایه‌ای و محلی مورد توجه قرار می‌گیرد. در بیشتر تعاریف صورت گرفته از توسعه ظرفیتی از آن به‌عنوان رویکرد یا فرآیندی برای کاهش فقر نام‌برده شده است، بر این اساس ظرفیت‌سازی عبارت است از فرآیند شناسایی توانایی افراد، گروه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها و کمک به حل مسائل توسعه آن‌ها. در این راستا سازمان ملل نیز در تعریف توسعه ظرفیتی بر توانایی‌های کشورها برای ایجاد شرایط در جهت استفاده بهینه از ظرفیت‌های فنی و منابع موجود در یک شیوه پایدار تأکید می‌کند. در این تعریف، ظرفیت‌سازی یک تغییر به‌سوی رویکرد توسعه‌ای است که سعی می‌کند به نیازهای اعضا توجه کرده و به مردم، مؤسسات و نهادها برای شناسایی و پی بردن به اهداف توسعه‌شان کمک کند. از نظر سطح، ظرفیت به چهار سطح، محیط توانا ساز، سطح شبکه‌ای (بخشی)، سطح سازمانی و سطح فردی تقسیم‌بندی می‌شود. در سطح محیط توانا ساز فرآیندهای توسعه در داخل آن رخ می‌دهد. اجرا کردن تغییرات در سطح محیط توانا ساز عمدتاً زمان قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد، در سطح شبکه‌ای، نوآوری‌ها و ابتکارات توسعه ظرفیتی عمدتاً بر روی اصلاحات سیاسی، بهبود بخشی به ارائه خدمات و یا ایجاد هماهنگی بیشتر بین عاملان نهادی متمرکز می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در این سطح ممکن است بخش را در کل جامعه یا هر یک از بخش‌های فرعی را به‌عنوان جامعه هدف در نظر گیرد. شمول شبکه‌ها در این سطح به معنی اهمیت همکاری و تشریک‌مسابی در داخل و سراسر بخش‌ها، انواع موضوعات و انواع برنامه‌ها است که تلاش برای تقویت یا کارآمدی بیشتر آن‌ها برای تقویت ظرفیت‌های مفید ضروری است. در سطح سازمانی، توسعه ظرفیتی بر موضوعاتی از قبیل ساختارها، منابع فرآیندها و مدیریت متمرکز می‌شود. مداخلات توسعه ظرفیتی در این سطح معمولاً در جستجوی ارتقای در میان سازمان‌ها خواهد بود و ممکن است در ایجاد تغییراتی در سطح بخشی یا محیط توانا ساز مشارکت کند. در سطح فردی، توسعه ظرفیتی به افرادی خاص به‌عنوان عاملان اجتماعی یا سازمانی توجه دارد. برای مثال این گروه هدف دربرگیرنده ذینفعان، روستاییان، برنامه ریزان و طراحان هستند که با به‌کارگیری مهارت‌ها یا توانایی‌های خود برای مشارکت در تحقق اهداف توسعه تجهیز شده‌اند. بدیهی است ارتقا و افزایش یا سودمندی بسیار مؤثر مهارت‌ها، توانایی‌ها و منابع و نیز ظرفیت‌سازی ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و شرایط برای پشتیبانی و حمایت از توسعه پایدار از اهداف توسعه ظرفیتی محسوب می‌شوند. بر این اساس می‌توان به اصول متعددی در فرآیند ظرفیت‌سازی معتقد بود که در رأس آن می‌توان به مواردی چون مشارکت گسترده و دستور کار با محوریت محلی، تأکید بر نقش ظرفیت‌های محلی در توانمندسازی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها، یادگیری و انطباق مداوم، سرمایه‌گذاری بلندمدت، همگرایی با فعالیت‌های سطوح مختلف برای رفع

مشکلات و مسائل پیچیده، مردم محوری، مشورتی و مشارکتی بودن، احساس مالکیت و تعلق و مسئولیت‌پذیری در بین مردم محلی، توجه به رویکرد سیستم راهبری، توجه به انتظارات و قدرت پذیرش ریسک، توسعه منابع انسانی، ایجاد فرصت‌ها به‌ویژه اشتغال روستایی و تسهیل‌کننده شرایط جذب همکاری‌ها و کمک‌های بیرونی اشاره نمود. انتظار می‌رود با بهره‌برداری از ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای زمینه‌سازی برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود، ایجاد یا تقویت ظرفیت‌های موجود، فراهم‌سازی فضای مناسب برای نوآوری یا خلاقیت و استفاده سازنده از ظرفیت‌های موجود و نیز آفرینش و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی فراهم گردد. بدیهی است مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی چون انتشار و ترویج اطلاعات، آموزش سطح مهارت‌های موردنیاز برای توسعه اشتغال، نظارت و تسهیلگری، تقویت فعالیت‌های بین سازمانی و خوشه‌ای کردن فعالیت‌ها در قالب شبکه‌ها در این فرآیند موردتوجه قرار می‌گیرند. درواقع، همه تلاش‌های توسعه ظرفیتی بر این است تا اطلاعات موجود فرد، گروه و سازمان را در گسترده اعضا منتشر کند و در این میان آموزش یکی از ابزارهای معمول مورداستفاده در افزایش مهارت‌ها و دانش و نگرش‌های ذی‌نفعان روستایی است. توجه توسعه ظرفیتی در توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روستایی استان ترکیب مناسبی از ابزارهای فوق را با توجه به اهداف و محدودیت‌های بودجه‌ای به وجود می‌آورد. توسعه ظرفیتی همچنین می‌تواند از طریق مبادله اطلاعات و تجارب در بین اعضا سازمان (کارگزاران دولتی) و گروه (ذی‌نفعان روستایی) از طریق برگزاری جلسات مختلف مانند کارگاه‌ها و ایجاد شبکه‌های اجتماعی به توسعه فرصت‌های شغلی با تأکید بر منابع محلی مساعدت نماید. به لحاظ نظری نیز توسعه ظرفیتی قابلیت بالایی را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی ارائه می‌نماید. همان‌طور که می‌دانیم نگرش‌ها و رویکردهای مختلفی درباره ظرفیت‌سازی مطرح می‌باشد. ادبیات توسعه ظرفیتی طبقه‌بندی از چهار رویکرد مختلف با مکاتب فکری ارائه می‌کند که شامل رویکردهای سازمانی، نهادی، سیستم‌ها و مشارکتی است. در این تحقیق روش‌شناسی پیشنهادی برای توسعه ظرفیتی، رویکرد سیستم‌هاست. نگرش سیستمی بنیاد مناسبی برای شناخت جوامع محلی به دست می‌دهد. در این راستا، رویکرد سیستم‌ها به توسعه ظرفیتی تأکید دارد که جامعه باید انعطاف‌پذیر باشد و ارتباطات و وابستگی بین عناصر آن متقابل باشد. در رأس این رویکردها رویکرد سازمانی قرار دارد. این رویکرد به «وجود» و «ماهیت» توجه دارد و وجود سازمان یا حتی مجموعه سازمان‌ها را به‌عنوان راهی مطمئن برای نیل به توسعه اقتصادی مناطق روستایی می‌داند. این رویکرد بر روی ظرفیت‌های سازمان‌ها تمرکز دارد و از بیرون به آن‌ها نگاه می‌کند. در رویکرد سازمانی عمده‌تأ سازمان‌های دولتی و غیردولتی (سازمان‌های محلی) مطرح است و تمرکز بر شناسایی عناصر یا اجزایی ظرفیت در داخل یک سازمان موردتوجه است. در چنین نگرشی، فرآیند توسعه ظرفیتی می‌تواند تجویزی باشد. رویکرد دوم مورد تأکید در توسعه ظرفیتی رویکرد نهادی است. رویکرد نهادی در دهه گذشته، عمده‌تأ از سوی متخصصان توسعه اقتصاد نهادی مطرح گردید و ایده‌هایی از قبیل نهادها و تغییرات نهادی در آن به‌شدت موردتوجه قرار گرفته است. این رویکرد در بعد اقتصادی، ساخت ظرفیت و ایجاد تغییر، اجرا و یادگیری از فرآیندها و نقش‌ها و قوانینی که بر جامعه روستایی حاکم است را دربرمی‌گیرد. رویکرد سوم برای توسعه ظرفیت‌های محلی شامل رویکرد سیستمی است. رویکرد سیستمی به توسعه ظرفیتی یک

ایده چندبعدی می‌دهد. بر اساس این رویکرد، توسعه ظرفیتی دارای سطوح متعدد، عاملان متعدد، روابط قوی و پیوندهای محکم می‌باشد. رویکرد سیستمی بیان می‌کند که برای نیل به اهداف سازمان و نهاد (توسعه اقتصادی با رویکرد اشتغال‌زایی روستایی) بایستی آن را بهبود دهیم و همه روابط درونی و خارجی آن را با توجه به منطق سیستم هدایت کنیم. در اینجا، توسعه ظرفیتی یک راهبرد همه‌شمول است که دربرگیرنده سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی بوده و سطوح سازمانی و نهادی را به‌عنوان محصول فعالیت مردم در اشکال دولتی، مردمی، سازمان‌های خصوصی و عمومی دربرمی‌گیرد. بر اساس این رویکرد، توسعه ظرفیتی فرآیندی پویا است که در آن شبکه‌های پیچیده عاملان در جستجوی ارتقا و بهبود بخشیدن به توانایی‌های خود برای اجرا کردن و انجام وظایفی است که بر عهده‌دارند که با توجه به نوآوری‌ها و ابتکارات خود و همچنین از طریق پشتیبانی و حمایت بیرونی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، سیستم‌های ظرفیت به‌عنوان سیستمی پویا، الگوهای مرتبط و متصل به یکدیگر بوده که در طول زمان حرکت آن‌ها در راستای پیچیدگی بیشتر، هماهنگی، انعطاف‌پذیری، تکثرگرایی، ارتباط متقابل و جامعیت است. امتیاز رویکرد سیستمی، جامعیت، انعطاف‌پذیری و تأکید آن بر روی پیوندهای بین اجزای آن برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی است. درنهایت رویکرد چهارم فرآیند مشارکتی است. این رویکرد به توسعه ظرفیتی به‌عنوان رویکردی مردم محور (مردم‌گرا) و بدون سلسله‌مراتب می‌نگرد و معتقد است که بدون توجه به توسعه ظرفیتی آن یک روند مشارکتی و همکاری برای توانمندسازی نخواهد بود و از این‌رو هدف توسعه اقتصادی روستاها نباید تحصیل یک مدل بیرونی باشد و تلاش‌ها باید مبتنی بر شناسایی و استفاده از متخصصان محلی و مدل داخلی استوار باشد. بر اساس این روش‌شناسی پیشنهادی برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی استان به هدف توسعه فرصت‌های شغلی با رویکرد سیستمی همان‌طور که تصویر ذیل نیز نشان می‌دهد باید قلمروهای یازده‌گانه وظایف توسعه ظرفیتی به شرح زیر شناسایی شوند.

تصویر شماره (۴): قلمروهای یازده‌گانه توسعه اقتصادی به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی



- رویکرد فرا بخشی چند رشته‌ای و داشتن تفکر نظام‌مند به توسعه اقتصادی روستاها
- تقویت و گسترش نهادهای اقتصادی درگیر با توسعه روستایی
- تغییر ارتباطات میان کمک‌کنندگان بیرونی (نهادهای دولتی) و بازیگران محلی (روستاییان)
- توجه به زمینه‌های تأثیرگذار توسعه به‌ویژه زمینه‌های اقتصادی اعم از تقویت ظرفیت‌های بهره‌وری
- تأکید بر ارتباطات و کارکرد شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی
- توجه و اعتنا به مدیریت تعارض بین کمک‌کنندگان بیرونی (نهادهای دولتی) و بازیگران محلی (روستاییان)
- توجه به زمان طولانی‌مدت تأمین کمک‌ها برای استمرار توسعه اقتصادی از طریق اشتغال‌زایی روستایی
- توجه به اصل یادگیری و یاددهی و توسعه مهارت‌های شغلی و سازگاری آن با شرایط محلی و منطقه‌ای در برنامه‌های مدیریت
- توجه به اجرای به‌موقع تعهدات اعم از کمک‌کنندگان بیرونی (نهادهای دولتی) و بازیگران محلی (روستاییان)
- تأکید بر آموزش و آگاه‌سازی‌های شغلی و حرفه‌ای به‌منظور توسعه بازارها و کارآفرینان روستایی
- داشتن نگرش فرآیندی و برنامه محوری در فعالیتهای منجر به توسعه اقتصادی از طریق ترویج ایده‌های کارآفرینی

۱-۵-۴- جایگاه مشارکت محلی در روش‌شناسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پایدار مناطق

روستایی

مشارکت مردم در روند توسعه نزد صاحب‌نظران از چنان اعتباری برخوردار است که بعضاً توسعه را معادل مشارکت می‌دانند (طالب، ۱۳۷۴: ۴). مشارکت مردم از طریق انجام کارهای گروهی، ایجاد کارگاه‌های مبتنی بر طوفان مغزی و اعمال رهبری محلی همان‌طور که تصویر ذیل نشان می‌دهد می‌تواند حصول به پایداری را تضمین کند و فعالیتهای توسعه را مؤثرتر سازد و به ایجاد ظرفیتهای محلی و توانمندسازی روستاییان کمک کند (پیترا و کلی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱) (اسدی، ۱۳۹۵: ۶۱) (SEI, ۲۰۱۶: ۹).

تصویر شماره (۵): جایگاه مشارکت‌های محلی در برنامه‌های توسعه پایدار



لذا دستیابی به توسعه همه‌جانبه روستایی بدون اتخاذ روش‌هایی که در آن به مشارکت مردمی به‌عنوان زیربنا نگریده شود، میسر نمی‌باشد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷). مفهوم «مشارکت مردم» اینک به‌طور وسیعی به‌عنوان اصل عملیاتی بنیادی برای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه به‌ویژه توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته شده است. باین‌حال مشارکت مردم فرآیند پیچیده‌ای است و حقایق، رهیافت‌ها یا روش‌های عام اندکی در این زمینه وجود دارد. صرف اعلام مشارکت مردم کافی نیست بلکه باید آن فرآیند توسعه‌ای باشد که منحصرأ در کنترل متخصصان بیرونی نباشد بلکه افراد محلی و نمایندگان آن‌ها، افکار، مهارت‌ها و دانش آن‌ها را نیز در برگیرد. موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه کشور ما دارد و جوانب مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ بر اساس مشارکت‌های مردم استوار بوده است، لیکن این مفهوم امروزه اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. بی‌شک مشارکت‌های عمومی و فراگیر یک جامعه، یک محله یا یک گروه اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و اموری که به‌گونه‌ای با اهداف توسعه ملی و منطقه‌ای مرتبط است موردتوجه بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، برنامه‌ریزی، مدیریت و... قرار گرفته و به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق دموکراتیک برای افراد یک جامعه تلقی گردیده است. مشارکت مردمی از آن‌جهت اهمیت دارد که به آن منزله راهبردی جدید در توسعه نگریده می‌شود و امید بر آن است که با به‌کارگیری مؤثر مشارکت مردمی، توسعه متعادل، متوازن و پایدار حاصل آید. نتایج و تأثیرات راهبردهای تجربه‌شده قبلی در توسعه، منجر به ظهور راهبرد جدیدی در توسعه به نام «توسعه مشارکتی» گردیده است و در سراسر جهان توجه خاصی به آن می‌شود. اکثر متفکران و نظریه‌پردازان توسعه بر این عقیده‌اند که به‌کارگیری رهیافت‌های مشارکتی در توسعه برای کشورهای درحال توسعه نه به‌صورت یک گزینه بلکه به‌صورت یک ضرورت حتمی درآمده است به‌گونه‌ای که نظریه‌پردازان توسعه به این واقعیت رسیده‌اند که این مردم هستند که تعیین می‌کنند توسعه چیست، اجزای آن کدام است و برای دستیابی به نوع معینی از توسعه چه چاره‌جویی‌هایی باید صورت گیرد (عظیمی آملی، ۱۳۸۳: ۹۵). این نکته را نیز باید گفت که واژه‌های مشارکت و مشارکتی در چارچوب توسعه پایدار برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ به وجود آمد و ورود آن به عرصه روستایی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بوده است؛ یعنی زمانی که رشد و گسترش راهبردهای توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای توسعه‌یافته و اتخاذ چنین استراتژی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، موجب شد تا پیامدهای منفی آن نظیر مهاجرت‌های لجام‌گسیخته و... حادث شود. در نتیجه بسیاری از کشورها و تئوریسین‌های توسعه، درصدد برآمدند تا نسبت به رهیافت‌های اتخاذشده تجدیدنظر کرده و

موضوع مشارکت و ازجمله مشارکت روستاییان و مکانیزم های جلب و به کارگیری آنها در برنامه های توسعه روستایی مورد توجه واقع گردیده و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان «توسعه مشارکتی» وارد ادبیات توسعه شد (عفتی، ۱۳۷۲: ۶۲). از مشارکت تعاریف متعددی شده است اما به طور اجمال چند تعریف اساسی و کلیدی که دربرگیرنده چارچوب محتوایی این مفهوم متناسب با تحقیق حاضر باشد در اینجا ذکر می گردد. کلمه مشارکت معادل اصطلاح **Participation** انگلیسی است این کلمه از ریشه **part** به معنای قسمت، جز و بخش گرفته شده است و به سهم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۵). در فرهنگ معین نیز «مشارکت» معادل شرکت کردن، انباری کردن و یا تعیین سود و زیان دو یا چند تن که با سرمایه های معین در زمان های مشخص به بازرگانی پرداخته اند، تعریف شده است (معین، فرهنگ فارسی: ۴۱۲۷). در فرهنگ لاروس «**Participation**» را عمل مشارکت کردن و همچنین مشارکت را نظامی دانسته که در آن هم کارکنان یک بنگاه در سود و احیاناً مدیریت آن شریک می باشند. کورت دپفر در تعریف مشارکت می گوید: «مشارکت به عنوان نسبت مداخله عملی به مداخله های مورد نیاز است» (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۸). «الغنی» در تعریف مشارکت می گوید: «مشارکت در مفهوم دقیق خود، به معنای توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان روستایی که کنار گذاشته شده اند، می باشد» (الغنی. ام. آر. ۱۳۷۲: ۶۰). وی معتقد است این قشر باید قادر شوند از طریق مشارکت در قدرت اقتصادی از طریق افزایش دسترسی به امکانات تولید، مشارکت در قدرت سیاسی- اجتماعی با شرکت در تصمیم گیری ها از طریق سازمان ها به انتخاب خود، داشتن انگیزه برای کمک به افزایش تولید از طریق سازمان های نهادی و سهم شدن در پاداش ها و منافع رشد به منظور بهبود وضعیت تغذیه، مهارت های تولیدی و توانایی های انسانی و تبادل نیروی کار و محصول خود برای رفع نیازمندی های انسانی در امور توسعه مشارکت کنند. «میسرا» در تعریف مشارکت، مفهومی کلی ارائه می دهد و می گوید «مشارکت عبارت است از توانایی های اساسی بشر ازجمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی انسانی، تصمیم گیری و عمل به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۸). مشارکت در توسعه روستایی شامل درگیر شدن مردم در فرآیندهای تصمیم گیری، اجرای طرح ها، تسهیم آنها در فواید طرح های توسعه و درگیر شدنشان در تلاش های ارزشیابی این طرح ها می شود (۲: ۲۰۱۶, Usadolo and Caldwell). این تعریف، یک تصمیم گیری، اجرا، مدیریت فواید و ارزشیابی را به عنوان عناصر کلیدی فرآیند مشارکت تلقی می کند و بر ویژگی هایی نظیر انگیزه های مردم برای مشارکت کردن، ساختار، زمان و مدت مشارکت، عامل توانمند کننده مشارکت، نحوه درگیر شدن مردم و طیف فعالیت و حوزه مشارکت تأکید می ورزد. بر این اساس مشارکت جامعه محلی عبارت است از یک فرآیند فعال که طی آن گروه های بهره مند یا متقاضی با نیت بهبود بخشیدن به زندگی شان از لحاظ درآمد، رشد شخصی، خوداتکایی یا دیگر ارزش هایشان، برجهت و نحوه اجرا پروژه توسعه تأثیر می گذارند. از یک زاویه دیگر نیز می توان گفت که سه برداشت کلی از مشارکت وجود دارد. نخست مشارکت را به عنوان سهم شدن یا سهم داشتن تلقی می نماید. در این برداشت از مشارکت، شکل داوطلبانه مردم جوامع روستایی را در طرح ها و پروژه های از پیش تعیین شده، نشان می دهد. دوم مشارکت به عنوان سازمان دهی تعریف می شود. در این تعبیر از مشارکت، بر روی سازمان های خودجوش،

مردمی و محلی در نتیجه فرآیند مشارکت تأکید می‌شود، در حقیقت در این تعریف گرایش به سمت این است که مردم روستایی خود به تعیین ماهیت و ساختارهای سازمان‌های مربوط به خود بپردازند. سوم، مشارکت به عنوان فرآیند توانمندسازی و مقتدر سازی تعریف می‌شود. با عنایت به آنچه آمد می‌توان گفت که به طور فزاینده در سه دهه اخیر این تفکر مورد حمایت قرار گرفته است که مشارکت باید عبارت باشد از توانمند شدن و قدرتمند شدن مردم روستایی. در اینجا توانمندی و مقتدر شدن به معنای قادر شدن مردم روستایی به تصمیم‌گیری انجام اقداماتی است که برای توسعه آن‌ها ضروری است. علی‌رغم این تعبیر متفاوت، این طبقه‌بندی‌ها را نمی‌توان منفک و جدا از هم دید چراکه ممکن است یک پروژه توسعه دارای عناصری از هر سه تعبیر را در خود داشته باشد، برای مثال «سازمان‌دهی» بخشی از یک فرآیند توانمندسازی خواهد بود و در برگرفتن سهم مردم محلی مستلزم سازمان‌دهی نیز می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۵). بدین ترتیب با عنایت به تعبیر ارائه‌شده از مشارکت می‌توان توسعه مشارکتی را به منزله شراکتی دانست که مبتنی بر گفتگو میان بازیگران مختلف است تا از این رهگذر دستور کار به طور مشترک تعیین شود و نظرات افراد محلی و دانش بومی آگاهانه طلب گردد و محترم باشد. این امر بیشتر مبین مذاکره است تا سیطره دستور کار پروژه‌ای که در بیرون وضع شده باشد؛ بنابراین، مردم به جای این‌که بهره‌ور باشند به بازیگر بدل می‌شوند. با این تعبیر توسعه مشارکتی بر تواناسازی روستائیان و استفاده از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و عمل تأکید می‌شود (PHOLOGANE, ۲۰۱۴: ۱۶) (محمدی تمری و احمدوند، ۱۳۹۶: ۱۶۲). با توجه به تعاریف ارائه‌شده دو هدف عمده و رهیافت متفاوت برای رواج توسعه مشارکتی در مناطق روستایی مطرح است. نخست رهیافت مشارکت به منزله وسیله است. در این رهیافت، مشارکت فرآیندی تلقی می‌شود که به موجب آن افراد محلی (روستائیان) با طرح‌ها یا پروژه‌های عرضه‌شده از بیرون همکاری یا همراهی می‌کنند. به این ترتیب، مشارکت به وسیله‌ای تبدیل می‌شود که به کمک آن این ابتکار را می‌توان به طور مؤثرتری اجرا کرد. دوم، رهیافت مشارکت به منزله هدف است. در این رهیافت، مشارکت به خودی خود هدف تلقی می‌شود، این هدف ممکن است به صورت توانمندسازی مردم در قالب کسب مهارت‌ها، دانش و تجربه به منظور بر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر برای توسعه جلوه‌گری کند. فقر مردم اغلب بر حسب محرومیت و فقدان دسترسی‌شان به منابع و کنترل آن‌ها تبیین می‌گردد، منابعی که آنان برای بقا و بهبود زندگی خود به آن‌ها نیاز دارند. در این رهیافت، مشارکت ابزار تغییر است و می‌تواند به از بین بردن محرومیت و فقر روستایی و فراهم کردن مبنایی برای فقرا، جهت دخالت مستقیم‌تر در ابتکارهای توسعه روستایی کمک کند. نکته اساسی این است که مشارکت مردم روستایی در توسعه به دو چیز مربوط می‌شود. اول، روابط ساختاری و اهمیت پرورش توانایی‌ها و مهارت‌های مردم برای مذاکره و جستجوی منابع و تغییراتی که لازمه بهبود زندگی آنان است و دوم روش‌ها و فنونی که به موجب آن‌ها می‌توان افراد محلی را برای ایفای نقش وارد صحنه کرد و در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه منافع برای آن‌ها پدید آورد. هر دو هدف اهمیت یکسانی دارند، هدف اول در پی توسعه بلندمدت و پایدار برای فقرای روستایی و هدف دوم در پی فراهم آوردن دسترسی فوری به مزایای توسعه روستایی است. پرتی ۷ مرحله از مفهوم مشارکت را ارائه نموده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

- مشارکت گذرا یا منفعل: در این مرحله به مردم گفته می‌شود که قرار است اتفاقی بیفتد یا افتاده است و این غالباً از طریق یک اعلام همگانی از جانب یک مقام مسئول بیرونی صورت می‌گیرد، بدون آن که اظهارات مردم شنیده شود.
 - مشارکت در قبال انگیزه‌های مادی: در این مرحله مردم در قبال انگیزه‌های مادی، منابع خود را در اختیار بیرونی‌ها می‌گذارند.
 - مشارکت در دادن اطلاعات: در این مرحله مردم به سؤالات مطرح‌شده توسط محققین و بیرونی‌ها در قالب پرسشنامه پاسخ می‌دهند. آن‌ها فرصت تأثیرگذاری در روند را ندارند چرا که یافته‌ها با آنان در میان گذاشته نمی‌شوند حتی برای تصحیح.
 - مشارکت از طریق مشورت: در این مرحله با مردم مشورت می‌شود و بیرونی‌ها به نظرات آن‌ها گوش می‌دهند. تعریف مسئله و راه‌حل به عهده حرفه‌ای‌های بیرونی است و بیرونی‌ها ملزم به لحاظ کردن نظرات مردم نیستند.
 - مشارکت کارکردی: در این مرحله مردم برای تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده مربوط به یک پروژه، تشکیل می‌دهند. این می‌تواند شامل توسعه یا ارتقای یک‌رشد سازمان‌دهی اجتماعی باشد که از بیرون ابداع‌شده است. این‌گونه ورود مردم معمولاً در مراحل آغازین پروژه یا برنامه‌ریزی نیست بلکه اغلب پس‌از آن که تصمیمات اصلی اتخاذ شوند صورت می‌گیرد. نهادهای تشکیل‌شده غالباً به آغازگر و تسهیلگران بیرونی وابسته هستند ولی ممکن است در آینده خوداتکا شوند.
 - مشارکت تعاملی: در این مرحله مردم در تحلیل مشترک مشارکت می‌کنند که منجر به برنامه‌های عملی و تشکیل نهادهای محلی جدید یا تقویت نهادهای موجود می‌شود. گروه‌های جدید یا تقویت‌شده تصمیمات محلی را به عهده می‌گیرند. لذا مردم در تداوم بخشیدن و نگهداری ساختارها و فعالیت‌ها دینفع هستند.
 - خود بسیجی یا مشارکت خودجوش: در این مرحله مردم، مستقل از نهادهای بیرونی برای تغییر نظام‌ها و ساختارها وارد عمل می‌شوند. آن‌ها برای دسترسی به منافع و مشاوره‌های موردنیاز با نهادهای بیرونی ارتباط برقرار می‌کنند ولی کنترل منابع در دست خودشان است.
- بهترین نوع مشارکت، مشارکت توسعه‌ای یا همان خود بسیجی یعنی ترکیبی از مشارکت برای مردم، با مردم و به‌وسیله مردم است (Oni, ۲۰۱۵: ۱۰۷۹). این نوع مشارکت فرآیندی اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چندبعدی و چند فرهنگی است؛ به عبارت دیگر، مشارکت توسعه‌ای می‌خواهد که همگان در همه مراحل توسعه درگیر شوند (شادی طلب، ۱۳۷۲: ۸).
- شاید مهم‌ترین محک مشارکتی بودن یک فرآیند، میزان نقش و محوریت واقعیت‌های مردمی است که قرار است بهره‌مندان اصلی آن فرآیند باشند. به عبارتی، بیشتر به حساب آمدن واقعیت مردم و کم‌رنگ شدن واقعیت بیرونی‌ها در تعیین هدف، جهت و محتوای توسعه از نکات اصلی یک برنامه مشارکتی است.
- ولی چرا علیرغم تمام ادعاها و فرضاً حسن نیت طرح‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، اولویت‌ها و ارزش‌های مردم محلی به‌ویژه مردم فقیرتر و ضعیف‌تری که غالباً از جریان توسعه و ماحصل آن منزوی مانده‌اند کمترین سهم را در

مشخص نمودن سمت و سوی روند طرح‌ها و برنامه‌ها و پروژه‌ها توسعه داشته‌اند؟ چرا تا به حال واقعیت‌های مردم به‌ویژه فقیرترین و ضعیف‌ترین آنان تا این حد کم به حساب آمده‌اند؟ شاید بتوان موانع موجود بر سر راه مشارکت فعال ذی ربطان یا ذینفعان را مطرح کرد. بسیاری موانع مشارکت را در سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند. در گروه اول موانع ساختاری چون تضاد میان تمرکززدایی تدریجی فزاینده نهفته در فرآیندهای مشارکتی و تمرکزگرایی کشور، عدم آگاهی روستاییان از حقوق و خدمات به لحاظ قانونی، انگیزه‌های سیاسی قرار دارند. در گروه دوم موانع اداری و مدیریتی یعنی احاطه و کنترل نظام‌های متمرکز اداری بر تصمیم‌گیری، تخصیص منابع و اطلاعات و دانش موردنیاز روستاییان، برنامه‌ریزی متمرکز طرح‌ها و پروژه‌های توسعه قرار گرفته‌اند و در نهایت در گروه سوم نیز موانع اجتماعی مانند ذهنیت وابستگی که به لحاظ تاریخی درونی شده است و در پی آن مردم ضعیف‌تر به سپردن تصمیم‌گیری‌ها به افراد قدرتمندتر جوامع محلی و بیرونی‌ها عادت کرده‌اند واقع شده‌اند. همچنین فقدان مهارت‌های رهبری و سازمانی در نزد روستاییان فقیرتر و در پی آن، نبود تجربه در مدیریت پروژه و سازمان‌های محلی، فقدان اعتماد به نفس لازم برای به دست گرفتن ابتکار عمل و تصمیم‌گیری در نتیجه الگوهای امدادگرانه دولت در این گروه از موانع قرار می‌گیرند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر علیرغم وجود سازمان‌های مشارکتی مثل شوراهای اسلامی، احتیاجات جامعه توسط مردم به‌طور اساسی مطرح نمی‌گردد. تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرکز و یا مراکز استان‌ها و اخذ تصمیم در امور مختلف بدون ارتباط با احتیاجات واقعی و احساس شده جامعه، مانع مشارکت بیشتر مردم شده است. از طرفی نابرابری‌ها در امکانات و فرصت‌ها و توزیع غیرعادلانه خدمات و عدم توجه به نیاز گروه‌های حاشیه‌ای اثرات منفی در انگیزه مشارکت داشته است. همچنین نارسایی‌های سیستم آموزش و نظام اشتغال و محدودیت‌هایی که در قوانین برخی سازمان‌های مشارکتی وجود دارد به‌عنوان مانع مشارکت مؤثر مردم باید تلقی شود. به نظر می‌رسد برنامه‌های توسعه هدف‌های روشن مشارکتی توسعه‌ای ندارند و در جاهای دیگر نیز خطمشی و سیاست دولت در این زمینه به‌صورت قاطع و روشن ترسیم نشده است. همچنین برداشت از مشارکت بیشتر به‌صورت محدود بوده است. برخی مسئولین و مدیران مشارکت را از نظرگاه سهمین شدن مردم در خرج و اجرای طرح می‌نگرند و مسئله مشارکت در حد تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، تخصیص اعتبار، اجرا و نظارت مطرح نمی‌باشد. مأمورانی که مسئول ایجاد مشارکت هستند، بیشتر از خارج برمی‌خیزند که باید در آن‌ها انگیزه ایجاد شود و برنامه آموزشی این مأمورین بر اساس شناخت کافی جامعه موردنظر طرح‌ریزی نشده است و ارتباط کافی بین آموزش و کار عملی آنان وجود ندارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد بر اساس سه مفهوم نظری تبیین‌کننده توسعه اقتصادی از طریق توسعه فرصت‌های شغلی شامل توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت محلی که به‌عنوان الگوهای نظری غالب در روش‌شناسی تحقیق حاضر موردتوجه قرار گرفته شده است می‌توان به ارائه احکام سنتزی زیر اقدام نمود:

- فرآیند مشارکت در مناطق روستایی در جهت تحقق اهداف توسعه اقتصاد روستایی به‌منظور احقاق حقوق (مردم)، جامعه (جامعه محلی) و مکان (حقوق مکانی) امری ضروری تلقی می‌شود.

- مفهوم کیفیت زندگی در تمام سطوح عملکردی برای افراد، گروه‌ها و مناطق روستایی که از نعمت توسعه برابر یا توسعه‌یافتگی متعادل، محروم یا کمتر برخوردار بودند، شفاف و پررنگ می‌شود.
- حق تعیین سرنوشت و آزادی اراده برای مردم فقیر و محروم روستایی در نظر گرفته‌شده و این اصل به‌عنوان یک اقدام میانبر از متغیر آموزش گرفته تا اشتغال و... تأثیرگذار است.
- مردم و جامعه محلی قدرتمند می‌شوند و این قدرت، نوعی تشریک‌مساعی با دیگران جهت تغییر مؤثر و اثربخش می‌باشد؛ بنابراین، مردم مناطق و نواحی روستایی می‌توانند در تعامل با تسهیلگران در جهت حل مشکلات اقتصادی به‌ویژه اشتغال خود بر اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس خود افزوده و به یک زندگی شرافتمندانه دست یابند.
- روستاییان به یک رشد و آگاهی افزایشی نسبت به خود و جامعه دست می‌یابند (دانایی محوری)، ظرفیت‌ها و استعدادهای خود و محیط خود را همان‌طور که تصویر ذیل نشان می‌دهد برای توسعه فرصت‌های شغلی و کارآفرینی شناسایی می‌کنند، به توسعه ظرفیت‌ها برای ایجاد تحول کارساز بر اساس واقعیت‌های خود و جامعه محلی خود اقدام می‌کنند و به تقویت نهادهای مردمی و محلی اهتمام می‌ورزند.

تصویر شماره (۶): فرآیند رشد و آگاهی افزایشی نسبت به خود و جامعه و شناخت ظرفیت‌ها و استعدادهای محلی



- به مدیریت توسعه روستایی هم به‌صورت یک نگرش و هم به‌صورت یک روش یا مهارت نگریسته می‌شود. در مدیریت توسعه روستایی بر اساس این نظریه‌ها مردم دانا و آگاه فرض شده و توجه به دانش بومی مردم این مناطق و یادگیری آن در دستور کار مدیریت توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد.
- در مدیریت توسعه اقتصاد روستایی به هدف توسعه اشتغال حرکت به‌سوی رویکرد مشارکتی و تغییر از نظام پاسخ‌گویی به دستورات مافوق به نظام تقاضا از پایین تغییر جهت داده و این به معنی توسعه بومی و از پایین به بالا می‌باشد.

- توانمندسازی فقرای روستایی با افراد در حاشیه مانده، نقش کلیدی را در رفع فقر و محرومیت و افزایش رفاه بازی می‌کنند زیرا فقرا و محرومین امکان آن را پیدا می‌کنند که در مسائل اقتصادی آگاهی بیشتر پیدا کرده و این امر در تداوم و تسهیل، رسیدن به خواسته‌های خود که همان افزایش ثروت و دارایی خود و رهایی از فقر و زحمت و بی‌توجهی می‌باشد، نقش مؤثر و سازنده‌ای ایفا کنند.
 - نظریه‌های تبیین شده ترکیبی از نظریه‌های رفاه، برابری و فقرزدایی است. برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلندمدت در جهت دستیابی به توسعه پایدار به امید آغاز و ایجاد آن در سطوح بالای تصمیم‌گیری سازمان‌های دولتی باقی نمانده بلکه تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی و
 - روه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگانی را ضروری می‌دانند؛ به عبارت دیگر، روش دستیابی به نیازهای راهبردی، انتظار تغییر قوانین و جاری شدن آن از بالا به پایین نیست، بلکه این نظریه‌ها با ارتقا آگاهی‌های روستاییان از طریق سازمان‌های غیردولتی باید راه موافقت را طی کنند.
- همان‌طور که تصویر ذیل نشان می‌دهد مشارکت فعال تمام گروه‌ها و مردم روستایی، در امر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و کنترل پروژه‌ها و همچنین مشارکت در منابع خودشان (زمین، پول، کار و...) جهت تحقق و به واقعیت رسیدن توسعه اقتصادی پایدار با رویکرد اشتغال‌زایی روستایی امری ضروری و حتمی و انجام‌شدنی است. همچنین اهمیت رهیافت گروهی از طریق ایجاد سازمان‌های غیررسمی و رسمی می‌تواند مبنایی برای رشد و توسعه فرصت‌های شغلی برای مناطق روستایی استان باشد.

تصویر شماره (۷): روشمندی مشارکتی برنامه‌های توسعه پایدار اقتصادی با رویکرد اشتغال‌زایی روستایی



- با توجه به مطالب فوق جهت مطالعه طرح حاضر مشاور بر اساس روش‌های زیر به مطالعه پرداخته است:
- عمده روش‌های آینده‌اندیشی را می‌توان چنین برشمرد.
- روش دلفی

- روش سناریونویسی
- روش پیمایش محیطی
- روش ذهن انگیزی
- روش تحلیل ثبت اختراع
- روش درخت وابستگی
- روش تحلیل ریخت‌شناسی
- روش تاروش تأثیرات متقابل
- روش چرخه آیندروش چرخه آینده

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های طرح سعی شده از روش چرخه آینده برای آینده‌نگاری استفاده شود.

روش چرخه آینده چرخه آینده، روشی برای سازمان‌دهی اندیشه‌ها و پرسش‌ها، پیرامون آینده و درواقع، یک ذهن انگیزش سازمان‌یافته است. فرآیند یا واقعه بر وسط یک برگه کاغذ و منطبق با مرکز دایره‌ی فرضی کوچکی نوشته می‌شود. از مرکز این دایره (فرآیند) خطوط کوچکی به محیط فرضی آن وصل می‌شود. هر یک از نقاط تقاطع این خطوط با محیط دایره، یکی از تأثیرات و نتایج ابتدایی را نشان می‌دهد. تأثیرات دوم هر یک تأثیرات ابتدایی به همین ترتیب دومین دایره را شکل می‌بخشند. ترسیم این تأثیرات کوچک و شکل‌گیری یک تصویر کلی مفید و کارا از فرآیند و وقایع ادامه می‌یابد.

چرخه آینده معمولاً در موارد زیر به کار می‌رود:

تفکر پیرامون تأثیرات ممکن فرآیندهای جاری و یا وقایع بالقوه آینده

سازمان‌دهی تفکرات پیرامون فرآیندها و وقایع آینده پیش‌بینی سناریوهای جایگزین

نمایش روابط و مناسبات پیچیده

نشان دادن پژوهش‌های آینده‌نگر

توسعه آزادی چندمنظوره

ترسیم یک چشم‌انداز از آینده‌ها

کمک به ذهن انگیزی گروهی

چرخه آینده یکی از رایج‌ترین روش‌ها بین متخصصان آینده‌نگاری و راهی بسیار آسان برای درگیر ساختن و مشارکت دادن مردم با آینده‌نگری است. متخصصان آینده‌نگاری دریافته‌اند که استفاده از چرخه‌ها برای اندیشیدن پیرامون تأثیرات احتمالی وقایع آینده و یا سازمان‌دهی تفکرات آن‌ها در زمینه وقایع و فرآیندهای آینده بسیار ساده است. برخی از آینده‌نگاران و متخصصان آینده‌نگاری پس از مشخص ساختن فرآیندها و یا رویدادهای احتمالی آینده از مراجعه‌کنندگان خود می‌پرسند که پس‌ازاینکه رویداد اتفاق بیفتد، چه خواهد شد؟ و یا وقوع این رویداد چه واقعه یا فرآیندی را به همراه خواهد داشت و یا اثرات و نتایج وقایع فرآیندها چیست؟ پاسخ‌های به‌دست‌آمده یک نقشه ذهنی از آینده به وجود می‌آورد که یک بازخورد به‌منظور تولید فرکهای نو پیرامون آینده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی از شیوه تحلیل آماری SPSS، تحلیل کیفی SWOT، روش لیکرت و تحلیل فضایی GIS استفاده خواهد شد.

SPSS از جمله نرم‌افزارهایی است که برای تحلیل‌های آماری در علوم مختلف، به‌صورت بسیار گسترده‌ای استفاده می‌شود و افزون بر تحلیل‌های آماری، مدیریت داده‌ها و مستندسازی داده‌ها نیز از ویژگی‌های نرم‌افزار هستند. آماری که نرم‌افزار پایه شامل می‌شود عبارت‌اند از:

آمار توصیفی: جدول‌بندی شطرنجی، بسامدها، توصیفات، کاوش، آمار توصیفی نسبی
آمار دو متغیری: آزمون تی، تحلیل پراکنش، همبستگی، آزمون‌های غیر پارامتری
پیش‌بینی برآمدهای عددی: برگشت خطی

پیش‌بینی برای تشخیص گروه‌ها: تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای، جداکننده
آمار را می‌توان به دودسته عملیات تقسیم کرد:



- آمار توصیفی: شیوه‌هایی است که برای خلاصه کردن مقادیر بزرگی از داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی از این توصیف‌ها در مکالمه‌های روزمره به کار می‌روند، مثلاً اگر شما از متوسط درآمد سخن می‌گویید در حال استفاده از آمار توصیفی هستید.

- آمار استنباطی: شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها از داده‌های جمع‌آوری شده نتیجه‌ای استنباط می‌کنیم. آمار استنباطی ما را قادر می‌سازد سؤال‌هایی از نوع «آیا تفاوتی وجود دارد؟» یا «آیا رابطه‌ای وجود دارد؟» را به زبان ریاضی پاسخ دهیم.

در تحلیل SPSS باید این موارد را مورد ملاحظه قرارداد:

- ✓ طرحی را که مورد استفاده قرار داده‌اید.
- ✓ تعداد متغیرهایی که دست‌کاری کرده یا اندازه‌گیری نموده‌اید.
- ✓ نوع داده‌هایی که جمع‌آوری کرده‌اید.
- ✓ در متغیرها به دنبال تفاوت هستید یا رابطه.

در تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS، سه مرحله اساسی وجود دارد. نخست باید داده‌های خام را وارد کنید و آن‌ها را در یک پرونده ذخیره نمایید. دوم باید تحلیل موردنیاز را برگزینید و آن را مشخص کنید. سوم برون‌داد را واری کنید. این مراحل در تصویر، توضیح داده شده‌اند.

اطلاعات اخذشده از پرسشنامه‌ها و همیاران توسعه و جلسات هم‌اندیشی از طریق این نرم‌افزار آنالیز خواهد شد.

تحلیل کیفی SWOT

روش SWOT که در فارسی با نام تحلیل سوات هم شناخته می‌شود یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی یک سازمان یا طرح استفاده می‌شود. SWOT در انگلیسی حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) است. از این روش علاوه بر برنامه‌ریزی راهبردی به‌طورکلی در تحلیل وضعیت‌ها استفاده می‌شود. درواقع این تحلیل را باید ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی بدانیم، پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک می‌باشد. این تحلیل را علاوه بر SWOT در برخی متون به‌صورت TOWS نیز آورده‌اند.

در برنامه‌ریزی راهبردی، به ترتیب چشم‌انداز، رسالت، اهداف، راهبردها، عناوین برنامه‌ها و فعالیت‌ها تعریف می‌گردد. چشم‌انداز و رسالت بر مبنای نظر بالاترین مرجع تصمیم گیر تعیین می‌شود. اهداف نیز بر اساس رسالت تعیین‌شده مشخص می‌شود. درواقع رسالت یا مأموریت، وظایف کلی و دورنمای فعالیت‌ها را مشخص می‌کند و اهداف، مسیرهای رسیدن به این رسالت می‌باشد. برای تعیین راهبردها، ابتدا نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با نگاهی به فضای داخلی و عوامل بیرونی بررسی می‌شود که بر مبنای آن و با استفاده ماتریس SWOT، راهبردها استخراج می‌شود.

جدول شماره (۱): تحلیل کیفی swot

	O فرصت‌ها	T تهدیدها
S نقاط قوت	SO راهبردهای	ST راهبردهای
W نقاط ضعف	WO راهبردهای	WT راهبردهای

هر راهبرد در زیرمجموعه یکی از اهداف، روش رسیدن به هدف را مشخص می‌سازد. شناسایی ذی‌نفع‌های درونی و بیرونی نیز به شناسایی عوامل کمک می‌نماید. پس از آن برای رسیدن به هر راهبرد، برنامه‌هایی مشخص می‌شود که لازم است زمان‌بندی و بودجه‌گذاری آن‌ها نیز انجام شود.

در این طرح با استفاده از SWOT و در قالب برنامه‌ریزی مشارکتی و استفاده از نظرات کارشناسان، متخصصین و اساتید مرتبط با طرح و مشارکت دهیاران و مسئولین محلی، به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات دست‌یافته و چشم‌اندازها، اهداف، سیاست‌ها تدوین خواهد شد.

تحلیل فضایی سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS

سامانه اطلاعات جغرافیایی (Geographic Information System- GIS) یک سامانه اطلاعاتی رایانه‌ای است که به تولید، پردازش، تحلیل و مدیریت اطلاعات جغرافیایی می‌پردازد؛ به‌عبارت دیگر «GIS» برای مدیریت و واکاوی اطلاعات جغرافیایی بوده که توانایی گردآوری، ذخیره، واکاوی و نمایش اطلاعات جغرافیایی را دارد. هدف نهایی یک سامانه اطلاعات جغرافیایی، پشتیبانی برای تصمیم‌گیری‌های پایه‌گذاری شده بر پایه جغرافیایی می‌باشد و عملکرد

اساسی آن به دست آوردن اطلاعاتی است که از ترکیب لایه‌های متفاوت داده‌ها با روش‌های مختلف و با دیدگاه‌های گوناگون به دست می‌آیند.

ویژگی‌های سامانه اطلاعات جغرافیایی

✓ این سامانه علاوه بر اطلاعات توصیفی، امکان ورود اطلاعات پیکسلی و یا برداری را از منابع مختلفی از قبیل نقشه، تصاویر هوایی و ماهواره‌ای، GPS، تجهیزات نقشه‌برداری و غیره دارد.

✓ این سامانه امکان انجام تحلیل، پردازش و پرسش و پاسخ‌های مکانی موردنیاز کاربر را دارد.

✓ این سامانه امکان ارائه نتایج در قالب نقشه، گزارش، جدول و نمودار را دارد.

✓ در طراحی و تولید این سامانه‌ها از مجموعه فناوری‌های مهندسی نرم‌افزار، مهندسی اطلاعات (مدل داده) و مهندسی GIS برای نیل به خصوصیات فوق استفاده می‌شود.

✓ از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی در مطالعات محیطی، برنامه‌ریزی شهری و شهرداری، خدمات ایمنی شهری، مدیریت حمل‌ونقل و ترافیک شهری، تهیه نقشه‌های پایه، مدیریت کاربری اراضی، خدمات بانکی، خدمات پستی، مطالعات جمعیتی و مدیریت تأسیسات شهری مثل برق، آب، گاز و کاربردهای مشابه استفاده می‌شود.

✓ کمتر بانک اطلاعاتی را می‌توان نام برد که حداقل بخشی از اطلاعات آن به‌گونه‌ای به مکان وابسته نباشد.

در طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی، بیشتر از Arc View و Arc GIS استفاده شده و داده از طریق همپوشانی و همخوانی داده‌ها و لایه‌های مختلف اقدام به تحلیل داده‌ها خواهیم نمود.

۱-۶- تبیین فرآیند انجام کار

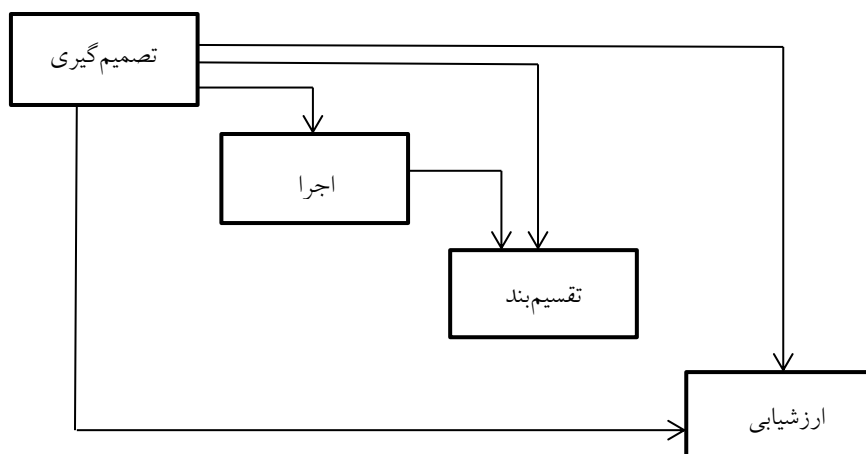
در تبیین فرآیند انجام کار طرح فوق سه مرحله زیر از جمله مهم‌ترین اقدامات خواهند بود:

۱- تهیه برنامه: در این مرحله برنامه‌های مختلف تهیه طرح شامل برنامه زمانی و مکانی و... مورد تأکید خواهند بود. این برنامه‌ها در قالب برنامه‌های میدانی و حضور در منطقه و انجام مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مدارک را شامل خواهند شد.

۲- اجرا: چگونگی دستیابی به اهداف برنامه‌های تهیه‌شده در قالب مرحله اجرا قرار خواهند گرفت که این اجرا از طریق تهیه پرسشنامه، انجام مصاحبه حضوری و غیرحضوری، مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی آمار و تحلیل‌های مربوطه، چاپ و تکثیر مطالعات انجام‌یافته و همچنین ارتباط و تعامل مناسب و منطقی با کارفرما را در بر خواهد گرفت.

۳- ارزشیابی: تمامی مراحل قبلی طی یک نظام ارزشیابی از طریق گروه متخصص که در انجام و تهیه برنامه و اجرای طرح مشارکت دارند مورد ارزشیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت و نقاط ضعف و قوت طرح قبل از آنکه در اختیار کارفرما قرار گیرد موردسنجش و ارزشیابی واقع خواهند شد.

نمودار شماره (۳): رابطه بین مراحل یک برنامه توسعه روستایی



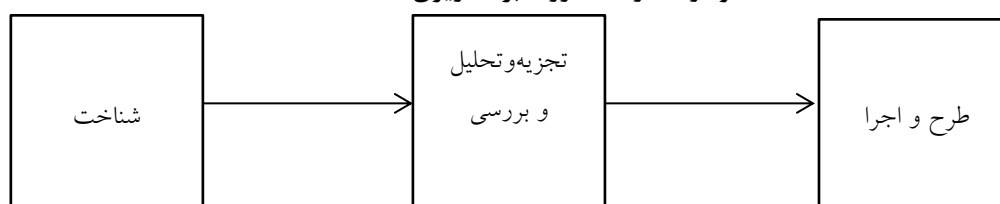
از دیدگاه دیگر مراحل فوق را در قالب یک برنامه‌ریزی ساده نیز می‌توان موردتوجه قرار داد که در این قالب مراحل مطالعات فوق در سه مرحله به شرح ذیل موردتوجه قرار خواهد گرفت.

۱- مرحله شناخت: در این مرحله تمامی روستاها از ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی مورد شناخت قرار خواهند گرفت.

۲- تجزیه و تحلیل و بررسی: در این مرحله داده‌هایی جمع‌آوری شده در بخش‌های مختلف مورد تبیین، تحلیل و تجزیه با استفاده از روش‌های مختلف آماری، علت و معلولی و... موردبحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۳- طرح و اجرا: مرحله فوق به ارائه طرح نهایی منتهی خواهد شد که در این مرحله با تکیه بر تحلیل‌های صورت گرفته در بخش دوم و با استفاده از قابلیت‌ها و تنگناهای موجود به ارائه طرح برای روستای مربوطه منجر خواهد شد.

نمودار شماره (۴): روند برنامه‌ریزی ساده



علیرغم آنکه مراحل اشاره شده در بررسی طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار خواهند گرفت اما با توجه به اینکه طرح بایستی منتهی به امر توسعه در مناطق روستایی گردند مراحل زیر نیز به‌عنوان اساس برنامه و طرح فوق به کار خواهند گرفت.

۱- استنباط شخصی از فرآیند توسعه

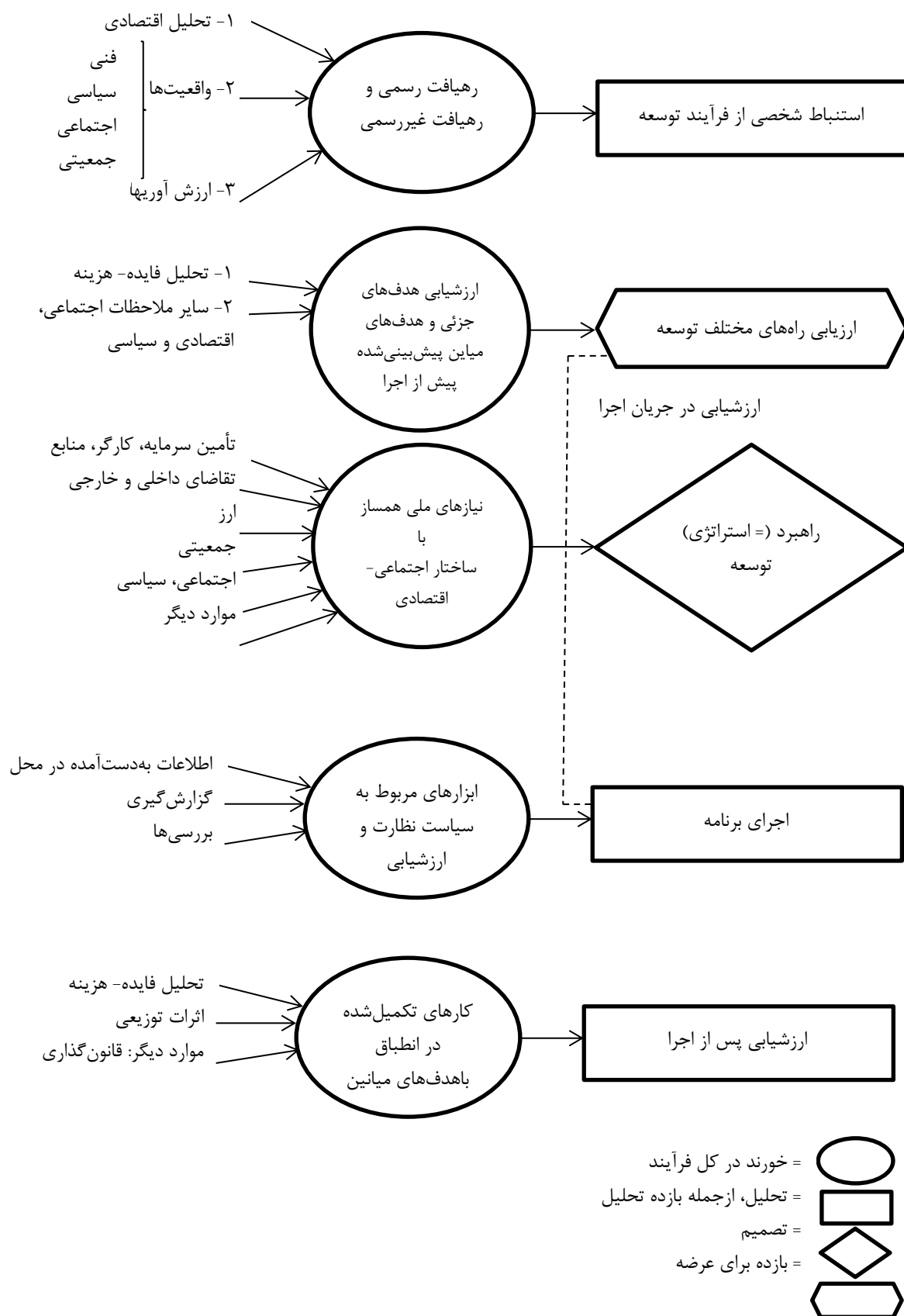
۲- ارزیابی راه‌های مختلف توسعه

۳- راهبرد یا استراتژی توسعه

۴- اجرای برنامه

۵- ارزشیابی پس از اجرا

نمودار شماره (۵): مراحل برنامه‌ریزی توسعه



۲- روش ها و فنون بررسی

در این پژوهش، با توجه به ماهیت چند وجهی آن، از روشها و فنون متفاوتی بهره جویی خواهد شد.

۲-۱- روش های جمع آوری داده ها

۲-۱-۱- بررسی های عمومی

گام های اصلی و مراحل بررسی های عمومی در طرح توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی به شرح زیر است:

بررسی شرح خدمات، تدقیق هدف های مطالعه و تهیه روش شناسی و برنامه زمان بندی انجام مطالعات

• بررسی و تحلیل محتوایی اسناد و مدارک موجود

مجموعه ای از اسناد و مدارک (اسناد فرادست و پشتیبان) در مورد محدوده مطالعاتی وجود دارد، از جمله مطالعات منطقه ای که با اهداف مختلف صورت گرفته است، این مطالعات هریک به وجهی به تحولات فضایی محدوده مطالعاتی پرداخته اند.

اسناد طرح های جامع منطقه ای (ناحیه ای) که در سطح استان زنجان تهیه شده اند.

اسناد طرح های جامع و مناطق نمونه گردشگری که در سطح شهرستان ها تهیه شده اند.

• جمع آوری اطلاعات و آمار موجود

تهیه فهرست داده های مورد نیاز، مدارک و اسناد نقشه ها و گزارش های مرتبط شناسایی، گردآوری و تولید اطلاعات و آمار مورد نیاز به روش های زیر:

شناسایی منابع آماری و اطلاعاتی موجود و رسمی در محدوده طرح. منابعی که برای جمع آوری اطلاعات کمی و آماری مورد کنکاش قرار خواهد گرفت عبارتند از :

- مرکز آمار ایران: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سرشماری های کشاورزی در چند دوره زمانی و نقشه پراکنش آبادیها

- سازمان هواشناسی: آمار و اطلاعات هواشناسی برای یک دوره حداقل ۱۰ ساله

- سازمان آب منطقه ای: آمار و اطلاعات منابع آب سطحی و زیرزمینی

- وزارت جهاد کشاورزی: آمار کشاورزی منطقه

- موسسه تحقیقات خاک و آب: نقشه های منابع اراضی و خاک

- سازمان زمین شناسی: نقشه های زمین شناسی

دریافت و تولید اطلاعات و آمار مورد نیاز از پرسشنامه های تکمیل شده در محدوده که در بندهای بعدی تشریح خواهد شد.

• انجام پژوهشهای میدانی

در پژوهشهای میدانی، عمدتاً از روش مشاهده و ثبت اطلاعات از طریق مصاحبه های عمقی و یا کارگاه های کوچک مشارکتی، روش داده بنیاد (**Grounded Theory**) استفاده خواهد شد. به این منظور پس از طبقه بندی و استخراج اطلاعات موجود و تحلیل محتوایی گزارش ها و اسناد مطالعات انجام شده قبلی، بازدید از محدوده مطالعاتی صورت خواهد گرفت.

این بازدیدها به صورت سیستماتیک، از آبادیهای مختلف صورت می گیرد.

در سکونتگاه های نمونه، با تکمیل پرسشنامه و انجام گفتگوی عمقی با عوامل محلی، ثبت اطلاعات کیفی صورت می گیرد. اطلاعات کیفی در کنار اطلاعات کمی مرکز آمار ایران و سایر منابع اطلاعات تدقیق خواهند شد. بخش دیگر از پژوهش های میدانی معطوف به گفتگو و جمع آوری اطلاعات از نهادهای اجرایی توسعه روستایی (مستقیم و غیرمستقیم) خواهد بود. جمع آوری آمار عملکرد کشف اطلاعات کیفی در مورد ساختار نهادی توسعه روستایی، هدف از انجام این اقدام است.

سازمان جهاد کشاورزی، سازمان تعاون روستایی، سازمان آب منطقه ای، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان، فرمانداری، اداره مسکن و شهرسازی شهرستان از جمله نهادهایی هستند که مورد مراجعه و جمع آوری داده ها، قرار گرفته اند.

• تهیه و تنظیم فرم های گردآوری داده ها، پرسشنامه ها، فرم های استخراج و پردازش و جداول

خروجی (دستی و ماشینی)

• تجزیه و تحلیل های اولیه جهت شناسایی شرایط و ویژگی های محیطی - بوم شناختی، فضایی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی، فعالیت ها، روابط، جریان ها و پیوندهای منطقه و ... در شرایط کنونی براساس داده ها و اطلاعات گردآوری شده

• جمع بندی نهایی از شرایط و ویژگی های عمومی بخش / دهستان در شرایط کنونی و تشخیص و تحلیل امکانات، فرصتها و تنگناها و محدودیت های بخش / دهستان در ارتباط با اهداف کلی مطالعات

• پیش بینی و ارائه طرح ها و پروژه های ضروری برای توسعه پایدار روستاهای هدف

۲-۱-۲- بررسی های تخصصی

در بررسی های تخصصی هر یک از اجزاء شرح خدمات با توجه به ماهیت و ویژگی های منحصر به فرد خود، با استفاده از روش ها و ابزار خاص مربوطه، مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند. در این بخش از نوشتار روش مطالعه و بررسی هر یک از رؤس اصلی شرح خدمات به تفکیک ارائه شده است.

جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام/ نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
موقعیت جغرافیایی دهستان و روستاهای هدف.	-تهیه نقشه های: تقسیمات اداری - سیاسی موقعیت استقرار سکونتگاهها راههای دسترسی	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و RS	نقشه موقعیت استقرار محدوده مطالعاتی در استان و کشور تشریح و تبیین موقعیت جغرافیایی و عمومی محدوده طرح	
توصیف، تحلیل و تبیین اسناد بالادستی و ارزیابی طرحها و برنامههای اجراء شده و در حال انجام مرتبط با موضوع و مکان برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستاها به تفکیک بخش و روستاهای مورد مطالعه	-گردآوری مطالعات و اسناد بالادستی شامل: شیوه نامه و آیین نامه اجرایی طرح توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی - آمایش سرزمین - سند توسعه برنامه ششم - طرح و توسعه عمران (جامع) استان زنجان - سند توسعه استان - طرح جامع توسعه کشاورزی، طرح جامع مناطق نمونه گردشگری و ...	تحلیل و تبیین اسنادی - کتابخانه ای		تعیین جایگاه، نقش ها و رسالت های آتی ترسیم شده برای بخش / دهستان در ساختار کلان فضای سرزمینی استفاده از تجارب مطالعات انجام شده هماهنگی با طرح های مصوب شده	
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع طبیعی و زیستی روستاهای هدف دهستان یا بخش.	تهیه و گردآوری نقشه های زمین شناسی مقیاس های مختلف سازمان زمین شناسی تهیه و گردآوری داده ها و اطلاعات رقومی زمین شناسی گردآوری پژوهش ها و مطالعات موردی سازندهای زمین شناسی ، گسل ها و لرزه خیزی منطقه و ...	اسنادی - کتابخانه ای		سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل کمی و کیفی - توصیفی	

				...	
--	--	--	--	-----	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع طبیعی و زیستی روستاهای هدف دهستان یا بخش.	تهیه و گردآوری داده ها و اطلاعات رقومی خطوط منحنی میزان، نقاط ارتفاعی، آبراهه ها	اسنادی – کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تصاویر ماهواره ای، نقشه های موضوعی (سنگ بستر) استفاده از دستورالعمل ماهر جهت شناسایی شکل اراضی (کوه، تپه و دشت) تحلیل کمی - کیفی - توصیفی	تهیه مدل رقومی ارتفاع، طبقات ارتفاعی، طبقات شیب و جهات آن شناسایی ویژگی های ریخت شناسی سطح زمین، دشت، کوه و ... شناسایی پدیده های ژئومورفیک (در شکل های مختلف ژئومورفولوژی انواع فرسایش مناطق بهمن گیر و مناطق لغزشی توضیح داده شوند. تهیه گزارش مورفولوژیک تهیه نقشه های ارتفاع، شیب، جهت شیب، پهنه های در معرض خطر پدیده های ژئومورفیک و ...	داده های مورد نیاز از نقشه ها و اطلاعات مرجع تهیه می شود.
	تهیه و گردآوری اطلاعات هواشناسی از سازمان هواشناسی و وزارت نیرو	اسنادی – کتابخانه ای	تحلیل توصیفی داده ها براساس اطلاعات و داده کمی - کیفی سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نرم افزار های *CROPWAT Spss و Excel	تهیه و تدوین گزارش اقلیم شناسی محدوده مطالعاتی *** تهیه نقشه های همدم، همباران، هم تبخیر و تعرق، تعیین جهت بادهای غالب و رسم گلباد معرف، هم اقلیم	داده های مورد نیاز صرفاً از اسناد مرجع (اطلاعات و داده های سازمان هواشناسی و وزارت نیرو) تهیه می شود.
	تهیه شاخص آسایش اقلیمی با استفاده از اطلاعات دما و رطوبت نسبی و	اسنادی – کتابخانه ای	تحلیل توصیفی داده ها براساس اطلاعات و داده های کمی - کیفی سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نرم افزار Excel	تهیه شاخص عدم آسایش (Humidex Index)*** تهیه شاخص ناراحتی تام (Thoms Discomfat Index)	داده های مورد نیاز برای تهیه این شاخص از اطلاعات گزارش هواشناسی استفاده می شود.
	شناسایی موقعیت استقرار در حوزه آبریز شناسایی شبکه هیدروگرافی برآورد میزان آبدهی طبیعی برآورد دبی حداکثر روزانه و لحظه ای در ایستگاه های محدوده طرح تحلیل سیلاب حداکثر	اسنادی – میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل کمی و کیفی داده های آماری نرم افزار SPSS, HYFA, Excel	برنامه ریزی برای استفاده از پتانسیل آبهای سطحی در طرح های توسعه فعالیت های تولیدی کشاورزی، صنعتی و تجاری تعیین محدوده های سیلابی تعیین تاثیر کیفیت آب در توسعه فعالیت های کشاورزی تعیین قابلیت استفاده از منابع آب سطحی در گسترش فعالیت های گردشگری	عمده اطلاعات مورد نیاز از داده ها و آمار ایستگاههای هیدرومتری و اسناد وزارت نیرو تهیه می شود. و برای تعیین برخی پارامترها

				روزانه بررسی کیفیت آب سطحی شناسایی تأسیسات آبی	
--	--	--	--	---	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام/ نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع طبیعی و زیستی روستاهای هدف دهستان یا بخش.	شناسایی سفره های آب زیرزمینی شناسایی انواع منابع استحصال آب زیرزمینی (چشمه، چاه، قنات و ...) بررسی وضعیت بهره برداری فعلی از منابع آب زیرزمینی تعیین میزان مصارف، برآورد بیلان آبی (منابع و مصارف)	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل کمی - کیفی داده های آماری نرم افزارهای Excel.	امکان توسعه بهره برداری از منابع آب زیرزمینی	اطلاعات مورد نیاز در زمینه مطالعات آبهای زیرزمینی از آماربرداری منابع آب در آرشیو وزارت نیرو (شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران) تهیه می گردد.
	شناسایی واحدهای منابع اراضی و بررسی خصوصیات و قابلیت آنها تعیین مساحت هریک از تیپ ها، واحدها و اجزای واحدهای اراضی کنترل محدوده تیپ ها، واحدها و اجزای واحدهای اراضی با تصاویر ماهواره ای و انجام اصلاحات لازم تهیه نقشه های محدوده های تیپ ها، واحدها و اجزای واحدهای اراضی مشخص نمودن محدودیتهای اصلی اراضی در هریک از اجزای واحدهای اراضی بررسی امکانات رفع و یا کاهش محدودیت های موجود	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تصاویر ماهواره ای نقشه های پوششی و موضوعی تحلیل توصیفی داده های گردآوری و تهیه شده	• تهیه نقشه های اجزا واحد اراضی طبقه بندی خاک ها تناسب اراضی در شرایط فعلی تدوین گزارش خاک و منابع اراضی	
	- تعیین گستره مرتعی و جنگلی محدوده مطالعاتی - بررسی و تعیین تیپ های اصلی مرتعی و جنگلی محدوده مطالعاتی و تهیه	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تصاویر ماهواره ای نقشه های پوششی و موضوعی	اولویت پایداری منابع و اصل استمرار تولید ارزیابی بهره برداری های موجود و مقایسه آن با پایداری منابع تولید اصلاح بهره برداری های موجود	

	متناسب و سازگار با پایداری منابع معرفی استعدادها و پتانسیل های تولیدی بالقوه متناسب با پایداری منابع تدوین گزارش پوشش گیاهی			نقشه پراکنش آنها - تعیین درصد تاج پوشش تیپ های مرتعی و جنگلی - بررسی کیفیت و کمیت تیپ های جنگلی و مرتعی و بهره برداری از آنها	
--	---	--	--	--	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع طبیعی و زیستی روستاهای هدف دهستان یا بخش.	بررسی آمار و اطلاعات موجود و جمع آوری کلیه آمار و اطلاعات موجود در زمینه حیات وحش منطقه از طریق سازمان حفاظت از محیط زیست و ادارات کل استان بررسی اکوسیستم های موجود در محدوده مطالعاتی با توجه به مطالعات پایه و تعیین سطح و گسترش هر یک از آنها و همچنین کارکرد اکوسیستم ها و نقش هر یک در فضای جغرافیایی محدوده مطالعاتی از روش روی هم گذاری لایه های اطلاعاتی شناسایی گونه های مهم حیات وحش و مطالعه پراکنش آنها بر اساس سوابق مطالعاتی منطقه (مآخذ سازمان حفاظت محیط زیست) و تکمیل اطلاعات از طریق مطلعین محلی و محیط بانان و افراد بومی، توأم با بازدیدهای محلی	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل تصاویر ماهواره ای تحلیل نقشه های پوششی و موضوعی	آثار احداث پروژه های موجود در محدوده حوضه بر حیات وحش منطقه از قبیل نابودی زیستگاه، قطع گذارهای عبور و مرور بررسی و راهکارهای مدیریتی هر یک از آنها ارائه خواهد شد.	
	بررسی مناطق تحت مدیریت در محدوده مطالعاتی و پیرامون و ارائه ویژگی ها و مشخصات بارز آنها	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل تصاویر ماهواره ای تحلیل نقشه های پوششی و موضوعی	بررسی تغییرات در اکوسیستم ها پس از اجرای پروژه های موجود در محدوده مطالعاتی و ترسیم سیمای آتی از تحولات اکوسیستمی و حیات جانوری وابسته به آن	
	تهیه گزارش سیل و زلزله های حادث شده، دریافت آمار خسارت سیل، طوفان و زلزله های حادث شده در محدوده طرح جمع آوری و دسته بندی اطلاعات استخراج شده بررسی گسل های محدوده مطالعاتی بررسی مناطق در معرض پدیده های ژئومورفیک	اسنادی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نقشه های پوششی و موضوعی تحلیل توصیفی	تعیین پهنه های سیلابی در و سکونتگاه های در معرض آسیب اقدامات جامع مدیریت و جلوگیری از زیانهای سیل تعیین محدوده های لرزه خیز و سکونتگاه های در معرض آسیب	این قسمت با استفاده از نتایج مطالعات هیدرولوژی و زمین شناسی تحلیل و مورد بررسی قرار می گیرد.

	تدوین گزارش مخاطرات و سوانح طبیعی				
--	---	--	--	--	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع انسانی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی روستاهای هدف دهستان یا بخش؛	شناسایی و تعیین تعداد مراکز جمعیتی به تفکیک سکونتگاه های شهری و روستایی و قلمروهای عشایری در محدوده مطالعاتی بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی	اسنادی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تصاویر ماهواره ای نقشه های موضوعی تحلیل کمی - کیفی	تهیه نقشه موقعیت و پراکنش سکونتگاههای روستایی	
	بررسی نقشه کاربری اراضی بررسی موقعیت استقرار سکونتگاه های مستقر در محدوده مطالعاتی نسبت به منابع محیطی (شکل زمین، ژئومورفولوژی، منابع آبی و ...)	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تصاویر ماهواره ای نقشه های پوششی و موضوعی پرسشنامه، چک لیست و فرم های برداشت میدانی از روستاهای نمونه بازدید میدانی از روستاهای نمونه	شناسایی عوامل تاثیر گذار و تحلیل آنها در شکل پذیری و پراکنش سکونتگاههای بخش / دهستان تدوین گزارش	
	تهیه نقشه شبکه راه ها (راه های اصلی و روستایی، وضعیت دسترسی به شبکه راه های استانی و ملی) گردآوری سایر اطلاعات مربوط به شبکه راه های ارتباطی در محدوده مطالعاتی	اسنادی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)	تهیه نقشه شبکه ارتباطی تدوین گزارش	اطلاعات مورد نیاز این قسمت از لایه های رقومی راههای ارتباطی که توسط وزارت راه و شهرسازی و یا سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای تهیه شده است ، تامین می گردد.
	گردآوری اطلاعات مربوط به توزیع خدمات و امکانات از نتایج سرشماری عمومی - نفوس و مسکن دریافت اطلاعات از ادارات و سازمان های مسئول در زمینه ارائه خدمات و امکانات رفاهی - عمومی و پشتیبان	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نرم افزار Arc GIS , Excel و ... تحلیل توصیفی داده ها براساس اطلاعات و داده های کمی - کیفی	- تدوین گزارش ساختار خدمات و تسهیلات زیربنایی در وضع موجود و شناسایی ضعف های موجود در این بخش	
	بررسی و طبقه بندی سکونتگاههای روستایی بر اساس تعداد خانوار	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل کمی و کیفی داده های آماري نرم افزار Excel	طبقه بندی سکونتگاههای روستایی بر اساس سلسله مراتب جمعیتی	- گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود.

-تعیین تعداد کل جمعیت منطقه در سه مقطع ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به تفکیک سکونتگاه های واقع در محدوده طرح	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری نرم افزار Excel	-گزارش جمعیت شناسی	-گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود.
---	----------------------	--	--------------------	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت منابع انسانی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی روستاهای هدف دهستان یا بخش؛	-بررسی توزیع مکانی جمعیت در هر سکونتگاه	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری نرم افزار Excel	-تراکم نسبی جمعیت -تراکم زیستی	
	-بررسی توزیع جمعیت در هر یک از گروه های سنی در سطح سکونتگاه های واقع در محدوده طرح	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری نرم افزار Excel, Pas	- شناخت ساختار سنی جامعه مورد مطالعه	-گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود .
	-بررسی توزیع جنسی جمعیت در سکونتگاه های واقع در محدوده طرح	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری -نرم افزار Excel	- شناخت ساختار جنسی جامعه مورد مطالعه	-گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود .
	-بررسی روند تغییرات جمعیت و برآورد نرخ رشد جمعیت هر یک از سکونتگاه ها در مقاطع فوق و پیش بینی جمعیت برای مقاطع آتی (چشم انداز ۲۰ ساله آتی)	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری نرم افزار Excel	-شناخت وضعیت ثبات جمعیت محدوده مورد مطالعه	-گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود .
	-تعیین بعد خانوار در سه مقطع ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به تفکیک سکونتگاه های واقع در محدوده طرح	اسنادی - کتابخانه ای	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل داده های آماری نرم افزار Excel	-تعیین میانگین یا متوسط حجم خانوار	-گردآوری و استخراج آمار و اطلاعات مورد نیاز از گزارش های منتشره مرکز آمار ایران به عنوان سند مرجع خواهد بود .
	شناسایی منابع اقتصادی ساکنین محدوده مطالعاتی از طریق داده های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، پیمایش های میدانی شناسایی منابع و عوامل تولید از طریق پیمایش های میدانی و اطلاعات و گزارش های موجود در این زمینه گردآوری اطلاعات مربوط به منابع سوخت و دریافت اطلاعات مربوط	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تحلیل کمی و کیفی داده های آماری نرم افزار Excel	شناخت وضع موجود ساختار اقتصادی محدوده مطالعاتی	

				به انواع سوخت مصرفی در محدوده مطالعاتی از دستگاه اجرایی مربوطه و....	
--	--	--	--	--	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام/ نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت نظام تولیدی در روستاهای هدف دهستان یا بخش	-شناخت انواع نظام های بهره برداری کشاورزی و تغییر و تحول آنها طی سه دهه اخیر براساس نوع رابطه با منابع و عوامل تولید چون سرمایه، نیروی انسانی، تکنولوژی، زمین، دام و مراتع همچنین نحوه مدیریت و سازماندهی عوامل و برنامه ریزی تولید - تعیین تعداد بهره برداران و شناخت ویژگی های جمعیتی آنان (سن، جنس، وضعیت سواد) - شناسایی گروه های بهره بردار و طبقه بندی آنها براساس مساحت اراضی تحت کشت - بررسی وضعیت مالکیت اراضی، منشاء مالکیت و شیوه های بهره برداری از اراضی - شناخت مناسبات تولید در واحدهای بهره برداری سنتی و مدرن درارتباط با بهره برداری از منابع خاک - شناخت و معرفی نظام های بهره برداری مناسب برپایه بهره برداری پایدار و معقول از منابع خاک - شناسایی مناسبات موجود میان بهره برداران بر اساس مناسبات جاری تولید در منطقه - جمع بندی سیما و ساختار نظام بهره برداری از منابع و عوامل تولید (به ویژه منابع آب و خاک) و شناسایی قابلیت ها و تنگنایهای آن در پایداری و ناپایداری زیست محیطی	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) -مصاحبه های ساختاری	- شناخت وضع موجود نظام های بهره برداری از منابع و عوامل تولید (نظام مالکیت اراضی، قطعات اراضی، شیوه های بهره برداری) - شناخت ساختارهای سنتی و رایج در محدوده طرح در رابطه با مناسبات تولید - شناخت مسائل و مشکلات موجود در زمینه بهره برداری از منابع اراضی کشاورزی	
	-شناخت انواع نظام های بهره برداری کشاورزی و تغییر و تحول آنها طی سه دهه اخیر براساس نوع رابطه با منابع و عوامل تولید چون سرمایه، نیروی انسانی، تکنولوژی، مراتع همچنین نحوه مدیریت و سازماندهی عوامل و برنامه ریزی تولید -بررسی نظام بهره برداری از مراتع - شناسایی مناسبات موجود میان بهره برداران	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) -مصاحبه های ساختاری	- شناخت ساختارهای سنتی و رایج در محدوده طرح در رابطه با مناسبات تولید - شناخت مسائل و مشکلات موجود در زمینه بهره برداری از منابع طبیعی	

				بر اساس مناسبات جاری تولید در منطقه	
--	--	--	--	-------------------------------------	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام/ نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت نظام تولیدی در روستاهای هدف دهستان یا بخش	- تعیین سطوح اراضی زراعی آبی و دیم و اراضی تحت کشت و آیش - بررسی الگو و ترکیب کشت اراضی زراعی آبی و دیم - بررسی عملکرد و راندمان تولیدات زراعی و میزان تولیدات فرعی و میزان پس چر مزارع - بررسی مسایل، مشکلات و تنگناها در بخش زراعت	اسنادی - میدانی	- سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و RS -مصاحبه های ساختاری	- تعیین میزان تناسب و عدم تناسب اراضی تحت کشت با ویژگی های کلی منطقه در شرایط کنونی - تحلیل وضع موجود و نقاط قوت وضعف در بخش زراعت - دستیابی به مدیریت صحیح منابع طبیعی و ارایه طرحها و برنامه های موثر و اجرایی جهت بهبود و توسعه پایدار بهره برداری از منابع تولید	- اطلاعات مورد نیاز این بخش از آمارنامه های کشاورزی، از سازمان جهاد کشاورزی و مراکز خدمات کشاورزی واقع در محدوده مطالعاتی تامین می گردد.
	- تعیین سطوح اراضی باغی آبی و دیم و اراضی تحت کشت و آیش - بررسی الگو و ترکیب کشت اراضی باغی آبی و دیم - بررسی عملکرد و راندمان تولیدات باغی - بررسی مسایل، مشکلات و تنگناها در بخش باغداری	اسنادی - میدانی	- سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و RS -مصاحبه های ساختاری	- تعیین میزان تناسب و عدم تناسب اراضی تحت کشت با ویژگی های کلی منطقه در شرایط کنونی - تحلیل وضع موجود و نقاط قوت وضعف در بخش باغداری - دستیابی به مدیریت صحیح منابع طبیعی و ارایه طرحها و برنامه های موثر و اجرایی جهت بهبود و توسعه پایدار بهره برداری از منابع تولید	- اطلاعات مورد نیاز این بخش از آمارنامه های کشاورزی، از سازمان جهاد کشاورزی و مراکز خدمات کشاورزی واقع در محدوده مطالعاتی تامین می گردد.
	- شناخت انواع شیوه های دامداری و تغییر و تحول آنها براساس نوع رابطه با منابع و عوامل تولید چون سرمایه، نیروی انسانی، تکنولوژی، مراعات و همچنین شرایط اقلیمی - تعیین تعداد دام به تفکیک انواع آن در سه دوره آماری به منظور بررسی تغییر و تحولات رخ داده - برآورد میزان واحد دامی موجود در محدوده طرح - برآورد علوفه مورد نیاز دام - شناسایی منابع تولید علوفه و میزان تولید توسط هر یک از منابع - برآورد تراز علوفه ای بین میزان نیاز دامی و میزان تولید علوفه - برآورد میزان تولیدات دام	اسنادی - میدانی	- سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) -مصاحبه های ساختاری	- شناخت وضع موجود دامداری - شناخت ساختارهای سنتی و رایج در محدوده طرح در رابطه با مناسبات تولید - شناخت مسائل و مشکلات موجود در زمینه فعالیت های دامداری	- اطلاعات مورد نیاز این بخش از آمارنامه های کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی و مراکز خدمات کشاورزی واقع در محدوده مطالعاتی تامین می گردد.

				- بررسی وضعیت جایگاه های دام به لحاظ نگهداری دام - بررسی بیماری های شایع دام - جمع بندی سیما و ساختار فعالیت های دامداری و اثرات آن بر پایداری و تخریب منابع محیطی	
--	--	--	--	--	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام/ نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین وضعیت نظام تولیدی در روستاهای هدف دهستان یا بخش	- تعیین تعداد واحدهای پرورش طیور موجود در محدوده طرح - برآورد میزان تولیدات طیور - جمع بندی سیما و ساختار فعالیت های طیورداری و اثرات آن بر پایداری و تخریب منابع محیطی	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) - مصاحبه های ساختاری	- شناخت وضع موجود طیورداری - شناخت ساختارهای سنتی و رایج در محدوده طرح در رابطه با مناسبات تولید - شناخت مسائل و مشکلات موجود در زمینه فعالیت های طیور	- اطلاعات مورد نیاز این بخش از آمارنامه های کشاورزی، از سازمان جهاد کشاورزی، مراکز خدمات کشاورزی واقع در محدوده مطالعاتی و سازمان دامپزشکی تامین می گردد.
	- بررسی و تعیین تعداد و ظرفیت واحدهای نگهداری و ذخیره محصولات کشاورزی (مانند سردخانه های سرد و دومداره، انبارهای روباز، انبارهای مکانیزه و ...)	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) - مصاحبه های ساختاری	- تعیین عملکرد واحدهای نگهداری و ذخیره محصولات کشاورزی - تعیین تناسب ظرفیت واحدهای نگهداری و ذخیره سازی با میزان تولیدات بخش کشاورزی	- اطلاعات مورد نیاز از سازمان جهاد کشاورزی، سازمان صنعت، معدن و تجارت و شرکت شهرک های کشاورزی دریافت می گردد.
	- بررسی و تعیین صنایع دستی رایج در محدوده مطالعاتی - تعیین نقش صنایع دستی در اقتصاد خانوار	اسنادی - میدانی	- مصاحبه های ساختاری	- شناخت صنایع دستی رایج در محدوده مطالعاتی - برنامه ریزی برای توسعه صنایع دستی و احیاء صنایع دستی منسوخ شده	- اطلاعات مورد نیاز از سازمان صنایع دستی، گردشگری و کمیته امداد تهیه می شود.
	- بررسی صنایع موجود در محدوده مطالعاتی - تعیین مناطق صنعتی مستقر در محدوده مطالعاتی	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) - مصاحبه های ساختاری	- شناخت صنایع موجود در محدوده مطالعاتی - نقش واحدهای صنعتی در اقتصاد محدوده مطالعاتی - نقش صنایع در پشتیبانی از تولیدات بخش های مختلف	- اطلاعات این بخش از سازمان صنایع، معدن و تجارت و شرکت شهرک های صنعتی دریافت می شود.
	- بررسی معادن موجود در محدوده مطالعاتی - تعیین محل استقرار معادن در محدوده مطالعاتی - نقش معدن های فعال و غیر فعال در مخاطرات زیست محیطی	اسنادی - میدانی	سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) - مصاحبه های ساختاری	- شناخت معادن موجود در محدوده مطالعاتی - نقش واحدهای معدنی در اقتصاد محدوده مطالعاتی	- اطلاعات این بخش از سازمان صنایع، معدن و تجارت دریافت می شود.

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
توصیف، تحلیل و تبیین فضایی و سلسله مراتب سکونتگاهی از روستاهای هدف دهستان یا بخش	سطح بندی سکونتگاه ها بر اساس روابط و پیوندهای بین سکونتگاهی موجود	اسنادی - میدانی	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS و RS)		
	گردآوری اطلاعات سرشماری، بررسی توزیع سکونتگاهها بر اساس رتبه اندازه	اسنادی - کتابخانه ای	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS و RS)	-تعیین سلسله مراتب سکونتگاه ها در سطح محدوده مطالعاتی و تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی شهری و کارکرد آنها و	
شناسایی جریانات و پیوندهای بین سکونتگاهها	اطلاع از ویژگی های مهاجرین وارد شده و خارج شده اعم از موقت یا دائم نظیر دلایل مهاجرت، مبداء و منشاء مهاجرت از طریق گردآوری اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن و اطلاعات موجود در مراکز و خانه های بهداشت روستایی	اسنادی - کتابخانه ای میدانی (در برخی نقاط سکونتگاهی منتخب مهاجر پذیر یا مهاجر فرست جهت تدقیق و تحلیل اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای)	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن تحلیل آماری داده های پرسشنامه مصاحبه تحلیل شبکه ای	تحلیل پیوندهای جمعیتی بین سکونتگاهی تحلیل اطلاعات و روند تغییرات و جابجایی جمعیت بین نقاط سکونتگاهی و علل آن که تأثیر بسزایی در گسترش و یا تخلیه سکونتگاه های شهری و روستایی دارد.	
	گردآوری اطلاعات مربوط به مراکز تهیه نهاده های تولید کشاورزی (کود، سم ، ادوات کشاورزی، نیروی انسانی و ...) گردآوری اطلاعات مربوط به مراکز سکونتگاهی و بازاری عرضه و فروش تولیدات گردآوری اطلاعات مربوط به نحوه	اسنادی - کتابخانه ای میدانی (دریافت اطلاعات از اداره جهاد کشاورزی، مراکز خدمات جهاد کشاورزی، اداره گمرک،	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از اطلاعات ستادی و میدانی پرسشنامه مصاحبه	-تحلیل پیوندهای تولیدی بخش کشاورزی بین مراکز سکونتگاهی و میزان قدرت پیوند بین آنها - تحلیل سطح توسعه یافتگی و گستردگی فعالیت های بخش کشاورزی در بخش / دهستان مورد مطالعه	

	حمل و نقل مواد اولیه و محصولات تولیدی (جاده ای ، ریلی، هوایی و ...) گردآوری اطلاعات مبادلات گمرکی (اقلام کشاورزی وارد و خارج شده به تفکیک سکونتگاه های مبدأ و مقصد)	بازرگانی و ...)		- شناخت و تحلیل سطح توسعه یافتگی مراکز سکونتگاهی بخش / دهستان در تأمین نیازهای تولیدی بخش کشاورزی
--	--	------------------	--	---

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
شناسایی جریانات و پیوندهای بین سکونتگاهها	گردآوری اطلاعات مربوط به مبادلات کالایی و مواد اولیه صنعتی، جریان مالی، تجهیزات و ماشین آلات صنعتی، نیروی انسانی گردآوری اطلاعات مربوط به تولید نفت و مبادلات مکربوط به آن، جریان مالی، تجهیزات و تأسیسات نفتی، نیروی انسانی بخش نفت و ... گردآوری اطلاعات مربوط به مراکز سکونتگاهی و بازاری عرضه و فروش تولیدات صنعتی گردآوری اطلاعات مبادلات گمرکی (اقلام صنعتی وارد و خارج شده به تفکیک مبدأ و مقصد) گردآوری جریان های ورودی و خروجی (مواد اولیه و کالاها، درآمد و سرمایه) بخش صنعت سکونتگاه های بخش / دهستان	اسنادی - کتابخانه ای میدانی	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن تحلیل آماری داده های پرسشنامه مصاحبه عمیق	شناسایی و تحلیل زنجیره ها و خوشه های تولید و روابط بین آنها شناخت و تحلیل روابط و مبادلات درون بخشی و بین بخشی با مراکز سکونتگاهی	
	بررسی جریان های مواد اولیه و کالاها (اقلام ورودی و خروجی، مبادلات ورودی و خروجی، منطقه ای، فرمانطقه ای - ملی و بین المللی - از طریق اطلاعات موجود در پایانه های حمل و نقل، آمارهای ثبتی در زمینه جابجایی بین سکونتگاهی محصولات کشاورزی، صنعتی و خدماتی)	اسنادی - کتابخانه ای و میدانی (اطلاعات نقل و انتقالات مالی و بانکی	پرسشنامه	-تعیین و بررسی جریانات کالا و خدمات بین مراکز سکونتگاهی درون و برون بخش و در نهایت تدوین پیوندهای اقتصادی	
	بررسی و تحلیل جریان های ورودی و خروجی "درآمد و سرمایه " سکونتگاه های محدوده مطالعاتی با بقیه سکونتگاه های منطقه ای (استانی)، ملی و.. مورد بررسی قرار می گیرد.	اسنادی - کتابخانه ای	(اطلاعات نقل و انتقالات مالی و بانکی	-شناخت و تحلیل جریان ها و پیوندهای سرمایه	
	گردآوری اطلاعات مربوط به مبادلات الکترونیک (کالا، پول، اطلاعات و ...) بین سکونتگاهی و کمیت و کیفیت آن گردآوری اطلاعات مراکز ICT روستایی گردآوری اطلاعات مربوط به مبادلات بین مراکز تولید علم نظیر دانشگاه ها و پارک	اسنادی - کتابخانه ای	استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز از اطلاعات دریافتی از شرکت فن آوری اطلاعات و ارتباطات، بانکها، اداره بازرگانی، مراکز علمی - پژوهشی و	-شناخت و تحلیل میزان و نحوه استفاده از انواع تکنولوژی در عرصه فعالیت های مراکز سکونتگاهی و استفاده از نتایج آن در پیش بینی	

	ساختار فضایی سکونتگاه ها تحلیل پیوندهای بین سکونتگاهی دارای منشأ تکنولوژیک	تحقیقاتی		های علم و فن آوری مستقر در سکونتگاه ها	
--	--	----------	--	--	--

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
شناسایی جریان‌ات و پیوندهای بین سکونتگاهها	شناسایی اقوام و گروه های جمعیت ساکن در محدوده مطالعاتی بررسی ترکیب مذهبی و دینی اقوام ساکن در محدوده مطالعاتی بررسی نقش قومیت در مبادلات اقتصادی بررسی ارتباطات خویشاوندی، کاری در محدوده بررسی میزان مشارکت پذیری گروه های قومی ساکن در منطقه نسبت به سایر ساکنین نقش گرایش های قومی در افزایش تعاملات و مراودات اجتماعی و فرهنگی با مناطق پیرامونی (منطقه ای، ملی و فراملی) بررسی و نقش گروه های قومی در مدیریت اجرایی و سیاسی بررسی ارتباطات فراملی گروه های قومی ساکن در محدوده مطالعاتی	بررسی های میدانی - اسنادی (مطالعات انجام شده قبلی)	مصاحبه پرسشنامه تحلیل کیفی	تعیین و تحلیل پیوندهای اجتماعی - فرهنگی (درون و برون بخشی)	
	بر اساس بررسی و تحلیل جریان مواد خام و کالا، و جریان های تولیدی در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات (بند ۱-۴) پیوندهای اقتصادی میان مراکز سکونتگاهی (درون و برون بخشی) مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت .	اسنادی - میدانی			
	گردآوری اطلاعات مربوط به شبکه های اعتباری و مالی، شبکه های آموزشی، پرورشی و تفریحی، شبکه های خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات حرفه ای و تجاری	اسنادی - میدانی			
	-دریافت نظرات، سیاست ها و برنامه های دستگاههای اجرایی در سطح بخش / دهستان و بررسی و تحلیل سیاستها و برنامه ها و تعیین همسویی و هم افزایی آنها	اسنادی - میدانی	پرسشنامه / مصاحبه ساختاری	-تحلیل و توصیف قوانین و مقررات محدودیت ساز و الزامات نهادی در سطح بخش / دهستان	توصیف، تحلیل و تبیین قوانین و مقررات محدودیتساز و محدودیت نهادی در توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستاهای هدف دهستان یا بخش

ادامه جدول شماره (۲): بررسی اسناد و توصیف و تحلیل وضع موجود

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	روش (نام / نوع)	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
قابلیت‌ها و تنگناهای طبیعی، اجتماعی- انسانی، زیرساختی و فضایی، منابع تولید و نظام فعالیتی جهت تولید و عرضه در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات روستاهای هدف دهستان یا بخش	-سنتز و تلفیق تمام یافته های مطالعات محیطی و بوم شناختی	اسنادی	تحلیل توصیفی بررسی فعالیتها و روابط محیطی - بوم شناختی استفاده از مدل SWOT جهت تعیین قابلیت ها و محدودیت ها	-تبیین قابلیت ها و محدودیت های محیطی بوم شناختی بخش / دهستان	
	-سنتز و تلفیق تمام یافته های مطالعات اجتماعی - فرهنگی	اسنادی	-تحلیل توصیفی بررسی های انجام شده در بخش ساختار اجتماعی فرهنگی -استفاده از مدل SWOT جهت تعیین قابلیت ها و محدودیت ها	تبیین قابلیت ها و محدودیت های ساختار کالبدی بخش / دهستان و استفاده از نتایج آن در تشریح ساختار اجتماعی - فرهنگی بخش / دهستان	
	-سنتز و تلفیق تمام یافته های مطالعات اقتصادی	اسنادی	-تحلیل توصیفی بررسی های انجام شده در بخش ساختار و عملکرد اقتصادی -استفاده از مدل SWOT جهت تعیین قابلیت ها و محدودیت ها	تبیین قابلیت ها و محدودیت های ساختار اقتصادی بخش / دهستان و استفاده از نتایج آن در تشریح ساختار و عملکرد اقتصادی بخش / دهستان	

جدول شماره (۲): برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستای هدف

رئوس مطالب مورد بررسی	اقدام	نام/ نوع روش	تکنیک و ابزار	برونداد	توضیحات
شناسایی و امکانسنجی ایجاد زنجیرههای ارزش، تولید و خوشه های کسب و کار در روستای هدف	-بررسی نحوه عرضه محصول -بررسی و نحوه زنجیره تامین و عرضه محصول -بررسی و تعیین بنگاههای عرضه محصول به بازار -بررسی و تعیین نحوه عرضه محصول به بازار	اسنادی/میدانی	تحلیل کمی و کیفی پرسشنامه برگزاری نشست های هم اندیشی جهت دریافت نظرات	-بررسی و تعیین بنگاههای موجود در عرضه محصول -قابلیت های ایجاد زنجیره عرضه محصول	
شناسایی، توصیف و اولویتبندی قابلیتها و تنگناهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی منابع تولید و نظام فعالیتی جهت تولید و اشتغال روستا	-تحلیل توصیفی بررسی های انجام شده در بررسی های محیط طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و منابع تولید و نظام فعالیت ها -استفاده از مدل SWOT جهت تعیین قابلیت ها و محدودیت ها	اسنادی / میدانی(برگزاری کارگاههای مشارکتی)	روش های تسهیلگری و مشارکتی	- تبیین قابلیت ها و محدودیت های ساختار های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و نظام فعالیتی روستاهای هدف -الویت بندی قابلیت ها و تنگناها با مشارکت هسته های مشارکتی روستاهای هدف	
ظرفیت شناسی نیروی انسانی از طریق شناسایی جوانان و سرپرستان خانوار جویای کار	-شناسایی جوانان و سرپرستان خانوار جویای کار از طریق هسته های مشارکتی و دستگاههای اجرایی متولی	اسنادی / میدانی	-پرسشنامه	-تحلیل و تبیین نیروی انسانی جویای کار به ویژه جوانان و سرپرستان خانوار و توانمندی های آنان	
شناسایی و اولویتبندی مهمترین ظرفیتهای روستا با تاکید بر برندسازی فعالیتها و خدمات برای تعیین محورهای تولید یا خدمات دارای اولویت و پیشرانها جهت تحرک اقتصادی روستا	جمع بندی و تلفیق داده ها و اطلاعات و مطالعات انجام شده در بخش های پیشین جمع بندی و تلفیق یافته های میدانی (پرسشنامه و نظرات هسته های مشارکتی	اسنادی	استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS و RS) استفاده از نرم افزار Excel جهت استخراج داده های مورد نیاز تحلیل کیفی - توصیفی اطلاعات و یافته ها	-تبیین برنامه های مورد نیاز و اجرایی برای روستاهای هدف -الویت بندی برنامه های پیشنهادی با همکاری هسته های مشارکتی -تعیین برنامه های پیشرلن	

